

بسم الله الرحمن الرحيم

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

همه می‌دانیم امکانات آموزشی در همه جای کشور یکسان نیست. می‌دانیم در شهرهای کوچک و مناطق محروم امکانات آموزشی ضعیف است. در فضای مجازی پیام‌هایی از دانش‌آموزان روستایی دریافت کرده‌ام که از ناتوانی مالی برای خرید کتاب و جزوه و ... حکایت می‌کرد. تعارف که نداریم؛ خوب می‌دانیم این اوضاع اقتصادی حال شهرها را هم خراب کرده است. از نابرابری‌ها و بالاخص نابرابری‌های آموزشی هر چه بگویم کم گفته‌ام. با این حال من یک دبیرم و آنچه از دست من برمی‌آید جزوات بنده است که به طور رایگان در اختیارتان قرار می‌گیرد.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعاً برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - پارسال دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهیم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اول اینکه بنده اصلاً چنین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مؤلف آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملاً با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتاً خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصله» و دیگر علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعاً قطعاً جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ...

با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج نهادن به تالیف و کار بنده، از کپی کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

معرفی و سوابق علمی و آموزشی

ابوذر احمدی پُرگو؛ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبائی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)
۱۷ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تالیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد)
کتاب کمک آموزشی، طراح سوالات نرم‌افزار آموزشی «مُنتا»، طراح سوال سابق آزمون‌های مدرّسان شریف در مقطع
کارشناسی ارشد و ...

مدرّس دبیرستان‌های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی،
دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلم‌چی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس‌های کنکور
موسسات و مدارس تهران و شهرستان‌ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس‌ها و کارگاه‌های شعر و ترانه

***توجه:** این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما دانش‌آموزان غیر کنکوری و علاقه‌مندان
به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند.

فهرست مطالب

..... ۴	کلیات
..... ۶	فصل اول: بیان
.....	تشبیه و انواع آن / استعاره و انواع آن / مجاز و انواع آن / کنایه / نماد
..... ۳۷	فصل دوم: بدیع لفظی
.....	واج آرایی و تکرار / سجع / موازنه و ترصیع / جناس و انواع آن و اشتقاق
..... ۴۸	فصل سوم: بدیع معنوی
.....	حس آمیزی / پارادوکس و تضاد / حُسن تعلیل / اسلوب معادله / ایهام و ایهام تناسب / اغراق
.....	تلمیح و تضمین / لف و نشر / مراعات نظیر / مَثَل / تَخْلَص
..... ۹۱	فصل چهارم: سوالات جمع‌بندی ترکیبی
..... ۱۰۲	فصل پنجم: آزمون‌های جامع سراسری
..... ۱۱۷	فصل ششم: آزمون‌های جامع تالیفی
..... ۱۲۹	پاسخنامه



کلیات آرایه‌های ادبی

آرایه‌های ادبی در یک نگاه کلی به دو بخش بیان (یا صُور خیال) و بدیع تقسیم می‌شود.

بیان (صُور خیال)

آرایه‌هایی را می‌گویند که کار تصویرسازی و مخیل کردن شعر را بر عهده دارند و در سطح کنکور موارد زیر را شامل می‌شود.

تشبیه: تشبیه کامل، تشبیه بلیغ (تشبیه بلیغ اسنادی و تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی)

استعاره: استعاره مصرحه، استعاره مکنیه (اضافه‌ی استعاری، تشخیص)

مجاز: با علاقه‌های شباهت، محلّیه، کلیّه، جزئیّه و لازمیّه، آلت و ...

کنایه

نماد

بدیع

آرایه‌هایی را می‌گویند که موسیقی لفظی و معنوی را افزایش می‌دهند و به دو دسته بدیع لفظی و بدیع معنوی تقسیم می‌شود.

بدیع لفظی: آرایه‌هایی هستند که موسیقی لفظی کلام را افزایش می‌دهند و یکسانی یا مشابهت لفظی به وجود می‌آورند. مثلاً دو کلمه «دَسْتُ و مَسْتُ» از نظر معنایی با هم ارتباطی ندارند ولی **تلفظ** آن‌ها شبیه به هم است و این **تلفظ** مشابه، صدای یک‌نواختی دارد و موسیقی کلام را افزایش می‌دهد. بدیع لفظی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع لفظی: تکرار، واج‌آرایی، سجع، جناس و اشتقاق.

موازنه و ترصیع نیز دو آرایه بدیع لفظی هستند که مخصوص رشته انسانی‌اند.

بدیع معنوی: آرایه‌هایی هستند که با توجه به روابط معنایی کلمات و عبارات حاصل می‌شوند و یک نوع موسیقی معنوی ایجاد می‌کنند. مثلاً وقتی «گل و باغ و شبنم» را در شعری به کار می‌بریم، این کلمات از نظر لفظی مشابهتی با هم ندارند، ولی از نظر معنایی در ارتباط هستند و یک هماهنگی در ذهن شنونده ایجاد می‌کنند که سبب لذت ادبی می‌شود، این کارکرد را بدیع معنوی می‌گویند. بدیع معنوی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع معنوی: حس‌آمیزی، حُسن تعلیل، پارادوکس، تضاد، ایهام و ایهام تناسب، اسلوب معادله،

تلمیح، تضمین، مراعات نظیر، لف و نشر، اغراق، مَثَل و تَخْلَص.



توجه: برای پاسخگویی به تست‌های ترکیبی، سعی کنید ابتدا با گروه اول پاسخ بدهید و اگر نشد با گروه دوم و تا جای ممکن سمت گروه سوم نروید! گروه چهارم هم معمولاً یا در تست‌ها نمی‌آیند و یا بی‌تاثیر هستند ولی به هر حال آن‌ها را نیز باید یاد بگیرید.

گروه اول	حسن آمیزی، پارادوکس، حُسن تعلیل، اسلوب معادله
گروه دوم	جناس، تلمیح، اغراق، تضاد
گروه سوم	انواع تشبیه، انواع استعاره، انواع مجاز، کنایه، ایهام و ایهام تناسب
گروه چهارم	مراعات نظیر (تناسب)، تکرار، واج‌آرایی، سجع، تضمین، نماد و ...



فصل اول: بیان

تشبیه

تشبیه **مهم‌ترین** بخش بیان یا صور خیال است. تشبیه هنگامی است که شاعر دو چیزی را که در اصل به هم شبیه نیستند، به هم تشبیه کند. مثلاً «تو ماه هستی» تشبیه است، اما «تو یار غمگسار هستی» تشبیه نیست، زیرا واقعیت است. ابتدایی‌ترین و کامل‌ترین تشبیه که به آن تشبیه کامل یا گسترده می‌گویند، تشبیهی است که ۴ رکن دارد: «**مشبه، ادات تشبیه، مشبه‌به، وجه‌شبهه**». ولی شاعران برای خیال‌انگیز کردن کلام یا گسترش دادن معنی وجه شبه را حذف می‌کنند و یا برای تاکید بیشتر گاهی ادات تشبیه را حذف می‌کنند. که این حالت را نیز تشبیه کامل می‌گویند و یا هر دوی آن‌ها را حذف می‌کنند و از تشبیه فقط مشبه و مشبه‌به (**طرفین تشبیه**) باقی می‌ماند، که به آن تشبیه بلیغ یا فشرده می‌گویند.

بلم آرام چون قویی سبک‌بار	به نرمی بر سر کارون همی‌رفت
مشبه: بلم (قایق)	ادات تشبیه: چون
مشبه‌به: قو	وجه شبه: به نرمی رفتن
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم	ورت به دست نیاید، چو سرو باش آزاد
مشبه: (تو)	ادات تشبیه: چو
مشبه‌به: نخل	وجه شبه: کریم و بخشدن بودن
قهوه‌خانه	گرم و روشن بود
مشبه	وجه‌شبهه
همچون	ادات تشبیه
شرم	وجه شبه: شرم
مشبه‌به	ادات تشبیه

تشبیه بلیغ

هرگاه از ارکان تشبیه، فقط مشبه و مشبه‌به یعنی فقط **طرفین تشبیه** آمده باشد آن تشبیه را، تشبیه بلیغ می‌گویند. تشبیه بلیغ به دو شکل می‌آید

تشبیه بلیغ اسنادی: مشبه + مشبه‌به + فعل اسنادی: عشق آتش است، تو کوهی، سروی
تشبیه بلیغ اضافی: «اضافه تشبیهی»: مشبه‌به + - یا ی + مشبه: آتش هجران، کمند زلف



توجه: اضافه تشبیهی، در محدود مواردی به صورت «مشبه - یا ی + مشبه‌به» می‌آید. یعنی مشبه، جلوتر از مشبه‌به می‌آید. مانند: لب لعل و قد سرو، روی ماه...



توجه: درک تشبیه بلیغ، نسبت به تشبیه کامل، سخت‌تر است، در کنکور نیز بیشتر از تشبیه بلیغ استفاده می‌کنند.

داغی به دل نهاد و دلم زان نشان گرفت
من همان خاک رهم، آتش عشقت کفتم
دست گرم ابر گهر بار بلند است
کوتاه نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها

این عشق آتشی است که جان مرا گرفت
تو بهاری، تو بُتی، آتش جانی، سروی
هر چند زمین گیر بود دانه‌ی آمید
تا خارِ غم عشقت، آویخته در دامن



توجه: بعضی از تشبیه‌های اسنادی، کمی دیرپای‌تر می‌باشند و به دقت بیشتری نیاز دارند.
وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست هجر، باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است

ادات تشبیه

چو، چون، همچو، مثل، مانند، نظیر، به سان، به کردار، شبیه، به گونه‌ای که، آن سان که، به شیوه‌ی، به طرز، و ... و فعل‌های «مانستن، ماند، گویی و گفتم» و موارد مشابه نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند. همچنین کلماتی مانند «به رنگ، به جای، در حکم، در حق و ...» نیز می‌توانند ادات تشبیه باشند و تشبیه بسازند. «آب در جای نور است»
«از عکس ریاحین او، پر زاغ چون دُم طاووس نمودی و در پیش جمال او دُم طاووس به پر زاغ مانستی.»

با اهل فنا دارد هر کس سر یک‌رنگی باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد

نکته بسیار مهم: تشبیه ممکن است به صورت یک واژه‌ی مشتق (وندی) و با پسوند‌های شباهت مانند: «وش، گون، وار، سا، آسا، دیس، انه و ...» آمده باشد.

از سوی خانه بیامد خواجه‌اش بر دکان بنشست، فارغ، خواجه‌وش

نکته بسیار مهم: تشبیه ممکن است به صورت یک واژه‌ی مرکب آمده باشد که قسمت دوم، مشبّه و قسمت اول مشبّه‌به می‌باشد. مانند: سیم‌تن، سروقد، شاه‌خصلت، درویش‌مسلک، گدامنش و ... و یا کلمه اول مشبه باشد و دومی مشبه‌به مانند: ابرو کمان، لب شکر و ...

ای سیم‌تن سیاه گیسو از فکر سرم سپید کردی
وقتی که چاره‌ی دل عشاق می‌کنی درد مرا به نیم شکرخنده چاره کن



توجه: «چو» یا «چون» اگر معنای «وقتی یا وقتی که یا زیرا که» بدهند، ادات تشبیه نیستند و تشبیه نمی‌سازند.

چون نداری ناخن درنده تیز با ددان آن به، که کم گیری ستیز
چو آگاه شد دختر گزدهم که سالار آن انجمن گشت کم



نکته: تشبیه (مخصوصاً اضافه تشبیهی) در نثر نیز بسیار به کار می‌رود.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.
فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را
به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.
باران رحمت: رحمت خداوند مانند باران گسترده است.

خوان نعمت: نعمت خداوند مانند خوان (سفره) پهن شده است.
فرآش باد صبا: باد صبا مانند فرآش (فرش گستراننده) در خدمت بود ...
دایه‌ی ابر بهاری: ابر بهاری مانند یک دایه در پرورش بود ...
بنات نبات: نباتات (گیاهان) مانند بنات (دختران) زیبا بودند و ...
مهد زمین: زمین مانند گهواره محل آرامش است....
قبای سبز ورق: ورق (برگ‌ها) مانند پیراهنی سبز رنگ هستند که
اطفال شاخ: شاخه‌ها همچون کودکانی هستند که
کلاه شکوفه: شکوفه‌ها همچون کلاه هستند که



توجه: مشبّه، گاه ضمیر محذوف است که از شناسه فعل دریافت می‌شود.

خروشان و جوشان به کردار موج فراز آمدند از کران فوج فوج
(آن‌ها) به کردار موج خروشان و جوشان جمع شدند.
مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به وجه شبه
چون سیل ز پیچ و تاب صحرا می‌رفت همراه سحر، به فتح فردا می‌رفت
(او) چون سیل از پیچ و تاب صحرا می‌رفت.
مشبّه ادات مشبّه‌به وجه شبه



نکته: در اضافه تشبیهی ممکن است واژه‌ای بین مشبّه‌به و مشبّه بیاید. در ترکیب «قبای سبز ورق»، «ورق» به «قبا» تشبیه شده است. و «سبز» صفت مشبّه‌به است. در واقع «قبای ورق» اضافی تشبیهی است.



توجه: کنکور، کوچکترین شباهت و تشبیهی را «تشبیه» می‌گیرد. مثلاً عبارت «من مانند رضا مهربان هستم» در محیط دانشگاهی غالباً تشبیه گرفته نمی‌شود؛ چرا که به واقعیت نزدیک است ولی کنکور این را تشبیه می‌گیرد.

نکته مهم: تشبیه گاه به صورت سوال می‌آید. در بیت زیر شاعر نگفته است: خال بناگوش تو مانند دانه‌ی درون دام است؟ بلکه این تشبیه را به صورت سوالی آورده است و گفته: خال بناگوش او مگر دانه دام است که انقدر به آن شبیه است. (وجه‌شبه این تشبیه «گرفتار کردن است» ولی وجه‌شبه‌های دیگری نیز می‌توان برای آن یافت. بیندیشید!)
دام دل صاحب نظرانت خم گیسوست وان خال بناگوش مگر دانه دام است؟

***نکته بسیار مهم:** اخیراً کنکور «تشبیه مضمَر» یعنی تشبیه پنهانی و نامحسوس را، در سوالات کنکور می‌آورد. مثلاً: دوست داشتم ماه را بینم و عکس را دیدم. اینجا در ظاهر با تشبیه و ساختار تشبیه (ادات تشبیه و وجه شبه) روبه‌رو نیستیم. (یعنی نه حالت تشبیه گسترده می‌بینیم و نه اضافه تشبیه‌ی) ولی مشخص است که عکس یا چهره او به ماه تشبیه شده است. اینگونه تشبیه را که در ظاهر با ساختار تشبیه سروکار ندارد، تشبیه مضمَر می‌گویند.

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
چنین که سجده برم بی‌حفاظ پیش جمالت به عالمی شده روشن که آفتاب پرستم

***نکته بسیار مهم:** یکی از سوالاتی که ممکن است مطرح شود، وجود وجه شبه در تشبیه است. در این حالت توجه داشته باشید «صفت مشبّه‌به» را با وجه شبه اشتباه نگیرید. در مثال «دانش اندر دل چراغ روشن است.» واژه «روشن» صفت مشبّه‌به است و وجه شبه نیست. وجه شبه در تشبیه فوق، هدایتگری است. یا در تشبیه «رونده بی‌معرفت، مرغ بی‌پر است.» واژه «بی‌پر» صفت مشبّه‌به است و وجه شبه «عدم حرکت و ساکن بودن» است.

***نکته بسیار مهم:** یکی از سوالات مهم دیگر در حوزه تشبیه، بحث تعداد تشبیه است. در این مورد نیز باید به تشبیهاتی که به صورت معطوف می‌آیند، دقت کنید. گاه برای یک مشبّه چند مشبّه‌به می‌آورند؛ مثلاً عبارت «معشوق من ماه و خورشید است.» دو تشبیه محسوب می‌شود. یا ممکن است برای چند مشبه، یک مشبه‌به بیاورند. در عبارت «روز و شبم آتش است.» نیز دو تشبیه آمده است.

نامت در چشمانم / چون لاله، سرخ / چون نسترن، سپید / و مثل سرو، سبز می‌ایستد. ۳ تشبیه

نکته: گاه ادات تشبیه از مشبه به فاصله دارد و تصوّر می‌شود در بیت تشبیه نیست. به اینگونه ادات دقت کنید.

تو همچنان دل شهری به غمزه‌ای ببری که بندگان بنی سعد خوان یغما را
این حالت بیشتر در تشبیه‌های مرکب روی می‌دهد.

توجه: مبحث «اضافه تشبیهی» را حتماً با مبحث «اضافه استعاری» و حتی «اضافه پارادوکسی» مطالعه کنید. چرا که ممکن است آن‌ها را با هم اشتباه بگیرید.

۱- تعداد تشبیه در کدام بیت، بیش از سایر ابیات است؟

- ۱) غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت
 - ۲) چون رایت عشق آن جهانگیر
 - ۳) صورت بی‌صورت بی‌حد غیب
 - ۴) بی تأمل چون عرق بر روی خوبان می‌رویم
- ز خیل شادی روم رخت زداید باز
شد چون مه لیلی آسمان گیر
ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
چون کمند زلف گستاخ بر و دوشیم ما

۲- در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام
 - ۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است
 - ۳) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید
 - ۴) آن بناگوش دل‌افروز است یا مه یا چراغ
- کیست که مرغ دلش از دام برآمد
بلبل باغ سخن منطق گویای من است
تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است

۳- آرایه «تشبیه» در کدام بیت، بیشتر یافت می‌شود؟

- ۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط
 - ۲) روی تو در آینه جان عکس بینداخت
 - ۳) میوه عیش بسی چیدم از آن نخل مراد
 - ۴) حلقه دام نجات است خم طره دوست
- یعنی فزود مهر دلم از نگاه تو
تا تخته تن پاک بگشت از همه رنگم
کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این
وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

۴- در کدام بیت، بیشترین تشبیه وجود دارد؟

- ۱) چون تو خورشیدی نتابیده است در ایوان حسن
 - ۲) شب فراق که داند که تا سحر چند است
 - ۳) سوزن فکرت شکست رشته طاقت گسیخت
 - ۴) آشفته سخن چو زلف جانان خوش‌تر
- ذره‌ای چون من نرقصیده است در میدان عشق
مگر کسی که به زندان عشق در بند است
بس که زنو دوختم چاک گریبان دل
چون کار جهان بی‌سروسامان خوش‌تر

۵- تعداد تشبیه در همه ابیات یکسان است، به جز:

قتیل عشق ز تیغ جفا نمی‌ترسد
در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت
عقل بر دانه خال سیهت مفتون است
از سرم تا پای چون شمع آتش سودا گرفت

(۱) مریض شوق ز تیر ستم نمی‌رنجد
(۲) شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن
(۳) زلف لیلی صفتت دام دل مجنون است
(۴) چون سواد زلف شیرنگ تو را آرم به یاد

۶- تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟

طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
و گر نه تشنگی افزاست آب شور تمنا
چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سا را
که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا

(۱) واله و شیدااست دائم همچو بلبل در قفس
(۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت
(۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست
(۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا

۷- در ابیات زیر چند وجه شبه مشهود است؟

کآبم از سر همچو نیلوفر گذشت
همچون شکر اندر آب دادی
چشم فلک چون تو آفتاب نبیند
ولیک از دود او بر جاننش داغی

(الف) روی چون خورشید بنمای از نقاب
(ب) بی آن لب چون شکر تنم را
(ج) روح ز تو خوبتر به خواب نبیند
(د) درفشان لاله در وی چون چراغی

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۸- در تمام ابیات همه ارکان تشبیه وجود دارد، به جز:

وز لبش کام روانم ناردانی بیش نیست
کان نرگس مست و گل خندان من اینجاست
کاو همچو بندگان بدهد بوسه بر جناب
آن را که همچو سرو و صنوبر قبا یکی است

(۱) در غمش چون دانه نار است آب چشم من
(۲) مرغان چمن باز چو من عاشق و مستند
(۳) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
(۴) پروای سرد و گرم خزان و بهار نیست

۹- در همه ابیات همه ارکان تشبیه یافت می‌شود، به جز:

از تار سر زلف تو آموخته تاری
شد حاصلم از چشم خمار تو خماری
ای لعبت تنبوری و ای آفت تاری
خورشید کشد آرزوی آینه‌داری

(۱) گویی شب هجر تو چو بخت سیه من
(۲) من از لب میگون تو مستی طلبیدم
(۳) رقص آیدم از ساز تو چون زهره چنگی
(۴) پیش رخ روشن‌تر از آینه‌ات ای ماه

۱۰- وجه شبه در کدام بیت، محذوف است؟

یا ز رخسار تو گویم که به جایی ماند
که عمر اگرچه عزیز است هم نمی‌ماند
شرط است بدین سر که به چوگان تو باشد
بر دل من مزین ای جان که تویی در دل من

(۱) مَه چه باشد که به روی تو برابر کنم
(۲) نگویمت به تو می‌ماند از عزیزی عمر
(۳) خواهم سرخود گوی صفت باخت ولیکن
(۴) تیر می‌گان تو از جوشن جان می‌گذرد

۱۱- کدام بیت، فاقد «تشبیه» است؟

این نه هاله است که بر گرد قمر گردیده است
ساده لوحی که به خورشید تو را سنجیده است
گل بی‌درد به روی که دگر خنده است؟
هر که را فکر سر زلف به هم پیچیده است

(۱) ماه از شرم عذار تو حصاری شده است
(۲) غافل از خال و خط و زلف و دهان تو شده است
(۳) شور مرغان چمن حوصله سوز است امروز
(۴) تا قیامت گر هوش باز نگردد چون خال

۱۲- تعداد آرایه «تشبیه» در کدام بیت با بقیه یکسان نیست؟

سروی نخاست چون قدت از جویبار حسن
رشته جان من از، شمع رخت دارد، تاب
قد تو سرو و میان موی و بر به هیئت عاج
این نفس نیست که بر می‌کشم از دل، دود است

(۱) ماهی نتافت همچو تو از برج نیکویی
(۲) چشمه چشم من از سرو قدت یابد، آب
(۳) لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است
(۴) سینه‌ام مجمر و عشق آتش و دل چون عود است

۱۳- تعداد آرایه «تشبیه» در همه ابیات یکسان است به جز:

ز روی لاله‌رنگ خود خجالت‌ها دهی گل را
همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
مرغ دل را هر نفس در آشیانی یافتیم
سرفرو بردم در آن جا تا کجا سر برکنم

(۱) اگر یک سو کنی زان رخ سر زلف چو سنبل را
(۲) رشته صبرم به مقراض غمت ببریده شد
(۳) گر چه چون عنقا به قاف عشق کردیم آشیان
(۴) عشق دردانه‌ست و من غواص و دریا می‌کده

۱۴- تعداد «تشبیه» در همه ابیات یکسان است به جز:

به شکرخنده شیرین دل خلقی برایی
بیا، که مهره دل را به خار هجر تو سفتیم
آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع
ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

(۱) گر تو شیرین شکرلب به شکرخنده درآیی
(۲) ز اوحدی گل رخسار خود نهفته چه داری؟
(۳) آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت
(۴) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید

۱۵- تعداد تشبیهات در کدام گزینه کمتر است؟

بحر تویی کوزه تویی آب ده ای یار مرا
عین انسان شمس دین و شمس دین فخر و کبار
تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
از مشک مسلسلست یا سنبل تر

(۱) روز تویی روزه تویی حاصل دریوزه تویی
(۲) حسن حوران شمس دین و باغ رضوان شمس دین
(۳) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
(۴) زلف و خط آن سرو قد سیمین بر

استعاره

استعاره در لغت یعنی «به عاریت گرفتن و قرض گرفتن» اما در اصطلاح ادبی، آرایه‌ای است که یک واژه در معنای واژه‌ی دیگر به کار می‌رود. مثلاً بگوئیم «سرو» و منظورمان «معشوق» باشد.



توجه: این تعریف مشابهتی به مجاز دارد و درست هم است. زیرا استعاره در واقع، مجازی است که رابطه بین واژه‌ی آمده و واژه‌ی مد نظر «شباهت» است. به هر حال استعاره، هم از راه مجاز قابل فهم است، هم از راه تشبیه. که در این بخش از راه تشبیه به آن پرداخته‌ایم.



توجه: قبل از این که وارد بحث شویم ذکر این نکته ضروری است که دو نوع استعاره وجود دارد. استعاره مصرّحه (آشکار) و استعاره مکنیه (پنهان). منظور از استعاره، معمولاً استعاره مصرّحه است. اما اگر در کنکور به نوع آن اشاره نشده باشد، استعاره مصرّحه و یا مکنیه را استعاره می‌گیریم.

۱- استعاره مصرّحه

گفتیم که استعاره از تشبیه حاصل می‌شود و هرگاه شاعر از ارکان تشبیه، فقط مشبّه‌ه را بیاورد استعاره مصرّحه می‌شود.

سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند

شاعر برای خلق مصراع اول، ابتدا در ذهن خود این تشبیه را ساخته است:

معشوق من که مانند سرو راست قامت و بلندقامت است چرا...
مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌ه وجه شبه

سپس از این تشبیه فقط مشبّه‌ه را خارج کرده و در شعر به کار برده است. این کار را استعاره مصرّحه یا با تخفیف «استعاره» می‌گویند.



سؤالی که پیش می‌آید این است که از کجا بدانیم «سرو»، مشبّه‌ه یک تشبیه است و در معنای اصلی خود به کار نرفته است؟

پاسخ راحت است. زیرا وجود کلمه «چمان» به معنی «رونده» اعلام می‌دارد که «سرو» در معنای واقعی خود به کار نرفته است. مثلاً در عبارت «من سروی دیدم» ما نمی‌توانیم ادّعا کنیم که «سرو» استعاره از «معشوق» است. چون هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که ما را از معنای وضع شده و قاموسی برای «سرو» منصرف کند. اما در ترکیب «سرو چمان» واژه‌ی «چمان» نشانه‌ای (قرینه‌ی صارفه) است که ما را از معنای اصلی «سرو» منصرف می‌کند. در واقع برای به کارگیری استعاره مصرّحه یا باید قرینه‌ای در لفظ کلام باشد یا این که محتوای کلام نشان بدهد که آن کلمه در معنای اصلی خود به کار نرفته است. مثلاً در بیت زیر واژه‌ای وجود ندارد که نشان دهد «اژدها» معنای استعاری دارد، اما با توجه به داستان جنگ خندق، می‌دانیم که حضرت علی (ع) با اژدها مبارزه نکرده است و «اژدها» استعاره از عمرو بن عبدود است.

به جز بازوی دین و شیر خدا که شد طالب رزم آن اژدها
شاعر «اژدها» را از همچنین ترکیبی خارج کرده است.

عمرو بن عبدود مانند اژدها خطرناک بود.
مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌ه وجه شبه

نمونه‌های دیگر استعاره مصرّحه:

ای شمع که ما را به سخن شیفته کردی	پروانه خود را مکش از چرب‌زبانی
معشوق	عاشق
خمارین نرگسان را کرد پُرآب	به گل بر ریخت مروارید خوشاب
چشم	گونه، صورت
یکی درخت گل اندر میان خانه ماست	که سروهای چمن پیش قامتش پستند
معشوق	

۲- استعاره مکنیه (پنهان)

در مبحث استعاره مصرّحه گفتیم که شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، مشبّه‌به را خارج می‌کند. در استعاره مکنیه نیز شاعر ابتدا یک تشبیه در ذهن خود می‌سازد و از آن تشبیه، مشبّه و وجه شبه را خارج می‌کند و در جمله‌ای به کار می‌گیرد.

«دستِ سرنوشت ما را از هم جدا کرد.»

به جمله مقابل توجّه کنید.

سرنوشت	مانند	انسان	با دستش	ما را از هم جدا کرد.
مشبّه	ادات تشبیه	مشبّه‌به	وجه شبه یا ویژگی مشبّه‌به	

توجّه: هر استعاره‌ای، چه مصرّحه و چه مکنیه، برای اینکه نشان بدهند در معنای حقیقی به کار نرفته‌اند، به قرینه‌ی صارفه نیاز دارند. در عبارت فوق، وجود «دست» برای قضا و قدر، قرینه است. از این قرینه در می‌یابیم که در ذهن شاعر تشبیهی رخ داده است و آن تشبیه را بازسازی می‌کنیم. همان‌طور که می‌بینیم از تشبیه فوق «مشبّه و ویژگی مشبّه‌به» آمده است. این ترکیب را استعاره مکنیه می‌گویند. در واقع استعاره مکنیه آرایه‌ای است که به موجب آن شاعر «مشبّه و ویژگی مشبّه‌به» را در تشبیهی که در ذهن ساخته است در عبارتی دیگر به کار می‌گیرد.

«و مرگ به روی آن‌ها لبخند می‌زد»

قرینه صارفه در عبارت فوق این است که «مرگ نمی‌تواند لبخند بزند». پس در ذهنمان با همچین زیرساختی روبه‌رو می‌شویم. همان‌طور که می‌بینیم در متن مدّ نظر «مشبّه و ویژگی مشبّه‌به» آمده است.

مرگ	مانند	انسانی	به روی آن‌ها	لبخند	می‌زد.
مشبّه	ادات تشبیه	مشبّه‌به	ویژگی مشبّه‌به		

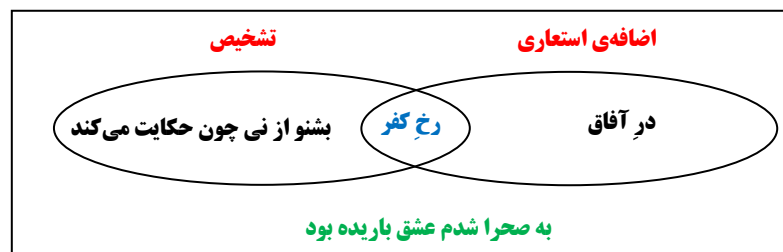
به استعاره‌های مکنیه زیر دقت کنید.

- ۱- بشنو از نی چون حکایت می‌کند
از جدایی‌ها شکایت می‌کند
نی نمی‌تواند از موضوعی حکایت و شکایت کند. ← نی مانند یک انسان حکایت یا شکایت می‌کند ← **استعاره مکنیه**
 - ۲- به صحرا شدم عشق باریده بود.
عشق نمی‌تواند ببارد. ← عشق مانند باران باریده بود. ← **استعاره مکنیه**
 - ۳- پرید از رخ کفر در هند رنگ
تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ
کفر رخ ندارد. ← کفر مانند یک انسان، رخ دارد که رنگ از آن می‌پرد ← **استعاره مکنیه**
 - ۴- در آفاق گشاده است، ولیکن بسته است
از سر زلف تو در پای دل ما زنجیر
آفاق در ندارد. ← آفاق مانند یک خانه، دری دارد که باز شده است. ← **استعاره مکنیه**
- چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۲ با مثال‌های ۳ و ۴ وجود دارد؟
- استعاره مکنیه در مثال‌های ۳ و ۴ به صورت **اضافه‌ی استعاری** و در مثال‌های ۱ و ۲ غیراضافی و آمده است.
- چه تفاوتی در مثال‌های ۱ و ۳ با مثال ۲ و ۴ وجود دارد؟ مشبّه‌به محذوف در مثال‌های ۱ و ۳ انسان می‌باشد و در مثال‌های ۲ و ۴ غیر انسان. هرگاه در استعاره مکنیه، مشبّه‌به محذوف «انسان» باشد، آن استعاره مکنیه، **تشخیص** هم دارد.

با توجه به مثال‌های فوق، چهار حالت برای استعاره مکنیه وجود دارد:

- الف - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** هم باشد. (مثال ۳)
- ب - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** باشد، **تشخیص** نباشد. (مثال ۴)
- ج - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** نباشد، **تشخیص** باشد. (مثال ۱)
- د - استعاره مکنیه: **اضافه استعاری** نباشد، **تشخیص** هم نباشد. (مثال ۲)

انواع استعاره مکنیه



توجه: هرگاه غیر جاندار منادا قرار بگیرد، **تشخیص** و **استعاره مکنیه** می‌باشد.

ای نسیم سحر، آرامگه یار کجاست
منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست
صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی
ز روی لطف بگویش که جا نگه دارد



***نکته بسیار مهم:** وقتی می‌گوییم «ای ماه فدای چشم مست» در این حالت **استعاره مصرحه** داریم. چون ما با خود ماه صحبت نمی‌کنیم. ولی در مصراع «امشب ای ماه به درد دل من تسکینی» اینجا **استعاره مکنیه** داریم. زیرا شاعر با خود ماه دارد صحبت می‌کند.

واژه «گل» در هر دو مثال زیر **استعاره مصرحه** است.

ای گل خوش‌نسیم من بلبل خویش را مسوز
کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو
ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را
خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را

یاد آوری

هر تشخیصی استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، تشخیص نیست.
هر اضافه استعاری‌ای، استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، اضافه استعاری نیست.



***توجه:** گاه شاعر در مصراع اول یک تشبیه می‌آورد و در مصراع دوم همان تصویر را به صورت استعاره مصرحه مطرح می‌کند.



کمند زلف تو سر حلقه‌ی نجات من است
که رستم از همه تا صید این کمند شدم
ترکیب «کمند زلف» در مصراع اول اضافه تشبیه‌ای است و **واژه** «کمند» در مصراع دوم استعاره مصرحه است. دقیقا نکته همین جاست که برای تشبیه نوشتن ترکیب و برای استعاره مصرحه نوشتن واژه.

***نکته:** در اضافه‌ی استعاری، ممکن است واژه‌ای بین «ویژگی مشبّه‌به» و «مشبّه» آمده باشد. در ترکیب «دست سبز روزگار»، «دست» ویژگی مشبّه‌به، «روزگار» مشبّه و «سبز» صفت است. در واقع «دست روزگار» اضافه‌ی استعاری است. «اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»



***نکته:** باید استعاره‌های مصرحه پُرکاربرد یا **واژگان مستعد استعاره** را بشناسیم.
باغ و بستان: سرو: قد معشوق نرگس: چشم معشوق گل: صورت یا گونه زاله: اشک سنبل: موی معشوق
ابزار جنگی: کمند: موی معشوق ناوک: مژه معشوق کمان: ابروی معشوق تیر: نگاه معشوق زنجیر: موی معشوق
میوه‌ها و خوراکی: شکر و قند و نقل: لب معشوق بادام: چشم انار: لب سیب: صورت یا گونه پسته: لب معشوق
اشیای قیمتی یا بی‌قیمت: مروارید: اشک لعل: لب یاقوت: لب زر: چهره زرد عاشق مس: چهره شاداب در و مروارید: سخن و شعر
متفرقه: شب: موی معشوق روز: صورت کفر: موی معشوق ایمان: صورت معشوق بازار و کاروانسرا: دنیا

***نکته بسیار بسیار مهم:** ما می‌توانیم به معشوق بگوییم: چشم، زلف، لب و ... ولی ترکیباتی مانند: **نرگست، سنبل، کمند، لعل، یاقوت، شکر، بادام** و ... استعاره مصرحه می‌باشند. چون معشوق باغچه نیست نرگس داشته باشد، شکارچی نیست کمند داشته باشد، معدن نیست لعل و یاقوت داشته باشد، خواربار فروشی نیست شکر و بادام داشته باشد و ... این واژگان در معشوق وجود ندارند و قطعا استعاره مصرحه از جزئی از اعضای معشوق می‌باشند.



نکته مهم: بهترین تمرین برای یاد گرفتن تشبیه و استعاره، تبدیل استعاره‌ها به تشبیه و بیرون کشیدن استعاره از تشبیه است. به مثال‌های زیر دقت کنید:

«زنجیر» **استعاره مصرحه:** موی معشوق مانند زنجیر انسان را اسیر می‌کند.

«ریشه امید» **استعاره مکنیه:** امید من مانند گیاهی ریشه می‌داد.

«قد من مانند کمان خمیده است» **تشبیه:** این کمانم در مقابل قامتت هیچ است.



توجه: مبحث «اضافه استعاری» را حتماً با مبحث «اضافه تشبیهی» و حتی «اضافه پارادوکسی» مطالعه کنید. چرا که ممکن است آن‌ها را با هم اشتباه بگیرید.

در جدول زیر انواع و اقسام تشبیه و استعاره را می‌بینید.

تشبیه	تشبیه کامل	جمله	عشق او مانند آتش سوزنده است. مشبه – ادات – مشبه به – وجه شبه	
	تشبیه بلیغ	اسنادی	عشق او آتش است مشبه – مشبه به (فعل اسنادی)	
		اضافه تشبیهی	آتشِ عشق مشبه – مشبه به (ترکیب اضافی)	
استعاره	استعاره مصرحه	یک کلمه	آتش او من را زنده نگه داشته است. (مشبه به)	
	استعاره مکنیه	جمله	تشخیص ندارد	عشقش من را می سوزاند. (مشبه و وجه شبه)
			تشخیص دارد	عشقش من را می بوسد. (مشبه و وجه شبه)
		ترکیب اضافی	تشخیص ندارد	گرمایِ عشق (مشبه و وجه شبه)
			تشخیص دارد	دستِ عشق (مشبه و وجه شبه)

استعاره‌های به کار رفته در ابیات زیر را مشخص کنید.

چشم دریادل من لولو لالا می‌ریخت
که بر گل اعتمادی نیست گر حسن جهان دارد
که بیمار بد نرگس و گل درست
صد هزارش گردن جان زیر طوق غنغب است
بهار عارضش خطی به خون ارغوان دارد
وز تگرگ روح‌پرور مالش عتاب داد
حال هجران تو ندانی که چه مشکل حالی است
به دست باد صبا می‌کند به باغ ابلاغ
سهیلی است در پنجه آفتاب
تا غرقه نگردي اندر این دریا
ز آشامیدن رطل گران شد
روی خون‌آلود زان بنمود صبح
که این محل عبور است نه مکان حضور
بر زمین ریختم از دیده‌ی تر مروارید
گر برافروزد بسوزد بند بند استخوان را
هر که را در طلب همت او قاصر نیست
مرا نصیبه از آن آتش است سوز و گداز
خراب باده‌ی لعل تو هوشیارانند
نرگس مخمور را میخانه‌ای در کار نیست
در جهان آب و گل آزاده‌ای چون من کجاست
کیمیای شعله خس را آتشین سیما کند
باید ساخت با جوری که از باد خزان آید
شکر بریزد از آن پسته دهان که تو راست
از تیره‌شب بپرس که او نیز محرم است
تشنه است کاندرا آبخور آتشین گریخت
سرد کن زان سان که کردی بر خلیل
مشک اگر در حلقه آید بشکند بازار خویش
گل دست گشوده است که دامن تو گیرد
من که عمری شد بلای آسمانی می‌کشم
به خدمت تو که از بنده گشته‌ای آزاد
کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم

۱ - در قدم‌های خیال تو به دامن هر دم
۲ - چو در رویت بخندد گل مشو در دامش ای بلبل
۳ - به نرگس گل و ارغوان را بشست
۴ - کشته چاه زنخدا تو آم کز هر طرف
۵ - بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد
۶ - ژاله از نرگس فرو بارید و گل را آب داد
۷ - ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است
۸ - بین که مرغ چمن دم‌به‌دم هزار سلام
۹ - می اندر کف ساقی بی‌حجاب
۱۰ - کشتی خرد است دست در وی زن
۱۱ - سبک در خواب چشم نرگس مست
۱۲ - در وداع شب همانا خون گریست
۱۳ - چه خفته‌اند در این کاروانسرا مردم
۱۴ - ای بسا شب که من خشک‌لب از حسرت تو
۱۵ - یا رب این آتش که پنهان دارمش در لوح سینه
۱۶ - عاقبت دست بدان سرو بلندش برسد
۱۷ - منم چو شمع و غم عشق دوست چون آتش
۱۸ - غلام نرگس مست تو تاجدارنند
۱۹ - چهره گلرنگ را پیمانه‌ای در کار نیست
۲۰ - سایه‌ام چون سرو بر دوش گلستان بار نیست
۲۱ - لاله‌زاری شد به چشم من جهان از نور عشق
۲۲ - زمین باغ و بستان را به عشق باد نوری
۲۳ - به خنده، ای بت بادم چشم شیرین لب
۲۴ - خواهی چو روز روشن دانی تو حال من
۲۵ - خاکی دلم که در لب آن نازنین گریخت
۲۶ - یا رب این آتش که در جان من است
۲۷ - در سر بازار چین با سنبل سوداگرت
۲۸ - از بس که شتابان و گریزان چون نسیمی
۲۹ - دست و پا گم می‌کنم زان نرگس نیلوفری
۳۰ - به قامت تو که شد سرو سرکش بنده
۳۱ - مشو از حرف عشق ای خامه‌ی آتش‌زبان خامش

در کشوری که برق هوادار خرمن است
باده‌ی صاف دایمت در قدح و پیاله باد
و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق
زیرا که آن مه بیشتر در ابرها پنهان شود
این مست دل‌سیه را من هوشیار کردم
که رستم از همه تا صید این کمند شدم
هم خسته کمانیم هم بسته کمندیم
به مرگی که بی دوستان زیستم من
آسمان چون دیده قربانیان حیران اوست
که در میان دو دریای خون فتاده نشستم
خورشید رفته است سر شب سراغ ماه
اما دریغ زهره دریا شدن نداشت
خسروی باید که نوشم زان لب شیرین‌شکر
از رشک رخس هر شب آخر سپر اندازد
خرد ضعیف چو عهد حباب می‌بیند
هزار نعره خونین به سینه سخن است
چو درد می‌نخواهم داشت دست از دامن مینا

۳۲ - طالع نگر که کشت امیدم ز آب سوخت
۳۳ - ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی
۳۴ - زبان خامه ندارد سحر بیان فراق
۳۵ - دانی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان
۳۶ - هرگز به خون مردم مایل نبود چشمش
۳۷ - کمند زلف تو سر حلقه‌ی نجات من است
۳۸ - از طاق ابروانست وز تار گیسوانست
۳۹ - در این غمکده کس ممیراد یا رب
۴۰ - آتشین رویی که نعل من از او در آتش است
۴۱ - ز گریه آخرم این شد نتیجه در پی زلفش
۴۲ - ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود
۴۳ - بسیار رود بود در آن برزخ کبود
۴۴ - نیشکر باید که بندد پیش آن لبها کمر
۴۵ - خورشید که هر روزی بس تیغ‌زنان آید
۴۶ - دلا مگرد به عهدش قوی که عهد حبیب
۴۷ - اشاره شیوه‌ی لب‌های دوخته است، ار نه
۴۸ - اگر این بار می‌آید به دستم گردن مینا

۱۶- در کدام گزیننه، تعداد استعاره بیشتر است؟

سروم از ریحان تر، بر گل نقاب انداخته است
نقطه‌ای بر شکر افکنده که این مهره مار است
لاله در مشک نهان کرده که این چیست؟ عذار است
بر برگ گل فشانده سیاهی که عنبر است

(۱) ماهم از شب سایبان بر آفتاب انداخته است
(۲) رشته‌ای بر قمر انداخته کاین مار سیاه است
(۳) لؤلؤ از پسته خود ریخته کاین چیست؟ حدیث است
(۴) بر طرف مه نشانده سیاهی که سنبل است

۱۷- در همه ابیات، هر دو آرایه تشبیه و استعاره وجود دارد؛ به جز:

گر ببیند بلبل آن رخسار شبنم خیز را
خسروی باید که داند قدر این شب‌دیز را
پاک کن از خار و خس این بحر گوهر خیز را
عشق می‌گیرد به خون کوهکن پرویز را

(۱) دفتر گل را به آب چشم خواهد پاک شست
(۲) هر خسی قیمت نداند ناله‌ی شب خیز را
(۳) خامشی دریا و گفت‌وگو خس و خاشاک اوست
(۴) شوکت شاهی سبک سنگ است در میزان عدل

۱۸- تعداد استعاره در همه ابیات یکسان است؛ به جز:

آب گردد از حیا هر گوهر کانی که هست
چشم دریادل من لؤلؤی لالا می‌ریخت
رسته لعلم ز چشم دُر نثار انداخته
دهن چشمه پر از لؤلؤی تر می‌کردم

۱) چون شود یاقوت لؤلؤ پرورت گوهرفشان
۲) در قدم‌های خیال تو به دامن هر دم
۳) حقه یاقوت لؤلؤ پوش گوهر پاش تو
۴) چهره باغ به خونابه فرو می‌شستم

۱۹- تعداد «استعاره» در کدام بیت، بیشتر است؟

به خنده لب بگشا و شکر ز پسته بریز
هر که بهشتی بود آب دهد کوثرش
در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو
رسید از غایت تیزی به گوش زهره آهنگش

۱) اگر ز لعل تو مستان عشق نقل خوهند
۲) دل شده را قوت جان از لب لعل وی است
۳) با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم
۴) شبی از مجلس مستان بر آمد ناله چنگش

۲۰- نوع استعاره در همه ابیات با شعر زیر یکسان است، به جز:

ور نه قانع ز نی خشک شکر می‌چیند
سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد
خنده برق شنیدی به خس و خار چه کرد
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

«می‌تراود مهتاب، می‌درخشد شب تاب
نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می‌شکند
۱) کام حرص است که از شهد نگرده شیرین
۲) باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند
۳) از ترشروی گردون گله بی‌انصافی است
۴) از لعل تو گر یابم انگشتی زنه‌ار

۲۱- استعاره مکنیه در کدام بیت، تشخیص نیست؟

در دامگه عشقش بشکست پر و بال
از سر زلف و رخت لیل و نهاری بوده است
خامه خون می‌گردد و خط خاک بر سر می‌کند
باز می‌گوید به مردم ماجرای چشم من

۱) در شامگه هجرش بگداخت تن و جانم
۲) پیش از آن دم که زند خط شب از عارض روز
۳) در فراقش می‌نویسم نامه‌ای از دست من
۴) گر چه چشم بسته است اما سر شکم می‌رود

۲۲- در کدام گزینه تعداد استعاره بیشتر است؟

بهار عارضش خطی ز خون ارغوان دارد
شکر بریزد از آن پسته‌ی دهان که تو راست
خسروی باید که نوشم زان لب شیرین شکر
هم خسته‌ی کمایم هم بسته‌ی کمندیم

۱) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد
۲) به خنده ای بت بادام چشم شیرین لب
۳) نیشکر باید که بندد پیش آن لب‌ها کمر
۴) از طاق ابروانت وز تار گیسوانت

۲۳- تعداد استعاره‌های بیت زیر با استعاره‌های کدام گزینه برابر است؟

کیمیای شعله خس را آتشین سیما کند»
باده‌ی صاف دایمت در قدح و پیاله باد
بر زمین ریختم از دیده‌ی تر مروارید
وز تگرگ روح‌پرو مالش عَنّاب داد
خورشید رفته است سر شب سراغ ماه

«لاله زاری شد به چشم من جهان از نور عشق
(۱) ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی
(۲) ای بسا شب که من خشک لب از حسرت تو
(۳) ژاله از نرگس فرو بارید و گل را آب داد
(۴) ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود

۲۴- در کدام گزینه استعاره وجود ندارد؟

زانکه پیش هر کسی راز دلم بگشاده است
خون دل نوشم تو پنداری مگر کان باده است
ای خوشا آنکس که او دل بر جهان نهاده است
راستی در نقش رویت داد خوبی داده است

(۱) هیچ می‌دانی چرا اشکم ز چشم افتاده است
(۲) هر زمان از اشک می‌گون ساغرم پر می‌شود
(۳) بی‌وفایی چون جهان دل بر تو نتوانم نهاد
(۴) حیرت اندر خامه نقاش بی‌چون است کاو

مجاز

مجاز (نانهاده) در مقابل حقیقت (نهاده) قرار می‌گیرد و در اصطلاح ادبی، معنای غیرحقیقی از یک واژه است. مثلاً معنای حقیقی «نگین» خود نگین است اما در بیت زیر در معنای مجازی آن یعنی «انگشتر» به کار رفته است.

برو ای گدای مسکین، در خانه‌ی علی زن
کسه نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را
می‌دانیم که حضرت علی (ع) در رکوع «انگشتر» خود را به گدا داد نه «نگین» آن را. در ضمن اگر شما به تلمیح بیت آگاه نباشید باید توجه داشته باشید، انگشتر پادشاهی داریم نه نگین پادشاهی.



توجه: ما نمی‌توانیم بدون هیچ رابطه‌ای یک کلمه بگوئیم و معنای دیگر و مجازی از آن برداشت کنیم، مگر آن‌که بین معنای حقیقی و مجازی رابطه‌ای وجود داشته باشد. مهم‌ترین رابطه‌هایی که در سطح کنکور عمومی اهمیت دارد، موارد زیر است:



توجه: دانستن این رابطه‌ها (یا علاقه‌ها) در سطح کنکور عمومی الزامی نیست.



۱- شباهت: این رابطه همان استعاره مصرّحه است که رابطه‌ی بین واژه‌ی به کار رفته و معنای مجازی، «شباهت» است.

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم
اول و آخر این کهنه‌کتاب افتاده است
کهنه‌کتاب مجاز یا استعاره مصرّحه از جهان است. رابطه‌ی شباهت بین آن‌ها «قدیمی‌بودن» است.



۲- محلّیه: یکی از پرکاربردترین مجازها، مجاز با علاقه محلّیه است که شاعر «محلّ» را می‌آورد و به طور مجازی قصدش آن چیزی است که در آن محل قرار دارد (حال). فلانی انسان جگر داری است. جگر مجاز از شجاعت است.

دل عالمی بسوزی، چو عذار برفروزی
منظور از «عالم»، «مردم عالم» است که در عالم جای دارند.

یکی دشت با دیدگان پُر ز خون
منظور از «دشت»، «مردم دشت» است که در دشت جای دارند.

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
منظور از «سر»، «قصد و اندیشه» است که در سر جای دارد. (توجه: «سر» یکی از مجاز محلّیه‌های مهم و پرتکرار است.)



۳- جزئیّه: در این مجاز، جزئی از چیزی را می‌آورند ولی منظور کلّ آن چیز است. (معمولاً مهمترین جزء را می‌آورند.)

لیک چنان خیره و خاموش ماند
منظور از «گوش»، «فرد شنونده» است که گوش، مهمترین جزء برای فرد شنونده است.

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
منظور از «بیت»، «شعر» است که بیت، جزء مهمی از شعر است.

به خون گر کشی **خاک** من، دشمن من
منظور از «خاک»، «کشور» است که خاک، جزء اعظمی از کشور است.
به **چمن** خراب و بنگر بر تخت گل که لاله
منظور از «چمن»، «باغ» است که چمن، جزء اعظمی از باغ است.

 **۴- کلّیه:** کلّ یک چیز را بگویند و **جزئی** از آن منظور باشد.
دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد
منظور «انگشتان **دست**» است که «دست» برای آن حکم «کلّ» دارد.
سپید شد چو درخت شکوفه دار **سرم**
منظور «موی **سر**» است که «سر» برای آن حکم «کلّ» دارد.

 **نکته:** این مجاز بسیار کم کاربرد است.

 **۵- لازمیه (همراهی):** شاعر لازمه انجام یک کاری را می‌آورد و منظور خود آن کار است. مثلاً لازمه کشتن یک شخص، ریختن خون او است.
محتاج قصّه نیست، گرت قصد **خون** ماست
چون رخت از آن توست، به یغما چه حاجت است؟

 **۶- آلیه (ابزار):** شاعر یا نویسنده آلت (ابزار) انجام کاری را ذکر می‌کند و منظور کاری است که با آن ابزار انجام می‌شود. مانند: آن که می‌گوییم فلانی **قلم** خوبی دارد و منظورمان **سبک نوشتن** یا **تفکر** است.
در پیشگاه اهل خرد نیست، محترم
صاحب قلم یعنی صاحب اندیشه و تحلیل، و قلم یکی از ابزارهای اندیشه و تفکر است.
ای که **دست** می‌رسد، کاری بکن
پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار
«دست» گفته ولی منظورش «**قدرت و توانایی**» است.

 **توجه:** مجازها با رابطه‌های بسیاری شکل می‌گیرند. مثلاً **جنس** یک چیز را به جای خود آن می‌آورند. چنان چه شاعر در بیت زیر «پولاد» را گفته و منظورش «شمشیر» است.
در آن باران تیر و برق **پولاد**
میان شام رستاخیز می‌گشت
یا **رنگ** یک چیز را بگوید و منظور، خود آن چیز باشد. مثلاً در بیت زیر شاعر **رنگ اسب** را گفته و **خود اسب** را در نظر دارد.
سیاوش **سیه** را به تندی بتاخت
نشد تنگدل، جنگ آتش بساخت

نکته بسیار مهم: ممکن است ظرف یک چیزی را بگوییم و منظورمان آن چیزی باشد که درون ظرف است. مثلاً می‌گوییم فلانی دو بشقاب خورد. و منظورمان آن چیزی است که درون بشقاب است. از مهمترین موارد آن در ابیات مانند نوشیدن جام و پیاله می‌باشد. و برعکس این نیز وجود دارد و درون ظرف را می‌گوییم و منظورمان خود ظرف و محتوای آن است.

مثلاً می‌گوییم فلانی چای در دست وارد شد. و منظورمان فنجان و چای است.
هر کجا رندی است در میخانه ای
جرعه‌ای از جام ما نوشیده‌اند
گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
سلطان جهانم به چنین روز غلام است

توجه: آمدن دو واژه متضاد به صورت معطوف، مجاز می‌سازد. مثلاً وقتی از دوستان می‌پرسیم لباس‌های چه رنگی بیاورم و او می‌گوید: «سفید و سیاه» بیاور. یعنی همه رنگ‌ها را بیاور. هر رنگی که داری بیاور.

توجه: پس از حل تمرین صفحه بعد سعی کنید واژگان مستعد مجاز را بشناسید.

در ابیات زیر مجاز به کار رفته را مشخص کنید.

که به فتراک تو بـه زان که بود بر بدنم
بر کنم دیده که من دیده از او برکنم
این قدر بس که رود نام لبـت بر دهنم
جرعه‌ای از جام ما نوشیده‌اند
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما
با این همه دستان نتوان داد ز دستت
کاین باغ عمر گاه بهارست و گه خزان
موی چو سمن به باد برداد
سهیلی است در پنجه آفتاب
تا غرقه نگردي اندر این دریا
ز آشامیدن رطل گران شد
خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
شمع در فانوس کار یک جهان پروانه ساخت
بیفشان زلف کافر کیش تا ایمان برافشانم
و آن سر وصل تو دارد که ندارد غم جانش
تا نباشد از پس دیوار گوش
خراب باده‌ی لعل تو هوشیارانند

۱ - گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست
۲ - ای رقیب این همه سودا مکن و جنگ مجوی
۳ - لب سعدی و دهانت ز کجا تا به کجا
۴ - هر کجا رندی است در میخانه‌ای
۵ - توبه بر لب، سبزه بر کف، دل پر از شوق گناه
۶ - هر چند که سر در سر دستان تو کردیم
۷ - بیخی نشان که دولت باقیست بر دهد
۸ - معجز ز سر سپید بگشاد
۹ - می اندر کف ساقی بی حجاب
۱۰ - کشتی خرد است دست در وی زن
۱۱ - سبک در خواب چشم نرگس مست
۱۲ - اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست
۱۳ - فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
۱۴ - عالمی را روی شرم آلود او دیوانه کرد
۱۵ - بیا در جلوه ای سرو روان تا جان برافشانم
۱۶ - آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش
۱۷ - پیش دیوار آنچه گویی گوش دار
۱۸ - غلام نرگس مست تو تاجدارنند

تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
سلطان جهانم به چنین روز غلام است
که گر فاش گردد شود روی زرد
خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است
آنچه سلطان ازل گفت بکن آن کردم
در موسم گل چرا مشویش باشد
چو زنبور عسل از خوردن گل
که زندگانی خود را بر انجمن بخشد
دائم که بار دیگر رخصت دهی به خونم
و آن دم که قبا پوشی پیش کمرت میرد
عجب گر آتش این زرق در دفتر نمی‌گنجد
جز آویختن نیست پاداش این
کز این روشن بیان فانوس شمع طور شد گوشم
در کش می و خاموش کن فرهنگ بی‌فرهنگ را
هزار مرتبه عشق از غم جدایی داد
ز درگاهش رسد بر ماه و پروین
زنده بدو داد روشنایی کیهان
موحدی است که در سینه کفر و دین دارد
آنچنان دان که خود این خانه خریدی با زر
در دست سر مویی از آن عمر درازم
به آه سینه برخیزم چراغ صبح بنشانم
بعد از هزار دور که نوبت به من رسید
تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا؟
به هر جزئی ز حسن او قصوری است
اما دریغ زهره دریا شدن نداشت
لیک چشم و گوش را آن نور نیست
که ز جان ما بگردان، ره آفت قضا را
مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
تا بگویم شرح درد اشتیاق
نشاید پس از مرگش الحمد خواند

۱۹- دست در حلقه‌ی آن زلف دو تا نتوان کرد
۲۰- گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
۲۱- چرا گوید آن چیز در خُفیه مرد
۲۲- همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد
۲۳- نقش مستوری و مستی نه به دست من و توست
۲۴- آن را که می و مطرب دلکش باشد
۲۵- منم از خوردن غم‌های تو شاد
۲۶- مسلم است بر آن شمع‌ها سرافرازی
۲۷- گر خون خود بریزم صد بار در غم تو
۲۸- جوزا چو قدح نوشی پیش تو کمر بندد
۲۹- صراحی می‌کشم پنهان و مردم دفتر انگارند
۳۰- نباید که باشی تو اندر زمین
۳۱- مشو از حرف عشق ای خامه آتش زبان خامش
۳۲- جام صبوحی نوش کن قول مغنی گوش کن
۳۳- سزای من که دمی خرم از وصال شدم
۳۴- هم اکنون بانگ کوس و نای رویین
۳۵- آن ملک عدل و آفتاب زمانه
۳۶- کسی که نقش رخ و زلف توست در دل او
۳۷- یک دل و یک جا در خانه زر منزل کن
۳۸- زلف تو مرا عمر دراز است ولی نیست
۳۹- گر امشب صبحدم سردی کند در مجلس گرم
۴۰- پیمان‌ها ز رعشه پیری به خاک ریخت
۴۱- دل عالمی بسوزی چو عذار بفروزی
۴۲- که لیلی گر چه در چشم تو حوری است
۴۳- بسیار رود بود در آن برزخ کبود
۴۴- سر من از ناله من دور نیست
۴۵- چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان
۴۶- لب و دندان سنائی همه توحید تو گوید
۴۷- سینه خواهم شرح شرحه از فراق
۴۸- اگر رفت و آثار خیرش نماند

۱ - خون مجاز از کشتن	۲ - دیده در مصراع دوم مجاز از نگاه و نظر
۳ - دهن مصراع دوم مجاز از سخن	۴ - جام مجاز از شراب
۵ - لب، کف، دل مجاز از دهان، کف دست، وجود	۶ - سر (دوم) مجاز از قصد و نیت
۷ - بیخ مجاز از درخت	۸ - سر مجاز از موی سر
۹ - می مجاز از جام می و کف مجاز از کل دست	۱۰ - دریا مجاز از دنیا
۱۱ - رطل مجاز از محتویات درون آن است	۱۲ - جهان مجاز از مردم جهان
۱۳ - فردا مجاز از روز قیامت	۱۴ - عالم مجاز از مردم عالم و عالمیان
۱۵ - سرو روان مجاز و استعاره از معشوق	۱۶ - سر مجاز از قصد و نیت
۱۷ - گوش مجاز از انسان شنونده و جاسوس	۱۸ - نرگس مجاز و استعاره مصرحه از چشم
۱۹ - دست مجاز از انگشت	۲۰ - می مجاز از جام یا پیاله شراب
۲۱ - مرد مجاز از انسان	۲۲ - چمن مجاز از باغ و بوستان
۲۳ - دست مجاز از اراده و اختیار	۲۴ - گل مجاز از بهار
۲۵ - گل مجاز از شهد گل	۲۶ - انجمن مجاز از حاضران
۲۷ - خون در مصراع دوم مجاز از کشتن	۲۸ - قدح مجاز از محتویات داخل آن
۲۹ - صراحی مجاز از شراب یا محتویات صراحی	۳۰ - زمین مجاز از جهان
۳۱ - حرف مجاز از سخن	۳۲ - جام مجاز از شراب
۳۳ - دم مجاز از لحظه	۳۴ - ماه و پروین مجاز از آسمان
۳۵ - آفتاب مجاز از خورشید	۳۶ - سینه مجاز از دل
۳۷ - زر مجاز از سکه‌ی زر و خانه نیز مجاز از دل	۳۸ - دست مجاز از انگشتان دست
۳۹ - سینه مجاز از دل	۴۰ - پیمانه مجاز از شراب
۴۱ - عالم مجاز از مردم عالم	۴۲ - چشم مجاز از دیدگاه
۴۳ - زهره مجاز از جرأت	۴۴ - نور مجاز از قدرت فهم
۴۵ - جان مجاز از وجود	۴۶ - لب و دندان مجاز از کل وجود
۴۷ - سینه مجاز از انسان	۴۸ - الحمد مجاز از سوره فاتحه (یا حمد و سوره)

۲۵- در کدام ابیات استعاره و مجاز، «هر دو» وجود دارد؟

- الف) سر پر ز شرم و بهایی مراست
ب) حسرت نبرم به خواب آن مرداب
ج) ساقی چمن گل را بی‌روی تو رنگی نیست
د) به خرابی خوشم امروز که فردا ز کرم
- اگر بی‌گناهم رهایی مراست
کارام درون دشت شب خفته است
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارایی
همت پیر خرابات کند تعمیرم

۱) الف - ب ۲) الف - د ۳) ب - ج ۴) ج - د

۲۶- بیشترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

- ۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت
۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است
۳) یک سر بی‌کبر در نمود زار خاک نیست
۴) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست
- چون تو درآمدی، پی کاری دگر گرفت
که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
کاسه هر کس که می‌بینم ازین صهبا پر است
از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت

۲۷- واژه «سر» در کدام بیت مجاز نیست؟

- ۱) کار با عشق فتاد، از سرم ای عقل برو
۲) عذری بنه اول که تو درویشی و او را
۳) مگر که سر بدهم و نه من ز سر نهم
۴) مشک با حلقه مویت سر سودا دارد
- چه دهی وسوسه دیدم هنری نیست تو را
در مملکت حسن سر تاجوری بود
امید وصل در این ره چو پای بنهادم
کج‌خیالی است مگر مشک ختا را سوداست

۲۸- در همه ابیات، آرایه مجاز به چشم می‌خورد، به جز:

- ۱) می‌رود صبح و اشارت می‌کند
۲) هزار نکته باریک‌تر ز مو اینجاست
۳) من و تو غافلیم و ماه و خورشید
۴) از تلاوت بر تو حق دارد کتاب
- کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست
نه هر که سر بتراشد قلندری داند
بر این گردون گردان نیست غافل
تو از او کامی که می‌خواهی بیاب

۲۹- کدام بیت فاقد مجاز است؟

- ۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی
۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم
۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
۴) سهل است به خون من اگر دست بر آری
- تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

۳۰- شاعر در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «مجاز» استفاده نموده است؟

- | | |
|--|----------------------------------|
| الف) به خاک حافظ اگر یار بگذرد چون باد | ز شوق در دل آن تنگنا کفن بدرم |
| ب) و گر رفت و آثار خیرش نماند | نشاید پس مرگش الحمد خواند |
| ج) در آفتاب قیامت چه کار خواهی کرد | اگر به سایه گریزی ز آفتاب این جا |
| د) موافقان ترا دل ز مژدگانی فتح | شکفته باد چو گل در هوای فروردین |
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳۱- تعداد آرایه «مجاز» در کدام بیت با بقیه یکسان نیست؟

- | | |
|---|--|
| ۱) لاله‌گون بادا به باغ ملک، چهر بخت تو | تا به فروردین چمن پر لاله و سیسنبه است |
| ۲) ز غیرت ای گل نازک ورق چو دامن پاک | کشیدی از کف بلبل به چنگ خار مده |
| ۳) اوحدی کامروز هجران تو دید | ایزدش فردا نفرماید عذاب |
| ۴) مژگان بگشایید و ببندید زبان را | آفاق پر از جلوه یار است ببینید |

۳۲- در کدام گزینه آرایه مجاز وجود دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) تیغ برآر از نیام زهر برافکن به جام | کز قبل ما قبول وز طرف ما رضاست |
| ۲) با محتسب شهر بگویند که زنهار | در مجلس ما سنگ مینداز که جام است |
| ۳) تا نفخ صور باز نیاید به خویشان | هرک اوفتاد مست محبت ز جام دوست |
| ۴) بیش احتمال سنگ جفا خوردنم نماند | کز رقت اندرون ضعیفم چو جام شد |

۳۳- در کدام گزینه مجاز وجود ندارد؟

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) صید بیابان سر از کمند بپیچد | ما همه پیچیده در کمند تو عمدا |
| ۲) سر بنه گر سر میدان ارادت داری | ناگزیر است که گویی بود این میدان را |
| ۳) آفرین بر زبان شیرینت | کاین همه شور در جهان انداخت |
| ۴) زین در کجا رویم که ما را به خاک او | و او را به خون ما که بریزد حوالست است |

۳۴- در کدام ابیات مجاز به کار رفته است؟

- | | |
|--|------------------------------------|
| الف- ای پیک پی‌خجسته که داری نشان دوست | با ما مگو به جز سخن دل نشان دوست |
| ب- امید وصل مدار و خیال دوست مبند | گرت به خویشان از ذکر دوست پروایست |
| ج- از سر زلف عروسان چمن دست بدارد | به سر زلف تو گر دست رسد باد صبا را |
| د- به خواب دوش چنان دیدمی که زلفینش | گرفته بودم و دستم هنوز غالیه بوست |

(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) الف - ج (۴) ب - د

کنایه

به معنی پوشیده سخن گفتن است. و آن عبارتی است که یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارد و مراد گوینده معنای پنهان آن است. در بیت زیر مصراع اول یک معنای آشکار (هنوز از دهان او بوی شیر می‌آید) و یک معنای پنهان (او هنوز کودک است) دارد. معنای پنهان را باید با دقت و کشف هنری به دست آورد.

هنوز از دهان بوی شیر آیدش همی رای شمشیر و تیر آیدش

مثال‌های دیگر:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد
«بلغزد پای» کنایه از خطا و اشتباه کردن.

نماند ایچ با روی خورشید رنگ به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ
«نماند رنگ» معادل «رنگ پریدن» و کنایه از ترسیدن.
بیامد که جوید ز ایران نبرد سر هم‌نبرد اندر آرد به گرد
«سر به گرد آوردن» کنایه از نابود کردن.

آن را که چنین دردی، از پای دراندازد باید که فرو شوید دست از همه درمان‌ها
«دست فرو شستن از چیزی» کنایه از ترک کردن آن چیز.
چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست
«دست دادن» کنایه از اعتماد کردن.



توجه: بعضی کنایات، «فرمولی» هستند و با عوض شدن یک واژه، کنایه‌ی دیگری به دست می‌آید.

از شراب عشق مست بودن ← عاشق بودن از شراب بخشنده‌گی مست بودن ← بخشنده بودن
از شراب علم مست بودن ← عالم بودن از شراب شجاعت مست بودن ← شجاع بودن



توجه: بعضی صفات معنای کنایی دارند و کنایه محسوب می‌شوند. مانند: سبک‌مغز، سیه‌رو، سرخ‌رو، حلقه‌به‌گوش، تنگ‌دست، دل‌سپه، نمک‌نشناس، بد دل و ...

تو به هنگام سخن گر نشوی موی شکاف کس نیابد ز دهان تو نشان، یک سر موی
دریادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند



توجه: کنایه و ایهام از این منظر که هر دو یک معنای آشکار و یک معنای پنهان دارند، با هم مشترکند ولی تفاوت‌هایی هم با هم دارند. اول اینکه؛ کنایه در قالب جمله (دست از جان شُست) یا عبارت مصدری (دست از جان شُستن) بیان می‌شود، اما ایهام معمولاً در قالب یک واژه یا گروه اسمی است. دوم اینکه؛ درک کنایه و ایهام بسیار متفاوت است. معمولاً کشف کنایه و درک معنای کنایی آن بسیار آسان است اما کشف ایهام و درک معنای دوم کمی سخت است و به توجه ویژه‌ای نیاز دارد. سوم اینکه؛ عبارت کنایی معمولاً در هر متنی کنایه است، یعنی در هر صورتی به کار برود کنایه است، ولی واژه ایهام‌دار لزوماً همه جا ایهام ندارد. تفاوت‌های دیگری نیز می‌توان مطرح نمود که از اطاله کلام پرهیز می‌شود.

۳۵ - در کدام بیت کنایه وجود دارد؟

کآن چه من می‌نگرم بر دگری ظاهر نیست
شب وصل من و معشوق مرا آخر نیست
سست مهر است که بر داغ جفا صابر نیست
گر بر این دست کسی کشته شود نادر نیست

(۱) همه‌کس را مگر این ذوق نباشد که مرا
(۲) هر شبی روزی و هر روز زوالی دارد
(۳) هر که با غمزه خوبان سر و کاری دارد
(۴) هر که سرپنجه مخضوب تو بیند گوید

۳۶ - در کدام گزینه کنایه وجود ندارد؟

دیده ندارد که دل به مهر نبسته است
بودش یقین کسه ملک ملاحه از آن توست
که در آن کوی چو من کشته بسی افتاده است
چه دست‌ها که ز دست تو بر خداوند است

(۱) دیده به دل می‌برد حکایت مجنون
(۲) یوسف به بندگیت کمر بسته بر میان
(۳) اتفاقم به سر کوی کسی افتاده است
(۴) ز دست رفته نه تنها منم در این سودا

۳۷ - در چند بیت کنایه وجود دارد؟

به صد هزار زبان بلبش در اوصاف است
دولت در آن سرا و گشایش در آن در است
چرا که شیوه آن ترک دل سیه دانست
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است

الف- کنون که بر کف گل جام باده‌ی صاف است
ب- از آستان پیر مغان سر چرا کشیم
ج- دلم ز نرگس ساقی امان نخواست به جان
د- بر دوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم

(۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳۸ - در کدام بیت، آرایه کنایه به کار نرفته است؟

از خنده خود رفت به تاراج فنا گل
برافراخت بازو چو شاخ درخت
هر چه گویی چاره دانم کرد جز تقدیر را
سپاهی بر او انجمن شد نه خُرد

(۱) دلتنگی جاوید نگهبانی عمر است
(۲) نخست آن سیه روز برگشته بخت
(۳) ای که گویی دیده از دیدار بترویان بدوز
(۴) همی‌رفت پیش اندرون مرد گُرد

۳۹ - در همه ابیات آرایه «کنایه» وجود دارد به جز گزینه‌ی

ساقیا جامی بــــــده تا چهره را گلگون کنم
مانند این بسی ز قضا و قدر فتاد
به عالمی نفروشم مویی از سر دوست
ای مدّعی نزاع تو با پرده‌دار چیست؟

(۱) زردروی می‌کشم زان طبع نازک بی‌گناه
(۲) بر من مگیر اگر شدم آشفته‌دل ز عشق
(۳) اگر چه دوست به چیزی نمی‌خرد ما را
(۴) راز درون پرده چه داند فلک، خموش

۴۰- در کدام بیت «کنایه» کمتر یافت می‌شود؟

- | | |
|---|---|
| <p>اگر به باد دهد سر بجاست همچو حباب
همچو کف در نظر همت مردان پوچ است
منگر به خوش‌زبانی این ترش‌میزبان
که چون فرزند کور آید، شود چشم گدا روشن</p> | <p>(۱) سبک‌سری که زند پیش بحر لاف وجود
(۲) هر که سجاده خود بر سر آب اندازد
(۳) دهر سپیددست، سیه‌کاسه‌ای است، صعب
(۴) فلک با تنگ‌چشمان گوشه‌ی چشم دگر دارد</p> |
|---|---|

نماد

آرایه‌ای است که در مبحث بیان و در کنار آرایه‌های تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بررسی می‌شود. ولی کتاب‌های درسی - حتی علوم و فنون که تخصصی است - به این موضوع اشاره نکرده‌اند. درحالی‌که خود نماد را در قلمروهای ادبی کتاب‌های فارسی آورده‌اند.

نماد، شباهتی به استعاره دارد، زیرا یک کلمه آورده می‌شود و معنای دیگری از آن برداشت می‌شود. مانند «کوه» که معنای مقاومت و پایداری از آن برداشت می‌شود. در بیت زیر «شب» نماد دوران ظلم و ستم و تبااهی است.

نشسته‌ام در انتظار این غبار بی‌سوار دروغ کز شبی چنین، سپیده سر نمی‌زند

تفاوت نماد با استعاره

استعاره به یک معنای غایب دلالت دارد ولی نماد می‌تواند به چند معنای غایب اشاره داشته باشد. به طور مثال «سرو» می‌تواند استعاره از معشوق و نمادی از بلندی، آزادگی، پایداری، عظمت و ... باشد. باید دید در متن مورد نظر معنای استعاری مد نظر است یا معنای نمادین. همچنین استعاره معمولاً به یک چیز و هویت اشاره دارد و نماد به یک مفهوم. مثلاً در مثال فوق، معشوق یک هویت است ولی پایداری و مقاومت یک مفهوم هستند.

نکته بسیار مهم: توجه داشته باشید که واژگان فوق همیشه و در هر عبارتی نماد نیستند. بلکه باید به معنای عبارت دقت کرد و دید که آیا آن واژه در معنای نمادین به کار رفته است یا خیر. در عبارت زیر واژه «شب» در مثال اول، در معنای نمادین (زمان پیش از انقلاب) و در مثال دوم، در هر دو مصراع در معنای حقیقی آمده است.

پیش از تو آب معنی دریا شدن نداشت شب عاشقان بیدل، چه شبی دراز باشد	شب مانده بود و جرأت فردا شدن نداشت تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد
--	---

به نمادهای مهم ادب فارسی دقت کنید و آن‌ها را به خاطر بسپارید.



واژه	نماد	واژه	نماد
گل	نماد زیبایی و لطافت	آب	نماد رفاه و آسایش دنیوی
نی	نماد انسان غریب و دور از وطن، نماد عارف دور افتاده از معشوق	بنفشه	نماد انسان‌های عابد و مؤمن، ماتم و سوگواری (به دلیل سر به زیری و کبودی)
چشمه	نماد پاکی و طراوت	رود	نماد حرکت و تلاش
نرون	نماد افراد ستمگر و خون خوار	شمع	نماد معشوق
گون	نماد انسان‌های گرفتار	پروانه	نماد عاشق
نسیم	نماد انسان‌های آزاد	دریا	نماد بزرگی، عظمت و وسعت
شب	نماد تیرگی، ظلمت، ظلم، حکومت پهلوی	سیل	نماد نابودی و ویرانی
باد	نماد سرگردانی و بی‌حاصلی	دیوار	نماد مانع و حجاب و محدودیت
سحر	نماد روشنی، امید و پیروزی	صدف	نماد خاموشی و سکوت
رضاخان	نماد تکبر و استبداد	زیتون	نماد صلح و آرامش
گل سرخ	نماد عشق و طراوت	درخت بید	نماد ترس و لرزیدن
گل لاله	نماد شهید	کوه	نماد عظمت و استواری
خضر	نماد راهنما و مرشد	گل نیلوفر	نماد عارف و انسان وارسته از دنیا

حیوانات نیز بنا به خصوصیات ویژه‌ای که دارند، نماد مفاهیمی شده‌اند که در جدول زیر تماماً آمده‌اند.

البته نیاز نیست برای کنکور همه این‌ها را حفظ کنید.



حیوان	نماد	حیوان	نماد
آهو	نماد آزادگی و بی‌گناهی	زارافه	نماد بلندی
اسب	نماد نجابت و هوشیاری	کلاغ	نماد شومی، نحسی، و خبرچینی
پلنگ	نماد تکبر و بلندپروازی	ماهی	نماد زیبایی و امید
پشه	نماد ضعف و ناتوانی	گره	نماد بی‌وفایی و دزدی
جغد	نماد شومی و نحسی، انسان‌های پول‌دوست و گوشه‌گیر	باز	نماد نیک فالی، انسان‌هایی که به پُست و مقام زودگذر دنیا دل خوشند
گوسفند	نماد خون‌سردی و نادانی	فیل	نماد یک‌دلی و قدرت و عظمت

بره	نماد معصومیت	گرگ	نماد درندگی و قدرت
خرس	نماد پُر خوری و بزرگی	نهنگ	نماد درندگی و عظمت و بزرگی
بلبل	نماد شیدایی، عاشقی و دل‌باختگی، انسان‌های مدّعی و عاشق زیبایی‌های عین	شیر	نماد شجاعت و قدرت، سلطان یا حاکم زورگو و ساده لوح
خرگوش	نماد غفلت	کفتار	نماد زشتی، نحسی و بدخویی
بوقلمون	نماد چند رنگی و بی‌ثباتی	میمون	نماد تقلید و هوشیاری
روباه	نماد مکر و حيله	مار	نماد خوش‌ظاهری و بدباطنی
بزغاله	نماد شیطننت	عقرب	نماد زیرکی و خودنمایی
بز	نماد دانایی و چابکی	هُما	نماد سعادت و خوش‌بختی
سگ	نماد وفاداری	قناری	نماد خوشی و شادی
ببر	نماد ضعیف‌کشی	قورباغه	نماد زشتی
موش	نماد حقارت، تیزهوشی	هُدُود	نماد مزده‌دهی و خبر خوب، رهبر و مرشد
شترمرغ	نماد بهانه‌جویی	کرگدن	نماد تنومندی و پُر زوری
پرستو	نماد نیکی و بهار	طاووس	نماد زیبایی و غرور
شتر	نماد کینه‌توزی و همچنین مقاومت	الاغ	نماد نفهمی، کودنی و سخت‌کاری
طوطی	نماد تقلید	ملخ	نماد بی‌خیالی و راحت‌طلبی
عقاب	نماد خودپسندی، تکبر، عظمت، وارستگی	خفاش	نماد جهل، نادانی، و نسیان
کرکس	کرکس: نماد مفت‌خوری	مگس	نماد مزاحمت
لک‌لک	نماد شادی و نشاط	خر	نماد نادانی
سیمرغ	نماد بلندپروازی و همت، علم و دانش	بط	نماد انسان‌های دلبسته و فریفته‌ی دنیا

۴۱- در کدام گزینه واژه مشخص شده «نماد» است؟

کوتاه‌نظری باشد، رفتن به گلستان‌ها
تــــا در زمانه باقی ست، آواز باد و باران
عاشق بادا که عشق، خوش سودایی است
درآید پرزنان پروانه از دور

- ۱) تا خار غم عشقت آویخته در دامن
- ۲) این نغمه محبّت، بعد از من و تو ماند
- ۳) در عالم پیــــر، هرکجا برُنایی است
- ۴) چو از شمع رسد پروانه را نور

۴۲- در کدام گزینه «نماد» به کار نرفته است؟

مینداز خود را چو روباه شل
که روزی نخوردند پیلان به زور
بماند آنچه روبه از آن سیر خورد
به دشت پُر ملال ما، پرنده پر نمی‌زند

- ۱) برو شیر درنده باش ای دغل
- ۲) کز این پس به کنجی نشینم چو مور
- ۳) شغال نگویند بخت را شیر خورد
- ۴) در این سرای بی‌کسی، کسی به در نمی‌زند



فصل دوم: بدیع لفظی

واج آرای

واج آرای یا نغمه‌ی حروف، آرایه‌ای است که در آن شاعر یا نویسنده تعمداً از یک واج بیش از حد معمول استفاده می‌کند. به طوری که تلفظ آن واج، نسبت به سایر صداها، محسوس‌تر می‌باشد.

رشته‌ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود
بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
خروش از خم چرخ چاچی بخاست
شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
من خاک کف پای سگ کوی تو هستم
کو آن که کف پای سگ کوی تو باشد
همان‌طور که ملاحظه می‌شود واج آرای ممکن است تکرار یک حرف نباشد و تکرار یک حرکت (مصوت کوتاه) باشد. زیرا صداها نیز واج محسوب می‌شوند.



توجه: تکرار یک واج، دلبخواهی، شانسی، اتفاقی یا بدون گزینش نیست. در واقع شاعر تعمداً صدایی را تکرار می‌کند که در معنا به آن نیاز دارد. در ابیات زیر شاعر به صدای خُرد شدن برگ‌های پاییزی در زیر پا نیاز دارد، بنابراین واج‌های «خ - ز» تکرار می‌شوند.

خیزید و خُز آید که هنگام خزان است
باد خُـنک از جانم خوارزم وزان است
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است
گویی به مثل پیرهن رنگرزان است
یا در بیت زیر شاعر قصد ارائه صدای لبخند را دارد. لذا از واج «خ» بیشتر استفاده کرده است. آن گونه که ما نیز هنگام چت کردن برای خنده می‌نویسم: خخخخخ.
لبخـند تو خلاصه‌ی خوبی‌هاست
لُختی بخـند، خـنده‌ی گل زیباست

تکرار (واژه آرای)

هر گاه یک کلمه یا چند بار تکرار شود. تکرار یک کلمه را زمانی آرایه تکرار در نظر می‌گیریم که معنای آن در هر دو مورد یکسان باشد. (اگر واژه‌ای در دو معنای متفاوت تکرار شود «جناس همسان یا تام» می‌شود و تکرار نیست.

گر بروم جان ما در طلب وصل دوست
حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست



توجه: ممکن است در تکرار یک واژه، به آن، ضمیر یا نشانه جمع و... بچسبند، این دو واژه، باز هم آرایه تکرار دارند.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
پس به هر دستی نشاید داد دست
از چهای گل، با گلـان آمیختی؟
تو مگر از شیشه روغن ریختی؟
از دوست به یادگار دردی دارم
آن درد به صد هزار درمان ندهم



توجه: تکراری که در اول و آخر بیت باشد را **تصدیر** می‌گویند. (گاه با کمی اختلاف)

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید بـه دست
عالمی دیگر بـباید ساخت از نو، آدمی
خاقانی از این درگه، دریوزهی عبرت کن
تا از در تو زان پس، دریوزه کند خاقان



توجه: ردیف واژه‌ای است که در پایان مصراع، بعد از قافیه‌ها در معنای ثابت تکرار می‌شود. از نظر زیبایی‌شناسی نباید ردیف را، آرایه تکرار در نظر گرفت. در کنکوره‌های قبل هم مثالی ندیدیم که ردیف را آرایه تکرار محسوب کنند. ولی اگر سوال و گزینه‌ها به گونه‌ای بود که ردیف را تکرار در نظر گرفته بودند، نادرست نیست و می‌توان آن ردیف را آرایه تکرار حساب کرد. **حروف اضافه** نیز همطورند. بهتر است تکرار آن‌ها را آرایه تکرار حساب نکنیم. ولی با توجه به سوال و گزینه‌ها می‌توانند تکرار محسوب شوند. یعنی اگر با تکرار در نظرنگرفتن آن‌ها به جواب نرسیدید یا تست جواب نداشت، آن‌ها را تکرار بگیرید.

در بیت زیر «نیست که نیست» ردیف است و واژه «نیست» آرایه تکرار دارد زیرا در خود ردیف، تکرار شده است.
روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
منت خاک درت بر بصری نیست که نیست
این حالت در بسیاری از شعرها که ردیف‌های بلند دارند، دیده می‌شود. مانند «رفت رفت» در بیت زیر:
گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت، رفت
ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت، رفت

نکته: تکرار، گاه بدون فاصله و در کنار هم می‌آید.

برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!
جنازهام چو ببینی مگو فراق! فراق!
به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد
مرا وصال و ملاقات آن زمان باشد



توجه: دقت شود واژگانی که از تکرار یک تکواژ ساخته می‌شوند، مانند «پرس‌پرسان، گاه‌گاه، تندتند و...»، و واژگانی که در ساختمان آن‌ها یک تکواژ تکرار شده است، مانند «مالامال، لبالب، دمامم و...»، اگر در بیتی بیایند، آرایه **تکرار نداریم**. زیرا هنوز یک واژه، دو بار تکرار نشده است.

دریغ می‌کنی از من نگاه را حتی
خروشان و جوشان به کردار موج
سینه، مالامال درد است ای دریغا مرهمی
بزد بر کمربند گُرد آفرید
و نیـز زمزمه گاه‌گاه را حتی
فراز آمدند از کران فوج‌فوج
دل ز تنهایی به جان آمد، خدا را همدمی
زره بر برش، یک به یک، بردید

۴۳- شاعر در کدام بیت از آرایه «واج آرای» بهره بیشتری برده است؟

- (۱) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
 - (۲) آن ابر دربار ز دریا که برآید
 - (۳) رسم عاشق‌کشی و شیوه شهرآشوبی
 - (۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
- که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
پُرکرده ز در و درم و دانه، دهان را
جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

۴۴- در کدام بیت «واج آرای» در صامت و در کسره اضافه، بیشتر به چشم می‌خورد؟

- (۱) بلبلکان با نشاط، قمریکان با خروش
 - (۲) ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
 - (۳) دانه‌ی خال تو خون از چشم صیاد آورد
 - (۴) زان نمک‌دان لب شیرین شورانگیز تو
- در دهن لاله مشک، در دهن نحل، نوش
دل رمیده ما را انیس و مونس شد
این سپند شوخ آتش را به فریاد آورد
دانه خال سیه بر قرص سیمین بسته‌اند

۴۵- در تمام گزینه‌های زیر، به جز گزینه آرایه «واژه آرای» یا تکرار وجود دارد.

- (۱) روی جانان طلبی، آینه را قابل باش
 - (۲) از جرعه‌ی تو زمین، در و لعل یافت
 - (۳) شاه گفتش ای سرافکنده به عشق
 - (۴) خوش است خلوت اگر یار، یار من باشد
- ورنه هرگز گل و نسرين ندمد ز آهن و روی
بیچاره ما که پیش تو از خاک کمتریم
چون تواند بود کس زنده به عشق
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

۴۶- در کدام بیت، در بیش از یک واژه، «واژه آرای» دیده می‌شود؟

- (۱) تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند
 - (۲) بردوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم
 - (۳) چه شود گر من و تو چند قدح باده خوریم
 - (۴) چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
- با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
باده از خون رزان است نه از خون شما
به مذهب همه کفر طریقت است امساک

سجع

یکسانی دو واژه در وزن یا حرف روی یا هر دو. (حرف روی؛ حرف پایانی و اصلی یک کلمه است بدون الحاقیات. مثلاً روی در «دستم»، «ت» و در «بهاران»، «ر» و در «پرورده‌ام»، «د» می‌باشد.)
با توجه به تعریف فوق سه نوع سجع وجود دارد: مطرف، متوازن، متوازی.



۱- سجع مطرف: هرگاه پایان دو کلمه یکسان و وزن آن‌ها متفاوت باشد.

به نام آن خدایی که نام او راحت روح است و پیغام او در وقت صبح، مومنان را صبح است.
پادشاهی او راست زبیده، خدایی او راست درخورنده.
هر نفسی که فرو می‌رود مُمد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات.



۲- سجع متوازن: هرگاه وزن عروضی یا وزن هجایی دو کلمه یکسان و پایان آن‌ها متفاوت باشد.

پشت و پناه سپاه من بود، در دیده‌ی دشمنان خار و بر روی دوستان خال.
فلان را کرم بی‌شمار است و هنر بی‌حساب. دارای عزمی است متین و طبعی کریم.



نکته: در سجع متوازن منظور از هم‌وزنی، وزن عروضی و هجایی است نه وزن عربی. در وزن عروضی دو کلمه «سینا و عادل» هم‌وزن هستند و سجع می‌سازند، در حالیکه هم‌وزن عربی نیستند و «عادل» فقط با کلماتی هم‌وزن می‌باشد که بر وزن «فاعل» باشند، مثل: ناصر، نادر و...
مسلم است کلماتی که هم‌وزن عربی هستند، نسبت به کلماتی که فقط هم‌وزن عروضی هستند، سجع زیباتری دارند و هم‌وزنی عربی از هم‌وزنی عروضی آهنگین‌تر است



۳- سجع متوازی: هرگاه دو کلمه هم در حروف پایانی و هم در وزن یکسان باشند. در واقع سجع متوازی، جمع

دو سجع مطرف و متوازن است.

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
بزرگان گفته‌اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است.
جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.



توجه: باید کلمات را با تلفظ اصلی و گذشته‌شان بخوانیم تا به سجع موجود در آن دست بیابیم. مثلاً در متن زیر تلفظ «نخورد»، «نخرد» می‌باشد.
«فی‌الجملة نمائد از معاصی منکری که نکرد و مُسکری که نَخورد.»

نکته بسیار مهم: معمولاً هر کدام از دو رکن و پایه سجع در پایان یک جمله می‌آید. لذا برای ایجاد سجع وجود ۲ جمله الزامی است. مثلاً در عبارت «کمال و جمال او را نهایت نیست»، دو واژه «کمال و جمال» سجع ندارند. زیرا در یک جمله آمده‌اند.



توجه: سجع، بیشتر در نثر به کار می‌رود اما در شعر نیز کاربرد دارد و معمولاً در وسط و پایان مصراع‌ها و می‌آید.

در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن
من مانده‌ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او
من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود
گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود

۴۷- در کدام گزینه سجع وجود ندارد؟

- (۱) مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال.
- (۲) علم از بهر دین پروردن است نه از بهر دنیا خوردن.
- (۳) عالم ناپرهیزگار کور مشعله دار است.
- (۴) نصیحت از دشمن پذیرفتن خطاست ولیکن شنیدن رواست.

۴۸- در چند مورد از عبارات زیر سجع به کار رفته است؟

- الف- سخن میان دو دشمن چنان گوی که گر دوست گردند شرم‌زده نشوی.
- ب- بر دوستی دوستان اعتماد نیست تا به تملق دشمنان چه رسد.
- ج- خبری که دلی بیازارد تو خاموش تا دیگری بیارد.
- د- از تن بی‌دل طاعت نیاید و پوست بی‌مغز را بضاعت نشاید.
- ه- دو کس دشمن ملک و دینند: پادشاه بی‌حلم و زاهد بی‌علم.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۹- در کدام عبارات سجع به کار رفته است؟

- الف- پنجه با شیر زدن و مشت با شمشیر، کار خردمندان نیست.
- ب- جوهر اگر در خلاب افتد همچنان نفیس است و غبار اگر به فلک رسد همان خسیس.
- ج- سفله چون به هنر با کسی بر نیاید به خبثش در پوستین افتد.
- د- دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند شاید که به یک دم بیازارند.

(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) الف - ج (۴) ب - د

موازنه و ترصیع (مخصوص رشته‌ی انسانی)

موازنه تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هماهنگی آن‌ها می‌انجامد. که موجب افزایش موسیقی لفظی در شعر است.

دل	به امید	روی او	همدم	جان	نمی‌شود
جان	به هوای	کوی او	خدمت	تن	نمی‌کند
نظر	تا کنی	عرض	نقل	است	و می
نفس	تا کشی	حرف	چنگ	است	و نی
تیر	بلای او را	جز دل	هدف	نباشد	
تیغ	جفای او را	جز جان	سپر	نباشد	

***توجه:** موازنه در نثر نیز به کار می‌رود.
در بدایت، **بند** و **چاه** بود و در نهایت **تخت** و **گاه** بود.

ترصیع موازنه‌ای است که همه سجع‌های آن متوازی باشد.

ای	منور	به	تو	نجوم	جمال
وی	مقرّر	به	تو	رسوم	کمال
هم	حرکاتش	متناسب	به هم		
هم	خطواتش	متقارب	به هم		
ما	ز بالاییم	و بالا	می‌رویم		
ما	ز دریاییم	و دریا	می‌رویم		

۵۰- در کدام گزینه موازنه وجود دارد؟

وی پخته ناشده به خرد خام کم درای
چون یک سخن نبوش نباشد سخن سرای
گیتی چه خواهد از من درمانده گدای
بر سنگ امتحانم چون زر بیازمای

(۱) ای در زمانه راست نگشته مگسوی کز
(۲) بر من سخن نیست نبندد بلی سخن
(۳) گردون چه خواهد از من بیچاره ضعیف
(۴) در آتش شکیم چون گل فرو چکان

۵۱- در کدام گزینه موازنه یا ترصیع وجود ندارد؟

پرواز به آنجا که سرود است و سرور است
یکی نبارد جز گرد مرگ روز ضراب
به روی رنگ تذرو است لاله سیراب
سپهر چون دم طاووس و شب چو پر غراب

(۱) پرواز به آنجا که نشاط است و امید است
(۲) یکی نسوزد جز جان دیو روز نبرد
(۳) به بوی نافه آهوست سنبیل بویا
(۴) زمین چو کام نهنگ و گیا چو پنجه شیر

۵۲- در همه ابیات موازنه به کار رفته است به جز گزینه‌ی ...

بسان خورشید از آسمان عمر بتاب
صبر در پیش وفایش نیست جز جوینده‌ای
چون کار من زمینش عقاب از پس عقاب
مَثَل مرگ و بداندیش تو نار است و گیاست

(۱) به‌سان عرعر در بوستان ملک ببال
(۲) ابر در پیش سخایش چیست جز شرمنده‌ای
(۳) چون زلف تو هواش ظلام از پس ظلام
(۴) مَثَل بخت و نکوخواه تو آب است و درخت

۵۳- در چند بیت از ابیات زیر موازنه یا ترصیع به کار رفته است؟

هیبتش همچون قضا پهنای هر کشور گرفت
که نیست شکر و ثنا جز تو را حلال و مباح
کس چون بیان او به لطافت بیان نداشت
هر چه در دل بگرددش آن باد
عالی چو چرخ و ثابت چون کوهسار باد

الف- همتش چون اختر از بالای هر گردون گذشت
ب- ثنا و شکر تو گویم همی به جان به دل
ج- کس چون زبان او به فصاحت زبان ندید
د- هر چه در سر نباشدش آن نیست
ه- تابنده دولت تو و فرخنده ملک تو

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک

جناس و انواع آن

جناس به معنی هم‌جنسی است و این هم‌جنسی در لفظ است نه در معنا. جناس یعنی دو کلمه‌ای که یا از یک جنس هستند مثل «دید و دیده» یا آن‌قدر شبیه به هم هستند که فکر می‌کنیم از یک جنس هستند، مانند «یاد و یار». جناس در واقع همسان‌بودن دو کلمه است که فقط در یک صامت یا مصوت اختلاف دارند. حتی گاه دو کلمه در تلفظ یکسانند و فقط معنای متفاوتی دارند.

جناس در نگاه کلی دو دسته است. ۱: جناس همسان (تام) ۲: جناس غیرهمسان (ناقص)

۱- جناس همسان (تام): جناسی است که دو کلمه در خوانش و نوشتار دقیقاً یکسانند و فقط در معنا تفاوت دارند. 
عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوته‌ی سودا نهاد
نهاد: ۱- ضمیر و درون و باطن ۲- قرار داد (فعل)

توجه: واژگان ایهام‌ساز که در مبحث ایهام آمده‌اند، اگر در متنی ۲ بار به کار روند، ممکن است آرایه تکرار یا جناس تام بسازند. 

بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر که عاقبت برود، هر که او ز مادر زاد
زاد: ۱- توشه و آذوقه ۲- به دنیا آمد (فعل)

۲- جناس غیر همسان (ناقص): این جناس خود سه نوع است: الف) جناس ناقص اختلافی ب) جناس ناقص حرکتی ج) جناس ناقص افزایشی 

الف) جناس ناقص اختلافی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرف با هم اختلاف دارند. (این حرف متفاوت می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد)

بزد نیزه‌ی او به دو نیم کرد ز شاخ درخت، خویشتن آویخته
نشست از بر اسب و برخاست گرد زاغ سیه بر دو بال، غالیه آمیخته
به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
ب) جناس ناقص حرکتی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرکت یا مصوت کوتاه اختلاف داشته باشند.

ای مهر تو در دل‌ها، وی مَهر تو بر لب‌ها وی شور تو در سَرها، وی سِرّ تو در جان‌ها
باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین باید به سینه رَفت زین جا تا فلسطین
ج) جناس ناقص افزایشی: جناسی است که یک واژه نسبت به دیگری فقط یک حرف اضافه‌تر دارد. (این یک حرف می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد)

به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند
کار دلم به جان رسد، کارد به استخوان رسد ناله کنم بگویدم، دم مزن و بیان مکن

نکته: در کنکور عمومی نوع جناس‌ها مهم نیست مگر این که نوع آن را خواسته باشند. مثلاً گفته باشند در کدام گزینه جناس تام وجود دارد. که باید دقیقاً جناس تام را پیدا کنیم. اما اگر گفته بودند جناس، هر کدام را می‌توانیم لحاظ کنیم.

نکته: جناس تام را با آرایه‌ی تکرار اشتباه نگیریم. دو کلمه که معنا و تلفظ و نوشتار یکسان دارند، فقط آرایه‌ی تکرار دارند و جناس ندارند اما اگر معنا متفاوت و تلفظ و نوشتار یکسان بود، جناس تام داریم و تکرار نداریم.

اشتقاق

به کارگیری کلماتی که از یک ریشه باشند یا تصوّر شود از یک ریشه‌اند.

گر تیغ برکشد که محبان همی‌زنم اوّل کسی که لاف محبت زند منم
ای دلیل دل سرگشته، خدا را مددی که غریب از نبرد ره، به دلالت برود
بسی تاختند و بسی توختند بسی ساختند و بسی سوختند
«تاختند» با «توختند» و «ساختند» با «سوختند» از یک ریشه نیستند ولی تصوّر می‌شود از یک ریشه‌اند. این‌ها «شبه اشتقاق» هستند که با تخفیف «اشتقاق» خوانده می‌شوند.

اشتقاق، مشابه جناس است با این تفاوت که اختلاف حروف می‌تواند بیش از یک حرف باشد. مثلاً «عاشق و معشوق» چون بیش از یک حرف اختلاف دارند جناس نیستند ولی چون از یک ریشه هستند، اشتقاق دارند. در بسیاری از موارد، دو کلمه که اشتقاق دارند، جناس هم دارند. مانند «عشق و عاشق» که هم جناس دارند و هم اشتقاق. و در بعضی موارد مانند «عاشق و معشوق» دو کلمه فقط اشتقاق دارند و جناس ندارند. (واضح است که بسیاری از جناس‌ها هم اشتقاق ندارند).

نکته: جناس و اشتقاق، بین دو کلمه متفاوت شبیه به هم ایجاد می‌شود. لذا اگر یک کلمه با «ی نکره»، علامت‌های جمع، ضمیر و ... تکرار شده باشد، جناس نمی‌سازد و آرایه تکرار می‌شود. در بیت زیر دو کلمه مشخص شده آرایه تکرار دارند و جناس ندارند. زیرا در هر دو مورد، با یک واژه روبه‌رو هستیم که اوی «ی» نکره گرفته است.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست

۵۴- تعداد جناس در کدام بیت، بیشتر است؟

رشتهٔ جان من از شمع رخت یافته تاب
گر میر نهد بندم و گر پیر دهد پند
خارم اندر پای و پا در گل بماند
و او از دم دود من دلسوخته در تاب

(۱) چشمهٔ چشم من از سرو قدت یافته آب
(۲) تا جان بود از مهر رخس برنکنم دل
(۳) دل به دست یار و غم در دل بماند
(۴) من با غم دل ساخته و سوخته در تب

۵۵- در چند بیت از ابیات «جناس» وجود دارد؟

کجا رویم؟ بفرما، ازین جناب کجا
به غیر از مرگ حیرانم چه خواهیم از خدا امشب
زانکه گه تاریک و گاهی روشن است
ورا گر نزد آن تنگ شکر یک لحظه، بار افتد
قطع راه عشق در قطع تمنا کردن است
(۳) سه (۴) چهار

(الف) چو گُلِ بینشِ ما خاکِ آستانِ شماسست
(ب) شب هجر است و دارم بر فلک دست دعا اما
(ج) موی و رویت روز و شب در چشم ماست
(د) بیفتد بار اندوه فراقش، از دل سلمان
(ه) هیچ کاری بر نمی‌آید ز پای آهنین
(۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵۶- در کدام بیت جناس هست؟

که دل‌ها بر آتش چو نی سوختی
سرمسست را شکیب کجا باشد از شراب
دست دربان بوس اگر تشریف سلطان بایدت
که بُود شور و بلا دیدنِ ثعبان در خواب

(۱) شکر لب جوانی نی آموختی
(۲) یک ساعت از آن لب میگون شکیب نیست
(۳) راه دریا گیر اگر لؤلؤی عمانت هواست
(۴) آیدم زلف تو در خواب و پریشانم از این

۵۷- در کدام بیت آرایه «جناس همسان» به کار رفته است؟

گر نکنند التفات یا نکند احترام
خوابگاه نیست مگر خاک سر کوی توأم
تُرک من پرده برانداز که هندوی توأم
نه گوش فهم بماند نه هوش استفهام

(۱) بار غمت می‌کشم وز همه عالم خوشم
(۲) روزگاری است که سودازده روی توأم
(۳) سعدی از پردهٔ عشاق چه خوش می‌گوید
(۴) مرا که با تو سخن گویم و سخن شنوم

۵۸- در کدام گزینه «جناس همسان» وجود ندارد؟

ای نصیحت‌گو، به ترک گوی، گوی
بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد
حیف از آن عمر که در پای تو من سر کردم
که بر جمال تو فتنه است و خلق بر سخنش

(۱) حال چوگان چون نمی‌دانی که چیسست
(۲) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد
(۳) برو ای ترک که ترک تو ستمگر کردم
(۴) نماند فتنه در ایام شاه جز سعدی

۵۹- در چند تا از ابیات زیر آرایه جناس به وضوح دیده می‌شود؟

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| الف) سخن به دانش گویند پایگه گیرد | و گر نه طوطی و شارک چو آدمی گویاست |
| ب) ای دیر به دست آمده بس زود برفتی | آتش زدی اندر من و چون دود برفتی |
| ج) درخت‌های بارور چون اشتران باربر | همی ز پشت یکدگر کشیده صف قطارها |
| د) باغبان، چند کند پیش من آزادی سرو؟ | سرو آزاد غلام بت چالاک من است |
| ۱) چهار تا | ۲) سه تا |
| | ۳) دو تا |
| | ۴) یکی |

۶۰- در کدام گزینه دو جناس «همسان» وجود دارد؟

- | | |
|--|----------------------------------|
| ۱) بیامد چنان تال لب هیرمند | همه دل پیر از باد و لب پر ز پند |
| ۲) مهر خوبان دل و دین از همه بی پروا برد | رخ شطرنج نببرد آنچه رخ زیبا برد |
| ۳) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد | بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد |
| ۴) روزی که جمال دلبرم دیده شود | از فرق سرم تا به قدم دیده شود |

۶۱- واژه «پرده» در همه گزینه‌ها آرایه جناس می‌سازد به جز گزینه

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) پرده مطربم از دست برون خواهد بُرد | آه اگر زانکه درین پرده نباشد بارم |
| ۲) اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن | شکر ایزد که نه در پرده پندار بماند |
| ۳) ای رود پرده ساز که راه دلم زنی | بردار پرده از رخ و ساز رباب کن |
| ۴) پرده بر چشم جهان بین مپسند | هر چه پرده است ازو دیده ببند |



فصل سوم: بدیع معنوی

حس آمیزی

همان‌طور که از نام آن برمی‌آید آمیختن دو حس از حواس پنجگانه (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) با یکدیگر را حس آمیزی می‌گویند.

با باد بوده هم‌ره، بوی تو در سحرگاه
گل‌ها شنیده بویت، خود را به باد داده
مسلم است که رایحه مربوط به حس بویایی است، ولی شاعر می‌گوید: گل‌ها بوی تو را شنیده‌اند و...
گر چه جز تلخی ایام ندید
هر چه خواهی سخنش شیرین است
در بیت فوق سه حس آمیزی وجود دارد: تلخی ایام، تلخی را دیدن و سخن‌های شیرین.
گر تو شیرین شکرلب به شکر خنده در آیی
به شکر خنده‌ی شیرین دل خلقی بربایی
خنده یا قابل دیدن است یا شنیدن صدای آن، اما بیت فوق به طعم آن اشاره دارد.

نمونه‌های دیگر:

چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم
که در خاطر نمی‌گنجد خیال ملک پرویزم
به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های رنگین
بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را
جان از سکوت سرد شب دلگیر می‌شد
دل در رکاب آرزوها پیر می‌شد

توجه: حس آمیزی‌ای که یکی از حس‌ها، لامسه (خشک، سرد، زبر، سفت، لطیف و ...) باشد، دیرپاب‌تر و دیرفهم‌تر است.
تا از مژه هر ساعت، لعل ترت افشانم
با من به سلام خشک، ای دوست زبان ترکن

نکته: توجه داشته باشید، آمدن کلماتی مانند: دیدن، شنیدن، بوییدن، نگاه کردن و انواع رنگ یا مزه و ... که مربوط به حواس پنجگانه می‌باشند، لزوماً حس آمیزی نمی‌سازند. بلکه آمیختگی دو حس ناهمگون را حس آمیزی می‌گوییم. مثلاً صفتی ناهمگون برای موصوف (جیغ بنفش) یا مضاف‌الیهی نامتعارف (گرمای سخن). در دو بیت زیر با وجود آمدن واژه‌هایی مانند «ببینم و بشنوم»، ابیات فاقد حس آمیزی هستند.

تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم
از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم
می‌داشت پدر به سوی او گوش
این قصه شنید و گشت خاموش

توجه: توجه داشته باشید در ترکیباتی مانند: «رنگ عشق، اندیشه‌ی نرم، بوی محبت، تنهایی تلخ، ایمان روشن، ترس سرد» و مواردی از این دست، در واقع ۲ حس با هم ترکیب نشده‌اند، ولی با توجه به اینکه یک حس، در جایگاه نامناسب آمده است، این گونه ترکیب‌ها را نیز حس آمیزی می‌گیریم. در این ترکیبات یکی از دو واژه اصلاً مربوط به هیچ یک از حواس پنجگانه نیست و قاعدتاً دو حس ترکیب نشده‌اند بلکه یک حس، با یک واژه انتزاعی و ذهنی ترکیب شده است.



توجه: نوع دیگری از حس آمیزی زمانی است که به جای حس، از واژه‌ای استفاده می‌شود که حس دارد: **نمک**

نگاه، قند وصال



توجه: حس آمیزی گاه در یک **واژه‌ی مرکب** ایجاد می‌شود. در بیت زیر واژه مرکب «شیرین کار» حس آمیزی دارد.

تو خود چه لعبتی ای شهسوار **شیرین کار** که در برابر چشمی و غایب از نظری



نکته: همچنین مجدد این نکته اعلام می‌شود؛ «وجود یک آرایه، منافی وجود آرایه دیگر نیست.» مثلاً واژه «شیرین سخن» **کنایه** از «خوش سخن است» و **حس آمیزی** هم دارد.

۶۲- در چند بیت از ابیات زیر «حس آمیزی» وجود دارد؟

- | | |
|---|---------------------------------|
| الف) عنایتی است ز جانان چنین غریب کرامت | ز راه گوش درآید چراغ‌های عیانی |
| ب) من تشنه صدای تو بودم که می‌سرود | در گوشم آن کلام خوش دلنواز را |
| ج) نگاری چو در چشم خرم بهاری | نگاری چو در گوش خوش داستانی |
| د) در شعله کبود نگاه تو - ای دریغ | کو آن نگاه، کو که بسوزد در آتشم |
| (۱) یک | (۲) دو |
| (۳) سه | (۴) چهار |

۶۳- در کدام بیت آرایه «حس آمیزی» به کار نرفته است؟

- | | |
|---|--|
| (۱) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود | زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت |
| (۲) تا تو را آن بو کشد سوی جانان | بوی گُل باشد دلیل گل‌بُنان |
| (۳) از این شعر تر شیرین، ز شاهنشاه عجب دارم | که سر تا پای حافظ را، چرا از زر نمی‌گیرد |
| (۴) غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود | ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است |

۶۴- کدام بیت «حس آمیزی» ندارد؟

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| (۱) آخر این ناله سوزنده اثرها دارد | شب تاریک فروزنده اثرها دارد |
| (۲) دید کز آن دل آغشته به خون | آید آهسته برون این آهنگ |
| (۳) رخ شاه کاووس پر شرم دید | سخن گفتنش با پسر نرم دید |
| (۴) گوشم شنید قصه ایمان و مست شد | کو قسم چشم؟ صورت ایمانم آرزوست |

۶۵- کدام بیت «حس آمیزی» ندارد؟

- (۱) صد میکده خون بیش کشیده است دل من
 - (۲) گر دهد باد صبا مزدهی و صلت خواجو
 - (۳) کس ندیده است آدمی زاد از تو شیرین تر سخن
 - (۴) جور تلخ است ولیکن چه کنم گر نبرم
- تا کار به رنگینی گفتار کشیده است
مشنــو کان همه چون در نگری باد هواست
شکر از پستان مادر خورده‌ای یا شیر را
چون گریز از لب شیرین شکر بار تو نیست

۶۶- کدام بیت «حس آمیزی» ندارد؟

- (۱) تشنه دیدار ساقی رونق مستی شکست
 - (۲) چنان گرم از بساط خاک بگذر
 - (۳) زهره در خویش نگنجد ز نواهای لطیف
 - (۴) شمس تبریز در آن صبح که تو درتابی
- هیچ کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید
که شمع مردم آینده باشی
همچو بلبل که شود مست ز گل فصل بهار
روز روشن شود از روی چو ماهت شب تار

۶۷- در چند بیت از ابیات زیر حس آمیزی وجود دارد؟

- الف- سحاب کشت ما صدره شکافد چشم گریانش
 - ب- عشق را بی دستگاه حسن شهرت مشکل است
 - ج- با دل سنگینت آیا هیچ در گیرد شبی
 - د- گر مکرر سخن تلخ بگوید معشوق
 - هـ- پیش روی او که آتش رنگ می‌بازد ز شرم
- که گندم یک تبسم با لب خندان شود پیدا
از زبان برگ گل، بشنو، نوای عندلیب
آه آتشناک و سوز ناله شبگیر ما
عاشق آن نیست که این نکته مسلم دارد
آینه از ساده‌لوحی می‌زند نقشی برآب

(۴) پنج

(۳) چهار

(۲) سه

(۱) دو

۶۸- در کدام بیت حس آمیزی وجود ندارد؟

- ۱- نصیحت می‌کنندم سرد گویان
 - ۲- تو خوش می‌باش با حافظ برو گو خصم، جان می‌ده
 - ۳- ز کوی یار بیار ای نسیم صبح غباری
 - ۴- چنین که از همه سو دام راه می‌بینم
- که برگرد از غمش بی روی زردی
چو گرمی از تو می‌بینم چه باک از خصم دم‌سردم
که بسوی خون دل ریش از آن تراب شنیدم
به از حمایت زلفش مرا پناهی نیست

پارادوکس (متناقض نما، تناقض)

پارادوکس **ضد و نقیض** گویی است. یعنی عبارت به گونه‌ای باشد که قسمتی از کلام، متناقض و ضدّ قسمت دیگری از کلام باشد. یا دو ویژگی متضاد، در یک مفهوم جمع شود. در مصراع دوم بیت زیر «آن بینی» متناقض «آن چه نادیدنی است» می‌باشد. یا «بسیار نقش» متناقض «ساده» است.

چشم دل باز کن که جان بینی
چيست اين سقف بلند ساده بسیار نقش

آن چه نادیدنی است، آن بینی
زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست

متناقض نما به سه صورت می‌آید: ۱- پارادوکس در جمله ۲- پارادوکس در ترکیب ۳- پارادوکس در واژه

۱- پارادوکس در جمله: خود به دو صورت می‌آید: ۱- یک جمله‌ای ۲- دو جمله‌ای

الف) یک جمله‌ای

هر گاه قسمتی از یک جمله، قسمت دیگر را نقض کند یا ضدّ قسمت دیگر باشد.

گر تو خواهی تا شوی مرد ای پسر
هیچ درمان نیست چون درد ای پسر

به پاس یک دل ابری دو چشم بارانی
پر است خلوتم از یک حضور نورانی

ب) دو جمله‌ای

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
از این باد ار مدد خواهی، چراغ دل برافروزی

باد معمولاً و قاعدتاً چراغ را خاموش می‌کند. حال آن که حافظ می‌گوید: اگر از این باد کمک بگیری، چراغ را روشن‌تر می‌کنی.

کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد
به خانه‌ی دل من آمده است مهمانی

کسی که وسعت او در جهان نمی‌گنجد، چگونه در خانه‌ای جای می‌گیرد؟

۲- پارادوکس ترکیب

پارادوکس اکثراً به صورت ترکیب وصفی «شب آفتابی» یا ترکیب اضافی «صدای سکوت» در شعر و نثر به کار می‌رود و آن آوردن دو کلمه متضاد به صورت «ترکیب اضافه شده» است.

حاصل ذوق و هنر، خون جگر بود مرا
این هم از بی‌هنری‌های هنر بود مرا

گوش مروتی کو کز ما نظر نپوشد؟
دست غریق یعنی فریاد بی‌صدایم

چنین نقل دارم ز مردان راه
فقیران مُنعم، گدایان شاه

توجه: دو کلمه متضاد اگر به هم اضافه شده باشند و به صورت «..... + ی یا ی +» آمده باشند، متناقض نما می‌سازند ولی اگر جدا از هم باشند یا معطوف باشند معمولاً آرایه تضاد می‌سازد.

روزها کار من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویش‌تنم

این چه نادیده خریدار تو باشد، زهرا
روز و شب در غم تو، ناله که عباس کند

نکته بسیار مهم: در نکته بالا باید دقت داشته باشیم که پارادوکس گاه جمع کردن دو ویژگی متضاد در یک چیز است.

به یاد کاکل پرتاب و زلف پُر چینش	دل من است که هم جمع و هم پریشان است
با من آمیزش او الفست موج است و کنار	دم به دم با من و پیوسته گریزان از من
مثال عشق پیدایی و پنهان	ندیدم همچو تو پیدا نهانی

نکته: در پارادوکس ترکیب، ممکن است بین دو کلمه متضاد، کلمه‌ی دیگری آمده باشد. در بیت زیر پارادوکس «رونق کسادی» است.

ما هیچ متاعان خجل از قدر رواجیم در کشور ما رونق بازار کسادی است

۳- پارادوکس در واژه: پارادوکس ممکن است در یک واژه مرکب باشد. مانند: خراب‌آباد، عریان‌پوش

بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم	مگر رسمیم به گنجی در این خراب‌آباد
من ملک بودم و فردوس برین جایم بود	آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم

نکته مهم: یکی از نکات قابل توجه در پارادوکس این است که پارادوکس‌ها به دلیل غیر باور بودن معمولاً با اشاره‌ای ظریف از سمت شاعر همراه هستند. چنانکه در ۳ مثال زیر مشاهده می‌کنید، خود شاعر بر غیر معمول بودن سخنش اذعان دارد.

این نکته عجب شنو از بخت واژگون	ما را بکشت یار به انفاس عیسوی
با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل	کُشت ما را و دم عیسی مریم با اوست
از خلاف آمد عادت بطلب کام که من	کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

نکته بسیار مهم: بعضی عبارات نیز ظاهراً پارادوکس دارند اما با کمی دقت درمی‌یابیم که پارادوکس ندارند. مانند این مصراع از مهدی اخوان ثالث در مورد رستم: «این برایش بسیار آسان بود»

اکنون می‌گوییم چرا این مصراع پارادوکس ندارد. دقت داشته باشید، «سخت» در اینجا قید است و معنای «بسیار» می‌دهد. در نتیجه مفهوم عبارت فوق می‌شود: «این برایش بسیار آسان بود.» و این جمله اصلاً پارادوکس ندارد. ما نیز در گفتار امروزی و عادی و معیار، از جملاتی اینگونه استفاده می‌کنیم. مثلاً می‌گوییم: سخت ورزش کردم (یعنی خیلی ورزش کردم). بد گشتم (یعنی خیلی گرسنه‌ام) یا مثلاً می‌گوییم: بد درس خوندم (یعنی خیلی درس خوندم)

توجه: این مبحث را حتماً با مبحث «تضاد» مطالعه کنید. چرا که ممکن است تضاد را اشتباهی «پارادوکس» در نظر بگیرید. پس تضاد را هم خوب یاد بگیرید تا این دو را با هم اشتباه نگیرید.

تضاد

آوردن دو واژه متضاد در یک بیت یا یک عبارت را تضاد می‌گویند.

چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا	ز روی دوست، دل دشمنان چه دریابد
نه برگش زرد گردد روز گرما	نه شاخش خشک گردد روز سرما
پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی	خانه‌ی دل ما را از گرمِ عمارت کن
نهال شوق در خاطر چو برخیزند، بنشانند	به عمیری یک نفس با ما چو بنشینند، برخیزند
روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع	این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را



توجه: آرایه تضاد ممکن است در یک فعل و حالت منفی آن رخ دهد.

از وجود قدری نام و نشان هست که هست و نه از ضعف در آن جا اثری نیست که نیست



سوال: آیا هر پارادوکسی، تضاد هم دارد؟ خیر. بسیاری از پارادوکس‌ها می‌توانند تضاد هم باشند. مانند: «ز بندگی شما صد هزارم آزادی است، عاقلِ جاهل، مستِ هشیار، کافرِ مومن و ...»، ولی ممکن است کلمات سازنده پارادوکس، با هم در تضاد نباشند. مانند: «فقیرانِ منعم، شبِ آفتابی، آتشِ سرد و ...». توجه شود که «فقیر» با «منعم» در تضاد نیست و با وجود داشتن پارادوکس، تضاد ندارد!

ممکن است دبیر ارجمندی بگوید تضاد مفهومی ایجاد کرده است. بله و این تضاد مفهومی را پارادوکس است نه تضاد! در واقع هرگاه دو کلمه‌ی متضاد به هم اضافه شوند، آن ترکیب هم تضاد دارد و هم پارادوکس. (رجوع شود به آرایه پارادوکس)

دولتِ فقر خدایا به من ارزانی دار کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

«دولت» به معنی «سعادت و خوشبختی» و «فقر» به معنی «بدبختی» است. اگر این دو جدا از هم بیایند، بیت یا عبارت، فقط تضاد دارد، اما اضافه شدن آن‌ها هم تضاد می‌سازد و هم پارادوکس.



توجه: تضاد بین دو واژه ممکن است محسوس و آشکار نباشد.

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست ای برادر **سیرت** زیبا بیار



توجه: در مراعات نظیری که دو واژه، متضاد هم باشند، آن‌ها را «تضاد» می‌گیریم نه «مراعات نظیر». (مانند «سفید و سیاه» که در اصل مراعات نظیر هستند، چون زیر مجموعه یک چیز، یعنی «رنگ» هستند).



توجه: این مبحث را حتماً با مبحث «پارادوکس» مطالعه کنید. چرا که ممکن است پارادوکس را اشتباهی «تضاد» در نظر بگیرید. پس پارادوکس را هم خوب یاد بگیرید تا این دو را با هم اشتباه نگیرید.

۶۹- شاعر در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «تناقض» بهره جسته است؟

- (الف) حلقه دام نجات است خم طره دوست
(ب) حافظ آن ساعت که این نظم پریشان می‌نوشت
(ج) بنال سعدی اگر چاره وصال نیست
(د) گرفتم سهل سوز عشق را اول، ندانستم
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷۰- در چند بیت از ابیات «تناقض» وجود دارد؟

- (الف) بی‌گناهی کم گناهی نیست در دیوان عشق
(ب) ای آفتاب خوبی در سایه دو زلفت
(ج) جمعیت حواس در آغوش بیخودی‌ست
(د) این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش را
(ه) داد آگهی ز خاصیت آب زندگی
(و) خوشا! دلی که گرفتار زلف دل‌بند است
- (۱) شش (۲) پنج (۳) چهار (۴) سه

۷۱- در کدام بیت آرایه «متناقض‌نما» دیده نمی‌شود؟

- (۱) دست شستن ز بقا آب حیات است تو را
(۲) پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند
(۳) در وادی‌ای که قدرت عجزم کمال داشت
(۴) بی ذوق عشق کار به جایی نمی‌رسد

۷۲- در کدام ابیات، آرایه «متناقض‌نما» به کار رفته است؟

- (الف) عجب مدار که در عین درد خاموشم
(ب) میان جمع، پریشان شاهی شده‌ام
(ج) باقی آن گاهی شوم کز خویشتن یابم فنا
(د) مہی که راز من از پرده آشکارا کرد
(ه) نهد به جز به خاطر ویرانه گنج عشق
(و) برخاست آهم و در خون نشست چشم
- (۱) الف - ب - د (۲) الف - ج - ه (۳) ب - د - ج (۴) ه - ج - و

۷۳- در همهٔ گزینه‌ها، به جز گزینه آرایهٔ متناقض‌نما (پارادوکس) به کار رفته است.

خرم ولایتی که تو آنجا سفر کنی
ساقی بده بشارت، رندان پارسا را
تا بدانند که سرمایهٔ سودای منی
چون چنین است پس آشفته‌ترش باید کرد

(۱) آزاد بنده‌ای که بُود در رکاب تو
(۲) خوبان پارسی‌گو بخشدگان عمرند
(۳) با سر زلف پراکنده بیا در مجمع
(۴) زلف آشفته او موجب جمعیت ماست

۷۴- آرایهٔ تضاد، در کدام بیت بیشتر است؟

مرد یزدان شو فارغ گذر از اهرمنان
پـــــراکـــــنـــــده شد نام دیوانگان
به حکم آنکه چو شد اهرمن سروش آمد
نـــــهـــــان راستی، آشکارا گزند

(۱) دامن دوست به دست آر و ز دشمن بگسل
(۲) نهان گشت آیین فرزنانگان
(۳) ز فکر تفرقه باز آی تا شوی مجموع
(۴) هنر خوار شد، جادویی ارجمند

۷۵- در همه ابیات زیر آرایه «پارادوکس» به چشم می‌خورد به جز گزینه.....

کاشف‌تگی از زلف پریشان تو دارد
تا ز مجموعهٔ آن زلف پریشان شده‌ایم
سوختن شد باعث نشو و نما این دانه را
بارها این شمع را از آب روشن کرده‌ایم

(۱) جمعیت خاطر ندهد دست، کسی را
(۲) همه اسباب پریشانی ما جمع آمد
(۳) عشق عالم سوز دل را از زمین‌گیری رهاوند
(۴) ما دماغ خشک را از باده روشن کرده‌ایم

۷۶- در کدام گزینه تناقض وجود ندارد؟

رعشهٔ پیروی مرا آگاه نتوانست کرد
چشم تردامن اگر فاش نکردی رازم
عید را در شهر ما رسم مبارک‌باد نیست
غم تو شادی من شد که شادمان بادی

(۱) از تزلزل بیش محکم شد بنای غفتم
(۲) سر سودای تو در سینه بماندی پنهان
(۳) تهنیت جز در مصیبت پیش ما عیب است عیب
(۴) به رغم آنکه مرا در غم تو طعنه زنند

۷۷- در همهٔ ابیات، به جز بیت آرایهٔ «متناقض‌نما» مشهود است.

که هرگز نشد بتوان گفت این چه بیداد است
که خار دشت محبت گل است و ریحان است
که دوستی و ارادت هزار چندان است
که به کفر سر زلفت نبود ایمانش

(۱) فغان که داد ز دست ستمگری است مرا
(۲) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
(۳) هزار سختی اگر بر من آید آسان است
(۴) در ره عشق مسلمان نتوان گفت او را

۷۸- در کدام گزینه آرایهٔ تضاد بیش‌تر است؟

آن را که فلک زهر جدایی بچشانند
از مستی‌اش رمزی بگو، تا ترک هشیاری کند
ای لب شیرین، جواب تلخ سر بالا چرا؟
منع جوان و سرزنش پیر می‌کنند

(۱) شیرین ننماید به دهانش شکر وصل
(۲) پشمینه‌پوش تندخو، از عشق نشنیده است بو
(۳) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
(۴) ناموس عشق و رونق عشاق می‌برند

حُسن تعلیل

حُسن تعلیل به معنای زیبایی علت و آوردن دلیلی غیر واقعی و ادبی است. و آن هنگامی است که شاعر یا نویسنده برای یک موضوع، دلیلی غیر منطقی و خیال‌انگیز بیاورد.

به این داستان تخیلی توجه کنید: سعدی در محفلی از زیبارویان تعریف می‌کرده و حُسن آن‌ها را می‌گفته و بنا به دلایلی از معشوقش تعریف نکرده. بعد از آن، معشوق سعدی از سعدی، گله و شکایت کرده است که چرا وقتی از خوبرویان تعریف می‌کرده، از او چیزی نگفته است؟ سعدی هم متوجه شده اشتباه بزرگی کرده است، لذا با بیت زیر قضیه را ماست‌مالی و توجیه کرده است!

نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم همه بر سر زبانند و تو در میان جانی
بیت فوق حُسن تعلیل دارد. زیرا دلیل واقعی آن چیزی نیست که شاعر گفته است.
شاعر در بیت زیر علت باریدن باران را، بدعه‌دی روزگار می‌داند.

رسم بدعه‌دی آیام چو دید ابر بهار گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد

نکته: با توجه به این که حُسن تعلیل، معمولاً با آوردن علت همراه است، بهتر است حروف تعلیل و سبب و علت را بشناسیم. معمولاً ابیاتی که این حروف را داشته باشند، حُسن تعلیل نیز دارند. «که، از، ز، از آن، زان، تا، چون و ...» اگر به معنای «به این دلیل که، زیرا که، چون که، به خاطر این که ...» باشند، معمولاً حسن تعلیل می‌سازند. واژگان «علت»، «سبب» و «دلیل» نیز همین‌طورند و اگر در بیتی بیایند، به احتمال زیاد حُسن تعلیل خواهند ساخت.

پسته دهان بسته زان بود که ندارد خوبی و شیرینی دهان که تو داری
پسته «به این دلیل» دهان بسته است که مانند تو خوب و شیرین زبان نیست.
از آن مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته است
مرد دانا «به این سبب» ساکت است و دهانش را بسته است که می‌بیند شمع، به سبب باز شدن دهانش و سوختن زبانش (فتیله‌اش) می‌سوزد.

تا چشم تو ریخت خون عشاق زلف تو گرفت رنگ ماتم
«به این دلیل» است زلف تو سیاه است که در ماتم کشته شدگان چشم تو نشسته است.
خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده که اندر خاک می‌جویند آیام جوانی را
پیران «به آن سبب» خمیده قامت گشته‌اند که در خاک در جست‌وجوی جوانی هستند.
عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت که چندین گل‌اندام در خاک خفت
«به این دلیل که» انسان‌های گل‌اندام در خاک دفن شده‌اند، از خاک گل می‌روید.
تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دل‌بند
«به خاطر این که» چشم بشر، رویت را نبیند، چهره‌ات را در ابرها فرو برده‌ای.



توجه: گاه حسن تعلیل پاسخ خیال‌انگیز به یک سؤال است. (سؤال و تعجب)

خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گرید	ور نه این شط روان چیست که در بغداد است؟
گفتم این سلسله زلف بُتان از پی چیست؟	گفت حافظ گِل‌های از دل شیدا می‌کرد
هیچ دانی ز چه دامان فلک پُرگهر است؟	خواست هر صبح به پای تو نثاری بکند
دانی چرا در سیر خود بر خویش می‌لرزد قلم؟	ترسد که ظلمی را زند، در حقّ مظلومی رقم



توجه: حسن تعلیل گاه در ۲ بیت موقوف المعانی شکل می‌گیرد.

من موی خویش را نه از آن می‌کنم سیاه	تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیه کنند	من موی از مصیبت پی‌ری کنم سیاه
هنگام سپیده‌دم خروس سحری	دانی ز چه رو کند همی نوحه‌گری؟
یعنی که نمودند در آینه صبح	از عمر شبی گذشت و تو بی‌خبری

چند بیت دیگر:

در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است	زان رو عنان‌گسسته دواند سوار عمر
ماه از اثر مهر رخت یافت نشانی	زان روی جهانی به جمالش نگران است
من دگر شعر نخواهم که نویسم که مگس	زحمت می‌دهد از بس که سخن شیرین است
گر شاهدان نه دُئی و دین می‌برند و عقل	پس زاهدان برای چه خلوت گزیده‌اند؟!
بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد	حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی



توجه: حُسن تعلیل به معنای زیبابودن علت است. پس هر علتی نمی‌تواند حُسن تعلیل باشد. مثلاً در بیت زیر

علت کاری بیان شده، ولی چون علت زیبا و ادبی نیست و دلیل آورده‌شده منطقی است، حُسن تعلیل ندارد.

هدیه‌ها می‌داد هر درویش را	تا بیابد نطق مرغ خویش را
----------------------------	--------------------------



توجه: حروف «که، از، چون و ...» ممکن است معنای تعلیل نداشته باشند.

۷۹- در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «حسن تعلیل» استفاده شده است؟

- | | |
|--------------------------------------|---------|
| الف) چون تو در بستان برافکندی نقاب | ۱) دو |
| ب) دامن خورشید شب‌نم از سحرخیزی گرفت | ۲) سه |
| ج) عشق دارد در لباس شرم پنهان حسن را | ۳) چهار |
| د) گوهر از سفتن بود ایمن در آغوش صدف | ۴) پنج |
| ه) چشم پوشیدن به است از دیدن نادیدنی | |

۸۰- کدام بیت «حسن تعلیل» دارد؟

- | |
|---------------------------------------|
| ۱) گر زانکه نرنجیده‌ای از ما به خطایی |
| ۲) عاشقان را سختی آیام سنگ راه نیست |
| ۳) نازنین‌تر می‌شوی هر روز از روز دگر |
| ۴) جنبش سرو تو پنداری کز باد صباست |

۸۱- در کدام گزینه شاعر از آرایه «حسن تعلیل» سود نبرده است؟

- | |
|--|
| ۱) خورشید سوی مشرق از آن راه گم نکرد |
| ۲) چو سرو از راستی برزد علم را |
| ۳) ماهم این هفته برون رفت و به چشمم سالی است |
| ۴) زان رو به کوی دوست گذارم نمی‌فتد |

۸۲- در کدام گزینه «حسن تعلیل» وجود ندارد؟

- | |
|--|
| ۱) ز کعبه داغ سبایی چرا نمی‌افتد |
| ۲) بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند |
| ۳) بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید |
| ۴) خبر چشم تر من که رسانید به ابر |

۸۳- در همه‌ی ابیات آرایه «حسن تعلیل» وجود دارد به جز گزینه‌ی

- | |
|---|
| ۱) که اگر با تو رود شرمش از آن ساق آید |
| ۲) شاه و گدا به دیده‌ی دریادلان یکی است |
| ۳) از دلم افتاده اخگرش به گریبان |
| ۴) گل بر رخ رنگین تو تا لطف عرق دید |

۸۴- در کدام گزینه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟

- (۱) دانی چرا چون ابر شد در عشق چشم عاشقان
- (۲) سیل در هامون صدا در کوه می‌دانی چه بود؟
- (۳) کس در جهان ندارد، یک بنده هم‌چو حافظ
- (۴) اختران نور مهر در دزدند

۸۵- در همه بیت‌ها به جز گزینه «حسن تعلیل» به کار رفته است.

- (۱) من که باشم که من بی قدر یاد آورده‌ای
- (۲) به پیش دست سخی تو از خجالت و شرم
- (۳) خون دل مشتاقان خورده است لب لعلت
- (۴) سایه سرو سهی گر بر زمینی کج فتد

۸۶- در کدام بیت حسن تعلیل وجود دارد؟

- (۱) هر پارسا را کان صنم در پیش مسجد بگذرد
- (۲) گرم به گوشه چشمی شکسته وار بینی
- (۳) نکنند میل دل من به تماشای چمن
- (۴) چون جگر عاشقان می‌خورد این شب به ظلم

۸۷- در کدام ابیات حسن تعلیل وجود دارد؟

- الف- من از این بند نخواهم به در آمد همه عمر
- ب- گل‌ها همه به هرزه گریبان دریده‌اند
- ج- تان نه تاریک بود سایه‌ی انبوه درخت
- د- مرا جفا و وفای تو پیش یکسان است

(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) الف - د (۴) ب - ج

۸۸- در چند بیت از ابیات زیر حسن تعلیل وجود دارد؟

- الف - اشک غماز من از سرخ بر آمد چه عجب
- ب- همه کس را مگر این ذوق نباشد که مرا
- ج- گر باد شکوه تو بر چرخ نرفتستی
- د- از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند
- ه- محبت با کسی دارم کز او با خود نمی‌آیم

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

اسلوب معادله

هر گاه شاعر برای تأکید و زیبایی‌آفرینی، مفهوم یک مصراع را با حالتی تشبیهی، در مصراع دیگر بیان کند. در اسلوب معادله دو مصراع از نظر معنایی و مفهومی کامل و مستقل می‌باشند ولی آنچنان شباهتی بین آن دو است که می‌توان بین دو مصراع علامت مساوی (=) قرار داد یا جای دو مصراع را عوض کرد یا بین آن‌ها لفظ «همان‌طور که» قرار داد.

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست
جای چشم ابرو نگیرد گر چه او بالاتر است
دود اگر چه بالاتر از آتش می‌ایستد اما از آتش ارزشمندتر نیست. «همان‌طور که» ابرو از چشم بالاتر قرار دارد ولی از چشم بالارزش‌تر نیست.

بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود
پسته‌ی بی‌مغز چون لب وا کند رسوا شود
بی‌کمالی و کم‌ارزش بودن انسان‌ها از طرز سخن گفتن آن‌ها مشخص می‌شود «همان‌طور که» بی‌مغزی و پوچ بودن پسته با باز شدن دهان آن معلوم می‌شود.

عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود
موی اندر شیر خالص زود پیدا می‌شود
عیب و کار زشت انسان‌های خوب، خیلی زود برای دیگران مشخص می‌شود «همان‌طور که» مو، در شیر بسیار زود پیدا می‌شود.



توجه: مصراع دوم در اسلوب معادله، قابل فهم‌تر و محسوس‌تر است. در واقع شاعر بر مبنای تشبیه، مصراع دوم را می‌آورد که مصراع اول بهتر فهمیده شود.

حسن بیان مجوی ز ما دلشکستگان
از کاسه‌ی شکسته نخیزد صدا، درست
شاعر در مصراع اول مفهومی ذهنی را بیان می‌کند و می‌گوید از مایی که دلشکسته‌ایم، زیبایی گفتار انتظار نداشته باش. این موضوع و مفهوم به راحتی قابل درک و فهم نیست، لذا شاعر مثالی عینی می‌آورد تا مفهوم و منظور خود را برساند و می‌گوید: همان‌طور که کاسه و چینی و شیشه‌ای که ترک داشته باشد، صدای ضربه‌ای که به آن می‌خورد را به خوبی انعکاس نمی‌دهد.



توجه: اسلوب معادله بر پایه تشبیه مرکب است. لذا در هر مصراع حداقل دو واژه وجود دارد که با دو واژه در مصراع دیگر تشابه و تناسب دارد.

عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را	دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
صائب مجو کدورت خاطر ز عارفان	غیر از صفای وقت، در آینه‌خانه نیست
ریشه نخل کهن‌سال از جوان افزون‌تر است	بیشتر دلبستگی باشد به دنیا پیر را
مرا کیفیت چشم تو کافی است	ریاضت‌کش به بادامی بسازد
روشن‌دلان خوش‌آمد شاهان نگفته‌اند	آینه عیب‌پوش سکندر نمی‌شود

نکته: در اسلوب معادله شاعر یک حکم کلی صادر می‌کند و ما می‌توانیم بگوییم «درست است یا غلط است و یا بگوییم چطور و چرا» و در مصراع دوم شاعر بر پایه‌ی تشبیه، دلیلی تأکیدی یا تمثیلی می‌آورد تا آن را قبول کنیم یا مطلب برای ما جا بیفتد.

اشک ندامت است سیه‌کار را فزون	(چرا؟)	در تیرگی زیاده بُود ریزش سحاب
ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را؟	(چرا؟)	ز قحط‌سال، هم‌ا بینوا نخواهد شد
شراب گرد گُذورت نبرد از دل ما	(برای چه)	چو دانه سوخته باشد چه از سحاب آید؟
قطع امید کرده نخواهد نعیم دهر	(چرا؟)	شاخ بریده را نظری بر بهار نیست
آدمی پی‌ر چو شد حرص جوان می‌گردد	(چرا؟)	خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد
صورت نبست در دل ما کینه‌ی کسی	(چطور؟)	آینه هر چه دید فراموش می‌کند

سوال: آیا بیت زیر اسلوب معادله دارد؟

بی‌تردد دامن روزی نمی‌آید به دست
می‌کند با کاهلان این نکته تلقین آسیا

جواب: خیر. زیرا مصراع دوم مستقل نیست و صریحا به مصراع اول اشاره دارد. مثلا اگر مصراع دوم اینگونه بود، اسلوب معادله داشت: «آسیا خون می‌خورد تا گندمی حاصل کند»

نکته بسیار مهم: مستقل بودن معنای هر مصراع یکی از شرایط اسلوب معادله است و مشخص است آنچه که لازم است، کافی نیست. یعنی فقط با همین مورد ممکن است بیت اسلوب معادله نداشته باشد. چنانچه بیت زیر در هر مصراع استقلال معنایی دارد، ولی اسلوب معادله ندارد زیرا مصراع دوم حالت تأکیدی و تشبیهی از مصراع اول نیست.

دل در طلب خنده شیرین تو خون شد جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد

***نکته بسیار مهم:** در پایان ابیاتی که اسلوب معادله دارند، معمولاً یا «فعل اسنادی وجود» دارد یا حرف «را»

۸۹- شاعر در چند بیت از ابیات داده شده از آرایه «اسلوب معادله» بهره جسته است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| (الف) برنیاید شعله را از سر هوای سرکشی | نفس چون از دل برآرد ریشه حُبّ جاه را؟ |
| (ب) فربهی از خوان مردم رنج باریک آورد | کرد نور عاریت آخر هلالی ماه را |
| (ج) از جدایی، قطع پیوند خدایی مشکل است | گر شود سی پاره، از هم کی شود قرآن جدا |
| (د) عاشقان از درد و داغ عشق صائب زنده‌اند | آب حیوان است آتش مرغ آتشخوار را |
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹۰- کدام بیت فاقد «اسلوب معادله» است؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| (۱) ز خوی تند نتوان روی‌گردان گشت از خوبان | به زخم خار نتوان داد از کف دامن گل را |
| (۲) سخت‌تر گردد گره، هرگاه صائب تر شود | باده هیئات است بگشاید دل غم دیده را |
| (۳) ندارد آب‌های تیره به ز استادگی صیقل | مده در گفتگو از دست، دامن تأمل را |
| (۴) محتسب از عاجزی دست سبوی باده بست | بشکند دستی که دست مردم افتاده بست! |

۹۱- در همه ی گزینه ها به جز گزینه ی..... اسلوب معادله و تضاد به کار رفته است.

- | | |
|---|---------------------------------|
| (۱) صاحب نظر نباشد در بند نیک نامی | خاصان خبر ندارند از گفتگوی عامی |
| (۲) فزود آتش من آب را خبر بدهید | اسیر می بردم غم ز کافرم بخرید |
| (۳) دل من نه مرد آن است که با غمش برآید | مگسی کجا تواند که برافکند عقابی |
| (۴) تا رنج تحمل نکنی گنج نبینی | تا شب نرود صبح پدیدار نباشد |

۹۲- در کدام بیت «اسلوب معادله» به کار نرفته است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) دل به آسانی ز مژگان بتان نتوان گرفت | طعمه از سرپنجه شیران کشیدن مشکل است |
| (۲) هر که دل پیش دلبری دارد | ریش در دست دیگری دارد |
| (۳) شاهد پاکی طینت سخن ما کافی است | جوهر ذاتی چینی ز صدا معلوم است |
| (۴) اقبال خصم هر چه فزون تر شود نکوست | فواره چون بلند شود سرنگون شود |

۹۳- در کدام بیت آرایه «اسلوب معادله» به کار نرفته است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را | سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را |
| (۲) دلی که نیست خراشی در او، زمین‌گیر است | زری که سگه ندارد روان نمی‌باشد |
| (۳) چه شد که از همه جا بوی درد می‌آید | ز هر که می‌شنوم آه سرد می‌آید |
| (۴) پختگی را سبب اندوه شب هجران است | تا بر آتش ننهی خامی اسپند به جاست |

۹۴- در چند بیت از ابیات زیر اسلوب معادله وجود دارد؟

- (الف) دخیل بی جا ندهد غیر خجالت اثری
(ب) به زندان قفس مرغ دلم چون شاد می‌گردد
(ج) تنها نه آن غزالش جمعی سگان گرفتند
(د) جان می‌دهم نهفته که دل پی نمی‌برد
(هـ) دل رمیده به تدبیر بر نمی‌گردد
(و) بعد از این در عوض اشک، دل آید بیرون
- (۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

پروانه را خنک نشود دل ز ماهتاب
غربال را ز کثرت حاصل چه فایده
شعله را زود نشانند به خاکستر خویش
لب به دندان می‌گزم اکنون که دندانم نماند

۹۵- در کدام گزینه اسلوب معادله وجود ندارد؟

- (۱) از موجه سراب شود بیش تشنگی
(۲) سیری ز مال نیست تهی چشم حرص را
(۳) سرکشان را فکند تیغ مکافات از پای
(۴) از پشیمانی سخن در عهد پیروی می‌زنم

که حریف او شدستم که در ستم بیستم
چو ماه روزه به پایان رسید عید شود
چون گدا کور شود، برگ و نوایی دارد
گنج در ویرانه‌ها می‌باشد و گوهر در آب

۹۶- در کدام گزینه اسلوب معادله وجود ندارد؟

- (۱) نه غم و نه غم پرستم ز غم زمانه رستم
(۲) چو غوره رست ز خامی خویش شد شیرین
(۳) دیده بستن ز جهان فیض و گشایش دارد
(۴) پاس دل‌های خراب و چشم اشک‌آلوده دار

برگ‌ها را می‌کند باد خزان از هم جدا
ز خود برآمده را نردبان نمی‌باید
در دگان به چه رونق بگشاید عطار
از کاسه پر، صدا نیاید بیرون
پُر نشود همچنان که چاه به شب‌نم

۹۷- در چند بیت از ابیات زیر اسلوب معادله وجود دارد؟

- (الف) می‌شوند از سرد مهری دوستان از هم جدا
(ب) چه حاجت است به تحصیل علم عارف را
(ج) باد بوی سمن آورد و گل و نرگس و بید
(د) آن را که بود مغز و خرد خاموش است
(هـ) دیده‌ی اهل طمع به نعمت دنیا

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

ایهام

هرگاه شاعر یا نویسنده یک واژه و یا عبارت را به گونه‌ای به کار ببرد که دو یا چند معنای قابل قبول از آن برداشت شود. توجه شود که در ایهام باید هر دو معنی قابل قبول باشند و هیچ کدام از دو معنی لطمه‌ای به معنای شعر وارد نکند.

ز گریه مردم چشمم نشسته بر خون است بین که در طلبت حال مردمان چون است؟
مردمان: ۱- انسان‌ها (بین حال انسان‌ها برای رسیدن به تو چگونه است؟) ۲- مردمک‌ها (بین حال مردمک‌هایم برای رسیدن به تو چگونه است؟)

بر بوی سر زلف تو چون عود بر آتش می‌سوزم و می‌سازم و باد است به دستم
بوی: ۱- رایحه (با رایحه‌ی سر زلف تو... می‌سوزم) ۲- امید (بر امید سر زلف تو... می‌سوزم)
اگر دو چشم تو مست مدام خواهد بود خروش و مستی ما بر دوام خواهد بود
مدام: ۱- پیوسته (اگر دو چشم تو، پیوسته مست خواهد بود...) ۲- شراب (اگر دو چشم تو، مست شراب خواهد بود...)
خانه زندان است و تنهایی ضلال هر که چون سعدی گلستانیش نیست
گلستان: ۱- هر که مانند سعدی گلستان و باغی ندارد ۲- هر که مانند سعدی اثری مثل گلستان ندارد
ای دمت عیسی، دم از دوری مزن من غلام آن که دوراندیش نیست
دوراندیش: ۱- من کسی را دوست دارم که آگاه و آینده‌نگر نیست. ۲- من کسی را دوست دارم که به دوری فکر نمی‌کند.



توجه: گاه ایهام بسیار هنرمندانه است و یک کلمه بیش از دو معنا می‌دهد.

امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد
خواب شیرین: ۱- خوابی خوش ۲- خواب شیرین را دیدن (نام معشوقه‌اش) ۳- خواب شیرین کنایه از مرگ!



توجه: گاه یک کلمه بسیار ساده می‌تواند ایهام داشته باشد. مانند واژه‌ی «نگران» یا عبارت «دور از تو»
مرغ دل باز هوادار کمان ابروی است ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
نگران: ۱- ناراحت ۲- نگاه‌کنان

چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه دور از تو مرا چهره زردی است
دور از تو: ۱ دور از وجود تو، در فراق تو ۲ دور از جان تو



نکته مهم: بعضی از ایهام‌ها مربوط به اسم شاعر یا تخلص شعری آن‌هاست. سعی کنید شاعران مطرح در این زمینه را بشناسید.

عهد کردی که گشی فرصت خود را روزی فرصت ار یافتی، آن عهد فراموش نکن
عهد: ۱- پیمان (اگر فرصت یافتی آن پیمان را فراموش نکن) ۲- روزگار (اگر فرصت یافتی آن روزگار را فراموش نکن)
فرصت در این بیت تخلص شاعر است (فرصت شیرازی) و ایهام دارد. ۱- اگر فرصت (زمان) یافتی ۲- اگر فرصت (شاعر) را یافتی



توجه: مبحث «ایهام» را حتماً با مبحث «ایهام تناسب» مطالعه کنید. چرا که ممکن است آن‌ها را با هم اشتباه بگیرید.

ایهام تناسب

هرگاه شاعر واژه‌ای را به گونه‌ای به کار ببرد که یک معنای آن قابل قبول و معنای دیگر آن با کلمه یا کلماتی در بیت فقط ارتباط و تناسب معنایی داشته باشد. (امیدوارم بوی غذا به مشامش برسد.)

گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟
اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
روی: ۱- چهره ۲- فلز روی ۳- بالای

مسلم است که منظور فقط معنای اول (چهره) است و معنای دوم فقط با کلماتی مثل مس و زر تناسب معنایی دارد.
چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب
مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم
مهر دو معنا دارد: ۱- عشق ۲- خورشید. از این دو معنا فقط معنای اول در شعر قابل قبول است: «عشق من را به بلندی رساند» قابل قبول و «خورشید من را به بلندی رساند» غیرقابل قبول. اما معنای دوم با کلماتی مانند آفتاب و عیوق (که ستاره‌ای در بلندی‌هاست) تناسب معنایی دارد. این گونه ایهام را ایهام تناسب می‌گوییم.

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد
ز آن زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
آیت: ۱- نشانه ۲- آیه (جزئی از قرآن). مسلم است که فقط معنای اول آن به کار شعر می‌آید و معنای دوم آن با واژه تفسیر فقط تناسب معنایی دارد.

گر هزار است بلبل این باغ
همه را نغمه و ترانه یکی است
هزار: ۱- عدد ۱۰۰۰ ۲- بلبل و عندلیب (پرنده‌ای خوش‌آوا). مسلم است که فقط معنای اول آن به کار شعر می‌آید و معنای دوم آن با واژه‌ها «بلبل، نغمه و ترانه» فقط تناسب معنایی دارد.

چرا ملامت خواجو کنی که چون فرهاد
به پای دوست درافکند جان شیرین را؟
جان شیرین می‌تواند دو معنا داشته باشد: ۱- جان ارزشمند ۲- جان شیرین معشوقه فرهاد. مسلم است که فرهاد جان معشوقه‌اش را به پای کسی نمی‌افکند و در این بیت «جان شیرین» به معنی «جان عزیز و گرانقدر» است. اما شیرین در این معنی نام شیرین، با خود فرهاد تناسب دارد. لذا این ایهام را «ایهام تناسب» می‌گویند.

چنان سایه گسترده بر عالمی
که زالی نیندیشد از رستمی
زال: ۱- پیر و ناتوان ۲- پدر رستم

آن چنان امنیتی در جهان به وجود آورد که هیچ شخص ناتوانی از هیچ شخص نیرومندی - حتی رستم - نترسد.

نکته: بسیاری از اسامی در ابیات ایهام تناسب ایجاد می‌کنند. اسامی همچون: خسرو، شیرین، زال و ...

نکته: در دریافت آرایه ایهام، اصلی‌ترین تبحر، دانستن معنی کلمات است. وقتی به معنی کلمات صفحه بعد دقت کنید، متوجه می‌شوید چرا نمی‌توانستید تست‌های ایهام و ایهام تناسب را درست جواب بدهید. چون بسیاری از این معانی را نمی‌دانید. و جالب اینجاست که همه‌ی این واژگان، به صورت ایهام یا ایهام تناسب، در کنکور آمده‌اند. پس این واژگان را به خاطر بسپارید.

واژگانی که قابلیت ایهام دارند.

این واژگان برای مبحث جناس تام نیز بسیار مهم هستند.

واژه	معانی	واژه	معانی
یکی از معانی واژگان زیر مربوط به اصطلاحات موسیقی است!			
چنگ	چنگ دست، نام ابزار موسیقی	قانون	اساس و قاعده، نام ابزار موسیقی
رود	رودخانه، فرزند، ابزار موسیقی	راه	طریق و راه، اصطلاح موسیقی
نوا	ساز و برگ و دارایی، اصطلاح موسیقی	مخالف	غیر موافق، اصطلاح موسیقی
آهنگ	قصد و نیت انجام کاری، نغمه و صدا	تار	تاریک، رشته مو، نام ابزار موسیقی
پرده	حجاب و پرده، اصطلاح موسیقی	گوشه	کُنچ، اصطلاح موسیقی
شور	طعم شور، هیجان، اصطلاح موسیقی	عود	چوبی خوش‌بو، نام ابزار موسیقی
عشاق	عاشقان، اصطلاح موسیقی	زدن	ضربه‌زدن، نواختن ساز
بغداد	نام کشور، اصطلاح موسیقی	حجاز	نام سرزمینی، اصطلاح موسیقی
یکی از معانی واژگان زیر مربوط به اعضای بدن است!			
رخ	مهره شطرنج، عضو بدن	قلب	قسمتی از لشکر و سپاه، قلبی، عضو بدن
عین	مثل و مانند، عضو بدن (چشم)	روی	بالا، فلز روی، عضو بدن
مردم	مردم و انسان‌ها، عضو بدن (مردمک‌ها)	کام	آرزو، عضو بدن (دهان)
کنار	ساحل، عضو بدن (آغوش)	شانه	ابزار آرایشگری، عضو بدن (کتف و دوش)
بالا	جهت بالا، قد و قامت	دوش	دیشب، عضو بدن
روان	جاری، روح و جان	دل‌سیه	ظالم، آنچه مرکز سیه دارد (مانند چشم)
یکی از معانی واژگان زیر مربوط به حیوانات است!			
هزار	بلبل و هزار دستان، عدد ۱۰۰۰	آهو	آهو، عیب و نقص
پروانه	حشره پروانه، جواز و اجازه	گور	گورخر، قبر
باز	پرنده شکاری و شاهین، دوباره، باز	بوم	جغد، آشیانه و سرزمین
یکی از معانی واژگان زیر مربوط به افعال و مصدرها است!			
نهاد	سرشت و ضمیر و باطن، فعل ماضی از «نهادن»	منال	اموال دنیوی، فعل نهی از مصدر «تالیدن»
داد	عدل و داد، فعل ماضی از مصدر «دادن»	مال	دارایی، فعل امر از مصدر «مالیدن»
زاد	توشه، فعل ماضی از مصدر «زادن»	باد	جریان هوا، فعل دعایی «باشد»
بهشت	جنت و فردوس، فعل ماضی از مصدر «هشتن»	نوش	شهد و غسل، فعل امر از مصدر «نوشیدن»
پری	موجود زیبا روی، فعل مضارع التزامی بدون بـ	گرفت	دلگیر شدن، فعل ماضی از مصدر «گرفتن»
یکی از معانی واژگان زیر مربوط به نام افراد است!			
مالک دینار	صاحب ثروت، نام شخصیتی	حلاج	پنجه‌زن، منصور حلاج
شیرین	طعم شیرین، نام زنی	خلیل	دوست، حضرت ابراهیم

شکر	ماده شیرین و خوراکی، نام زنی (هووی شیرین)	مخفی	پوشیده و پنهان، تخلص شاعر «زین النساء»
خسرو	پادشاه، خسرو پرویز	شهریار	پادشاه، تخلص شاعر؛ بهجت تبریزی
مجنون	دیوانه، نام شخصیت قیس بن بنی عامر	خموش	ساکت و خاموش، تخلص مولانا
ضحاک	خنده‌رو، شخصیتی در شاهنامه	بهایی	دارای ارزش، شیخ بهایی
عزیز	دوست‌داشتنی، منصبی دولتی در مصر باستان	زال	پیر و ناتوان، پدر رستم
مهر و وفا	مهر و وفا و محبت، نام دو عاشق و معشوق	دستان	مکر و فریب، دست‌ها، پدر رستم
یکی از معانی واژگان زیر مربوط به نام مکان و محلی خاص است!			
چین	چین و چروک و شکن، کشور چین	صفا	صفا، نام محلی
شام	وعده غذایی، شب، کشور سوریه	بهشت	رها کرد (فعل ماضی از مصدر هشتن)، جنت
مصر	شهر، کشور مصر	گلستان	گلستان سعدی، باغ و بستان
برای دیگر کلمات نیز می‌توان نظم و ترتیبی مشخص کرد.			
مثلاً ۴ واژه زیر ارتباطی با اصطلاحات شعری دارند. ۲ واژه بعد با شراب و ...			
همین‌طور تا آخر می‌توان ارتباطی بین واژگان ایجاد کرد و آن‌ها را دسته‌بندی کرد تا بهتر حفظ بشوند.			
بیت	بیت شعر، خانه، چهارچوب در (دو لنگه در)	سپید	رنگ سپید، شعر سپید
مصراع	مصراع بیت، یک لنگه در	بی‌وزن	کم‌وزن، کم‌ارزش، بدون وزن شعری
مُدام	شراب، پیوسته	راح	شراب، شادمانی
دُور	دُور و اطراف، روزگار و آیم	عهد	پیمان و میثاق، روزگار و آیم گذشته
راست	مخالف چپ، درست و دقیق، را است	چپ	سمت چپ، چپکی و چپول
شفا	درمان، نام کتابی از ابن سینا	اشارات	اشاره‌ها، نام کتابی از ابن سینا
بوی	رایحه، امید و آرزو	دستور	دستور و فرمان، وزیر
دم	نفس، خون، لحظه	قدر	تقدیر، قدر و ارزش و انداز و مقدار
دار	چوبه‌ی دار، درخت	خطر	خطرناک، ارزشمند
آب	مایع نوشیدنی، آبرو و رونق و اعتبار	باب	در، موضوع (باب‌های بوستان و گلستان)
مشتري	خریدار، سیاره مشتری	آیت	آیه، نشانه
قلم	ابزار نوشتن، شکسته (مانند پای قلم شده)	صبر	شکیبایی، گیاهی تلخ
سو	سمت و جهت، نور و روشنایی و بینایی	هوا	باد هوا، میل و خواسته (تمایل)
لاله	نام گل، نام چراغ	از نو	دوباره، از نگاه شعر نو
مهر	عشق، خورشید	مات	مبهوت شدن، باختن در شطرنج
قربان	قربانی، وسیله جنگی	خویش	خود و خویشان، اقوام
از نظر افتادن	از چشم افتادن، بی‌اعتبار شدن	دور از تو	در فراق تو، دور از جان تو

نکته بسیار مهم: نباید فکر کنیم که این کلمات حتماً ایهام یا ایهام تناسب می‌شوند. این کلمات دقیقاً می‌توانند **تله‌ی کنکوری** باشند و ایهام یا ایهام تناسب نسازند. **در کل کلمات فوق سه حالت دارند:** ممکن است ایهام داشته باشند. (به بوی سر زلف تو در تلاشم.) ممکن است ایهام تناسب داشته باشند. (امیدوارم بوی غذا به مشامش برسد.) و ممکن است نه ایهام داشته باشند و **نه ایهام تناسب**. (بوی غذای مادر در خانه پیچیده است.). این واژه‌ها را به این دلیل یاد می‌گیریم که در **اغلب موارد** این‌ها ایهام یا ایهام تناسب می‌سازند. در واقع اول این واژه‌ها را در بیت **بررسی** می‌کنیم.



توجه: اگر این کلمات ۲ بار بیایند، به جز بحث بودن یا نبودن ایهام، **بحث جناس تام** نیز مطرح می‌شود. و بحث جناس تام، بدون شک بحث آرایه تکرار را در پی دارد.

نکته بسیار مهم: این نکته را با سوال مطرح می‌کم: آرایه مزاحم چیست؟

این اصطلاح را بنده ساختم. سعی کنید خوب این نکته را یاد بگیرید. کلاً هر آرایه‌ای یک **آرایه‌ی مزاحم** دارد و ممکن است که ما آن‌ها را با هم اشتباه بگیریم. مثلاً ایهام را با ایهام تناسب و جناس تام را با تکرار و تضاد را با پارادوکس و تلمیح را با تضمین و اضافه تشبیهی را با اضافه استعاری و ... این موارد دقیقاً باب میل طراحان سوال است. یعنی اگر سوال در مورد پارادوکس باشد، شک نکنید که در گزینه‌های دیگر، تضاد به عنوان تله‌ی کنکوری خواهد آمد. یا اگر سوال در مورد جناس تام باشد، در گزینه‌های غیر جواب، حتماً آرایه تکرار را خواهید داشت. اگر سوال تلمیح باشد، تضمین را خواهید داشت و همین‌طور باقی موارد و برعکس آن‌ها. در واقع شما باید تله هر مبحث را بشناسید. گاه تله‌ی یک آرایه، آرایه دیگر نیست و تله به نحو دیگری به کار می‌رود. مثلاً در صورت سوال حس‌آمیزی داریم و در ابیات حتماً از حواس پنجگانه استفاده می‌شود ولی بدون حس‌آمیزی. یا اغراق را در صورت سوال داریم و با ابیاتی روبه‌رو می‌شویم که اعداد بزرگ بدون اغراق در آن‌ها به کار رفته است. یا حرف تعلیل داریم ولی حسن تعلیل نداریم یا «چون» و دیگر ادات تشبیه را داریم ولی تشبیه به کار نرفته است. و در حالت ظریف‌تر آن بیتی داریم که هر مصرع آن مستقل است ولی اسلوب معادله نیست. و تیر خلاص این تله‌های کنکوری زمانی است که طراحان از واژگان متداول یک آرایه استفاده می‌کند به نحوی که آن آرایه در آن واژه وجود نداشته باشد. مثلاً همین واژگان ایهام را در ابیاتی می‌آورد که ایهام نباشند. یا واژگان متداول استعاره یا مجاز را در معنای حقیقی می‌آورد. در واقع نکات کنکور هر چند بسیار مفید و ارزشمند هستند اما شما را تا درصدی از راه می‌برند و آنچه که شما را رستگار خواهد کرد **بار علمی بالای** شماست!



توجه: ایهام از مهمترین آرایه‌های کنکوری است و بدون شک از سوالات اصلی کنکور است. در اهمیت ایهام، همین نکته را بگویم که در ادبیات تخصصی رشته انسانی سال ۹۸، از ۸ سوال آرایه، ۲ سوال مستقیماً از ایهام بود و در ۴

سوال دیگر هم، ایهام در گزینه‌ها وجود داشت و نقش تعیین‌کننده داشت! آزمون‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ نیز همینطور بوده‌اند و ایهام جزء پرکاربردترین آرایه‌ها بود. با بررسی و تحلیلی که از سوالات سال‌های قبل داشتم، کلّ واژگان ایهام‌دار را استخراج کرده و با هر دو یا سه معنی برایتان آورده‌ام. مجدداً تاکید می‌کنم در هر سوالی که آرایه ایهام مطرح شده بود؛ ابتدا باید ببینید این واژه‌ها را می‌بینید یا خیر؟ به احتمال زیاد ایهام مدّ نظر از همین واژه‌ها باشد. ولی باید توجه داشته باشید؛ ممکن است طراح تله‌ی کنکوری گذاشته باشد. یعنی این واژگان را بیاورد، ولی ایهام یا ایهام تناسب نداشته باشند و در یک معنا به کار رفته باشند. (توجه داشته باشید که گفتیم: این واژگان می‌توانند ایهام بسازند و نگفتیم که قطعاً ایهام می‌سازند.)

تمرین: در ابیات زیر ایهام‌ها و ایهام تناسب‌ها را مشخص کنید.

کس ندارد ذوق مستی، می‌گساران را چه شد؟
 خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
 چه حاجت است که گوید شکر که شیرینم؟
 من نقد روان در دمسش از دیده شمارم
 تو شوخ دیده مگس بین که می‌کند بازی
 چون نامه چرا یک دمش از لطف نخوانی؟
 اندر دهنم بود که زد بر دهنم
 باطل در این خیال که اکسیر می‌کنند
 گر نه قلبی تو در آتش رو و بگذار ای دوست
 او را هزار عاشق زار است هم‌چو من
 زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان
 صبا به غالیه‌سای و گل به جلوه‌گری
 که به مژگان شکند قلب همه صفشکنان
 منم که شهره شهرم به عشق‌ورزیدن
 چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید
 چه تفاوت؟ که ایاز آنچه کند محمود است؟
 که خار راه او در زیر پا ریحانه می‌آید
 بنگر ای خسرو خوبان که چه شیرین سخنم
 دور از تو آن‌چنان که منم هیچ‌کس مباد
 گو نوا از من شب‌خیز بیاموز امشب
 فغان که ناله بی‌اختیار شد غماز
 خواندم افسانه شیرین و به خوابش کردم
 عاشق مسکین چرا چندین تجمل بایش
 ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاده در دل‌ها
 بر طرف چمن باز به پرواز نیامد
 نه چنگ به قانون و نه دف بر دست است
 که تلخی شکر باشد از دست دوست
 این عقده تا همیشه سر واشدن نداشت
 میان دل و کام دیوارها
 خوش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او
 جانب هیچ آشنا نگاه ندارد
 من از جفای تو ای جان نازنین چه کنم

۱ - زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
 ۲ - مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
 ۳ - هنر بیار و زبان‌آوری مکن سعدی
 ۴ - گر قلب دلم را نهد دوست عیاری
 ۵ - به راستی که نه هم‌بازی تو بودم من
 ۶ - در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای
 ۷ - گفتم که یکی بوسه زنم بر دهنت
 ۸ - جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز
 ۹ - چون که پیوسته دل سوخته می‌خواهد دوست
 ۱۰ - گل را چه غم ز زاری بلبل که در چمن
 ۱۱ - از اسب پیاده و بر نطع زمین رخ نه
 ۱۲ - به بوی زلف و رخت می‌روند و می‌آیند
 ۱۳ - شاه شمشاد قدان خسرو شیرین‌دهنان
 ۱۴ - به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ
 ۱۵ - آخر ای مطرب از این پرده عشاق بگرد
 ۱۶ - از تو گر لطف و کرم و همه جور است و ستم
 ۱۷ - چنان با باده عشق تو سرگرمم در این گلشن
 ۱۸ - شور سودای من و تلخی عیشم بگذار
 ۱۹ - گفتمی که تا ز نزد تو دورم چگونه‌ای؟
 ۲۰ - مرغ شب‌خوان که دم از پرده عشاق زند
 ۲۱ - به سان چنگ به صد پرده می‌نهفتم راز
 ۲۲ - غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد
 ۲۳ - کیست حافظ تا ننوشد باده بی‌آواز رود؟
 ۲۴ - به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید
 ۲۵ - چون بلبل دلسوخته را بال شکستند
 ۲۶ - در مجلس دهر ساز مستی پست است
 ۲۷ - نه تلخ از صبری که بر یاد اوست
 ۲۸ - چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق
 ۲۹ - کشیدند در کوی دلدادگان
 ۳۰ - خط عذار یار که بگرفت ماه از او
 ۳۱ - دیدم و آن چشم دل‌سیه که تو داری
 ۳۲ - من از هوای تو ای سرو راستین چه کنم

- ۳۳ - ز آسمان بگذرم از بر منت افتد نظری
۳۴ - ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است
۳۵ پروانه او گر رسدم در طلب جان
۳۶ - گر می‌گریزم از نظر مردمان، رهی
- ذره تا مهر نبیند به ثریا نرسد
حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است
چون شمع همان دم به دمی جان بسپارم
عیبم مکن که آهوی مردم ندیده‌ام

- ۱ - ایهام تناسب در واژه‌ی «عود»: معنای مد نظر در شعر «ابزار موسیقی» و در معنای «چوب خوشبو» تناسب با سوختن.
- ۲ - ایهام تناسب در واژه‌ی «مدم»: معنای مد نظر در شعر «پیوسته» و در معنای «شراب» تناسب با مست و خراب.
- ۳ - ایهام تناسب در واژه‌ی «شکر»: معنای مد نظر در شعر «ماده خوراکی» و در معنای «معشوقه فرهاد» تناسب با شیرین.
- ایهام تناسب در واژه‌ی «شیرین»: معنای مد نظر در شعر «مزه شیرین» و در معنای «معشوقه فرهاد» تناسب با شکر.
- ۴ - ایهام تناسب در واژه‌ی «قلب»: معنای مد نظر در شعر «تقلّبی» و در معنای «عضوی از بدن» تناسب با دل و دیده.
- ۵ - ایهام در واژه‌ی «بازی»: معنای نخست؛ بازی و تفریح - معنای دوم: باز (پرنده شکاری).
- ۶ - ایهام در ترکیب «قلم کرد»: معنای نخست؛ به قلم تبدیل کرد - معنای دوم؛ قطع کرد و شکست.
- ایهام تناسب در واژه‌ی «نخوانی»: معنای مد نظر در شعر «دعوت نکنی» و در معنای «خواندن» تناسب با نامه.
- ۷ - ایهام در واژه «زد»: معنای نخست؛ ضربه زد - معنای دوم؛ بوسه زد.
- ۸ - ایهام در واژه‌ی «قلب»: معنای نخست؛ عضو بدن - معنای دوم؛ محصول تقلّبی.
- ۹ - ایهام تناسب در واژه‌ی «قلب»: معنای مد نظر در شعر «تقلّبی و غیر اصلی» و در معنای «عضوی از بدن» تناسب با دل.
- ۱۰ - ایهام تناسب در واژه‌ی «هزار»: معنای مد نظر در شعر «عدد هزار» و در معنای «عندلیب و بلبل» تناسب با بلبل.
- ۱۱ - واژگان «اسب، نطع، رخ، پیل و شهمات شدن» همگی ایهام تناسب دارند. (توجه به اصطلاحات شطرنج).
- ۱۲ - ایهام در واژه‌ی «بو»: معنای نخست؛ امید و آرزو - معنای دوم؛ رایحه.
- ۱۳ - ایهام تناسب در واژه‌ی «قلب»: معنای مد نظر در شعر «مرکز و میانه لشکر» و در معنای «عضوی از بدن» تناسب با دهن و مژگان.
- ۱۴ - ایهام در واژه‌ی «شهریار»: معنای نخست؛ محمدحسین بهجت تبریزی - معنای دوم؛ پادشاه.
- ۱۵ - ایهام تناسب در واژه‌ی «پرده» در مصراع دوم: معنای مد نظر در شعر «حجاب و پوشش» و در معنای «اصطلاح موسیقی» تناسب با مطرب و عشاق چنگ.
- ایهام در واژه‌ی «چنگ»: معنای نخست؛ وسیله موسیقی - معنای دوم، چنگ دست.
- ۱۶ - ایهام تناسب در واژه‌ی «محمود»: معنای مد نظر در شعر «پسندیده و خوب» و در معنای «سلطان محمود غزنوی» تناسب با ایاز.
- ۱۷ - ایهام در واژه‌ی «سرم گرم»: معنای نخست؛ مشغول و سرگرم بودن - معنای دوم؛ گرم شدن سر به سبب نوشیدن

شراب.

- ۱۸ - ایهام تناسب در واژه‌ی «شور»: معنای مد نظر در شعر «شور و هیجان» و در معنای «طعم شور» تناسب با تلخ. واژگان «خسرو و شیرین» نیز ایهام تناسب دارند.
- ۱۹ - ایهام در ترکیب «دور از تو»: معنای نخست؛ در دوری از تو - معنای دوم؛ دور از جان تو.
- ۲۰ - ایهام در واژه‌ی «عشاق»: معنای نخست؛ عاشقان - معنای دوم؛ پرده موسیقی.
- ایهام در واژه‌ی «نوا»: معنای نخست؛ صدا و نغمه - معنای دوم؛ دستگاه موسیقی.
- ۲۴ - ایهام در واژه‌ی «بو»: معنای نخست؛ رایحه - معنای دوم؛ امید و آرزو.
- ۲۵ - ایهام در واژه‌ی «باز»: معنای نخست؛ «دوباره و مجدد» و در معنای دوم؛ «پرنده شکاری».
- ۲۶ - ایهام تناسب در واژه‌ی «چنگ»: معنای مد نظر در شعر «بزار موسیقی» و در معنای «چنگ دست» تناسب با دست.
- ۲۷ - ایهام تناسب در واژه‌ی «صبر»: معنای مد نظر در شعر «شکیبایی» و در معنای «نوعی دارو» تناسب با تلخ.
- ۲۸ - ایهام در واژه‌ی «عقده»: معنای نخست؛ بیماری روحی و روانی - معنای دوم؛ گره.
- ۲۹ - ایهام تناسب در واژه‌ی «کام»: معنای مد نظر در شعر «آرزو و خواسته قلبی» و در معنای «دهان» تناسب با دل.
- ۳۰ - ایهام در واژه‌ی «بگرفت»: معنای نخست؛ گرفتگی ماه - معنای دوم؛ گرفتن و اخذ کردن.
- ۳۱ - ایهام در واژه‌ی «دل سیه»: معنای نخست؛ بی‌رحم - معنای دوم؛ دارای مرکز سیاه.
- ایهام در ترکیب «نگاه ندارد»: معنای نخست؛ محافظت نمی‌کند - معنای دوم؛ نگاه نمی‌کند.
- ۳۲ - ایهام در واژه‌ی «هوا»: معنای نخست؛ جریان هوا - معنای دوم؛ میل و تمایل.
- ۳۳ - ایهام در واژه‌ی «مهر»: معنای نخست؛ عشق و محبت و مهربانی - معنای دوم؛ خورشید.
- ۳۴ - ایهام تناسب در واژه‌ی «ماه»: معنای مد نظر در شعر «ماه آسمان و استعاره از معشوق» و در معنای «۳۰ روز» تناسب با هفته و سال.
- ۳۵ - ایهام تناسب در واژه‌ی «پروانه»: معنای مد نظر در شعر «مجوز و اجازه» و در معنای «نوعی حشره زیبا» تناسب با شمع.
- ۳۶ - ایهام تناسب در واژه‌ی «آهو»: معنای مد نظر در شعر «حیوان» و در معنای «عیب» تناسب با عیب.

۹۸- در کدام بیت «دو ایهام» و «یک استعاره» وجود دارد؟

- (۱) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم
(۲) ساقی ار باده از این دست به جام اندازد
(۳) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت
(۴) گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد
- زان دو لب شیرین صد شور برانگیزم
عارفان را همه در شرب مدام اندازد
قطرهٔ باران ما گوهر یک دانه شد
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۹۹- تعداد «ایهام» در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
(۲) پیش اسبت رخ نهم ز آن رو که غم نبود ز مات
(۳) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم
(۴) دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو
- نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
در وفایت جان ببازم تا کجا یابم وفات
من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو
باز پرسید خدا را که به پروانه کیست

۱۰۰- کدام دو واژه در بیت زیر «ایهام» دارند؟

- «از نواهای مخالف می‌کشند آزار خلق»
(۱) نوا، ساز (۲) آهنگ، نوا (۳) نوا، مخالف (۴) ساز، آهنگ
- گوشمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را»

۱۰۱- در چند بیت «ایهام یا ایهام تناسب» یافت می‌شود؟

- (الف) آهوی چشم کماندار تو نخجیرم ساخت
(ب) هر کجا دم زدم از چشم بت کشمیرم
(ج) تا فروغ طلعت آن ماه را دیدم فروغی
(د) بیرون چه گونه می‌رود از کین مهوشان
(ه) دو گوشت از ز خروشیدنم به تنگ آمد
- من که شیران جهانند کمین نخجیرم
خون مردم همه گردید گریبانگیرم
عشق فارغ کرده است از تابش مهر منیرم
مهری که همچو روح فرو رفته در تنم
چنین مزن که ز دستت چو چنگ نخروشم

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۱۰۲- در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟

- «می‌ساختم چو برپت و می‌سوختم چو عود»
زیرا که چارهٔ دل من سوز و ساز بود»
(۱) دو - دو (۲) سه - سه (۳) یک - دو (۴) دو - سه

۱۰۳- همهٔ واژه‌ها در بیت زیر آرایهٔ ایهام یا ایهام تناسب دارند؛ به جز:

- «خسرو آن است که چون ملک وصال دریافت»
لعل شیرین تو را دید و شکر گرد آورد»
(۱) خسرو (۲) شیرین (۳) شکر (۴) وصال

۱۰۴ - کدام بیت، فاقد «ایهام» است؟

- (۱) چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل
 - (۲) در تابم از دو سنبل هندوت کز چه روی
 - (۳) دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه‌اش حاصل
 - (۴) در پرده از ناراستی راه مخالف می‌زنی
- ۱۰۵ - تعداد «ایهام تناسب» در کدام بیت بیشتر است؟

- (۱) تا به رخ چین سر زلف تو لرزان نشود
- (۲) دوش با آن مه تابنده فروغی می‌گفت
- (۳) تنگ شد بی پسته‌ات، بر ما جهان
- (۴) خم‌ها همه در جوش و خروشدن ز مستی

۱۰۶ - در ابیات زیر چند «ایهام تناسب و تشبیه» به ترتیب وجود دارد؟

- الف) شبی در باغ از زلف تو تاری بر زمین افتاد
ب) دو هفته می‌گذرد کان مه دو هفته ندیدم
- (۱) دو - دو (۲) سه - یک (۳) سه - دو (۴) دو - یک

۱۰۷ - واژه «مدام» در همه بیت‌ها به جز ایهام تناسب دارد؟

- (۱) مدام بهر جگر خوارگان دردی کش
- (۲) خواجه مدام جرعه مستان عشق نوش
- (۳) به طرف بوستان هر کس به یاد چشم می‌گوش
- (۴) خوشا به مجلس شوریدگان درد آشام

۱۰۸ - در کدام بیت آرایه ی ایهام تناسب به کار رفته است؟

- (۱) آه کز طعنه بدخواه ندیدم رویت
- (۲) برق غیرت چو چنین می‌جهد از مکمن غیب
- (۳) مددی گر به چراغی نکند آتش طور
- (۴) برو ای ناصح و بر دردکشان خرده مگیر

۱۰۹ - در کدام بیت ایهام وجود ندارد؟

- ۱- در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای
- ۲- از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه
- ۳- جان ریخته شد با تو آمیخته شد با تو
- ۴- چشم تو اگر خون دلم ریخت عجب نیست

۱۱۰ - در همه ابیات ایهام یا ایهام تناسب وجود دارد به جز گزینه ی

- ۱- تنم چو موی شد از عشق و خرمم آری
 - ۲- بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت
 - ۳- خطر بادیه عشق تو بیش از پیش است
 - ۴- کوس بدنمایی ما بر سر بازار زدند
- که هیچ فرق میان من و میان تو نیست
و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت
این چه دام است که دور از تو مرا در پیش است
گر چه بی روی تو ما را سر بازار نبود

اغراق (مبالغه، غلو)

اغراق در لغت به معنی سخت کشیدن کمان است و در اصطلاح بدیع، زیاده‌روی در توصیف یا مدح یا ذم است. چنان که از حد معمول بگذرد و برای شنونده شگفت‌انگیز و زیبا باشد. به عبارت دیگر (به گفته کتاب درسی فنون دوازدهم!) باز نمود دگرگونه مفاهیم و موضوعات سخن است؛ به صورتی که معانی خُرد را بزرگ گرداند و معانی بزرگ را خُرد بنماید تا تاثیر سخن را بیشتر کند. **مبالغه** (عقلا و عادتاً شدنی است؛ بیت اول)، **اغراق** (عقلا شدنی و عادتاً اتفاق نیفتاده است؛ بیت دوم)، و **غلو** (عقلا و عادتاً نشدنی است؛ بیت سوم)، در اصل تفاوت‌هایی دارند که در کنکور یکی گرفته می‌شوند.

که ملالم ز همه خلق جهان می‌آید و گر معاینه بینم که تیر می‌آید زمین شش شد و آسمان گشت هشت بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ تو گفستی که هرگز ز مادر نژاد به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ	اندرون با تو چنان انس گرفته است مرا ز دیدنت نتوانم که دیده بر دوزم ز سُم ستوران در آن پهن دشت فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ کشانی هم اندر زمان جان بداد نماند ایچ با روی خورشید رنگ
--	---

نکته: اغراق معمولاً در آثار حماسی دیده می‌شود، اما باید دقت داشت که آثار غنایی و عاشقانه و هر نوع ادبی دیگر نیز می‌تواند اغراق داشته باشد.

که از جهان ره و رسم سفر براندازم که کوه بست کمر پیش بردباری ما خاک کویت را به خون هر شب منقش می‌کند کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران چشم من می‌شکند پنجره را تا برود تا بر شتر نبندد محمل به روز باران از نازکی آزار رساند بدنش را موی است آن میان و ندانم که چیست آن	به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار به زیر تیغ فشردیم پای خود چندان دیده‌ی تردانم تا می‌زند نقشی بر آب بگذار تا بگریم، چون ابر در بهاران دیده از دور دو دریای مجاور با هم با ساربان بگوئید، احوال آب چشمم گر برگ گل سرخ کنی پیره‌نش را هیچ است آن دهان و نبینم از آن نشان
---	--

نکته: آمدن اعدادی مانند صد، هزار، هزاران و... معمولاً اغراق می‌سازد. (اما ممکن است تله‌ی کنکوری باشد).

هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است	اگر از سینه‌ی مور ضعیفی پرده برداری دلیم گرفته از این روزها دلیم تنگ است
--	---

سر عمرو صد گام از تن پیرید

دم تیغ بر گردنش چون رسید



توجه: یکی از ویژگی‌های آثار حماسی «خرق عادت» است که اغراق نمونه‌ای از آن است. لذا در بیشتر آثار حماسی، اغراق دیده می‌شود. به گونه‌ای که در تمام ابیات پیوسته زیر اغراق دیده می‌شود.

خروش سواران و اسپان ز دشت	ز بهرام و کیوان، همی برگذشت
همه تیغ و ساعد ز خون بود لعل	خروشان دل خاک در زیر نعل
نماند ایچ با روی خورشید، رنگ	به جوش آمده خاک بر کوه و سنگ
دلیری کجا نام او اشکبوس	همی بر خروشید بر سان کوس
بشد تیز رهام با خود و گبر	همی گرد رزم اندر آمد به ابر

نکته بسیار مهم: اغراق فقط در تعریف بیش از حد از یک شخص نیست، بلکه تخریب بیش از حد یک شخص نیز می‌تواند حاوی اغراق باشد. چنانکه بگوییم فلانی از مورچه هم ضعیف‌تر است!!!

۱۱۱- در کدام بیت آرایه «اغراق» به کار نرفته است؟

- (۱) بگداخت مرا عشق تو زان گونه که آید
- (۲) اگر تو سرو خرامان ز پای ننشینی
- (۳) چون سر از خوابگاه خاک برآرم دم حشر
- (۴) منم آن کوه غم و درد که سیلاب سرشک

انگشتی تو به حقیقت کمر من
چه فتنه‌ها که بخیزد میان اهل نشست
بچکد جون جگر گر بفشاری کفنم
هر دم از دامن من تا به کمر می‌آید

۱۱۲- در همه ابیات زیر، به غیر از بیت ، آرایه اغراق به کار رفته است.

- (۱) با صدهزار زخم زبان زنده‌ام هنوز
- (۲) چو رامین گه‌گهی بنواختی چنگ
- (۳) خم آورد بالای سرو سهی
- (۴) ای ز خلق تو دم باد صبا غالیه بوی

گردون گمان نداشت به این سخت‌جانی‌ام
ز شادی بر سر آب آمدی سنگ
از او دور شد دانش و فره‌هی
وی ز بوی تو معطر دم جان‌پرور گل

۱۱۳- در کدام بیت اغراق وجود دارد؟

کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو
ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن
دور بادا دور از دامن نامم گرد ننگ
بر سرم بین که ز دست تو چه‌ها می‌آید؟

۱- شور و شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر
۲- رسید باد صبا غنچه در هواداری
۳- چرخ گرد از هستی من گـر برآرد گو بر آر
۴- جوی خون می‌رود از چشمه چشمم بر خاک

۱۱۴- در کدام بیت اغراق وجود ندارد؟

تا دیده دید در خم زلفت قرار حسن
چون تو گیری از آن دو لاله حجیب (حجاب)
طالب چشمه‌ی خورشید درخشان نشود
گل به سر خواهی زدن از گلبن بستان عشق

۱- هستند بی‌قرار چو زلف تو عالمی
۲- به حجاب اندرون شود خورشید
۳- ذره را تا نبود همّت عالی حافظ
۴- فصل گل گر اشک گلگونت ز سر خواهد گذشت

۱۱۵- در چند بیت از ابیات زیر اغراق وجود دارد؟

شمعی که سر به عرش رسانیده، آه ما هست
نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زدم
نهی زیر پای قزل ارسلان
گر پاسبان ز بام تو سنگی کند رها
که دست خلق از آن کوتاه است عریانی است

الف- کوتاه می‌شود همه شمع ز سوختن
ب- دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم
ج- چه حاجت که نه کرسی آسمان
د- بعد از هزار سال به بام زحل رسد
ه- لباس عافیتی هست گر در این عالم

(۴) پنج

(۳) چهار

(۲) سه

(۱) دو

تلمیح

تلمیح در لغت به معنای «اشاره کردن به گوشه چشم» است و در اصطلاح ادبی اشاره کردن به آیات، احادیث، داستان‌های عاشقانه و تاریخی، مثل و... است.

غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت **فرهاد**
نظر کردن به درویشان مُنافی بزرگی نیست
از آب دیده صد ره، **طوفان نوح** دیدم
نه خدا توانمش خواند نه بشُـر توانمش گفت
طالب لعل توأم کان که به **ظلمات** افتاد

خواندم افسانه‌ی شیرین و به خوابش کردم
سلیمان با چنان حشمت، نظرها بود با مورش
وز لوح سینه نقشت، هرگز نگشت زایل
متحیرم چه نامم شه ملک «**لا فتی ...**» را؟
طلب چشمه‌ی **حیوان** نکند، چون نکند؟

توجه: اصل تلمیح، اشاره کردن است اما گاه ترجمه کامل را می‌آورند.



چنین گفت پیغمبر راست‌گوی ز گهواره تا گور دانش بجوی



توجه: انتظار نداشته باشیم همه‌ی تلمیحات اشاره به لیلی و مجنون و مانند آن باشند و زود به دست آیند. بعضی از تلمیحات مربوط به داستان‌های اصیل ایرانی یا بعضی داستان‌ها و تفاسیر قرآنی هستند و ممکن است به راحتی قابل تشخیص نباشد. مانند «**مهر و وفا**» در بیت اول از ابیات زیر که اسم عاشق و معشوقی در ادب فارسی بوده‌اند. یا بیت دوم به ماجرای **حضرت موسی** و مناجات کردن با خدا در کنار **کوه طور** اشاره دارد و بیت سوم هم به آیه‌ای از قرآن که معروف به «**آیه امانت**» است، اشاره دارد که ممکن است شما آن را نشنیده باشید. باید کم‌کم با تلمیحات آشنا بشوید و اطلاعات ادبی و تلمیحی خود را بالا ببرید، چرا که تلمیحات کنکور در همین سطح است و از این راحت‌تر نیست!

سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری
عشق کو؟ تا گرم سازد این دل رنج‌ور را؟
آدمی گر خون بگرید از گران‌باری رواست
که حق صحبت **مهر و وفا** نگه دارد
در حریم سینه افروزد چراغ **طور** را؟
کآنچه نتوانست بردن آسمان، بر دوش اوست

توجه: القاب مربوط به پیامبران را سعی کنید بدانید: خلیل (ابراهیم)، کلیم (موسی)، احمد (حضرت محمد) و ...



تضمین

آوردن بخش کاملی از آیه، حدیث و یا مصراع، بیت یا قسمتی از شعر و نثر شاعر یا نویسنده‌ی دیگر در اثر خود را تضمین می‌گویند. معمولاً و قاعدتاً عبارت تضمین‌شده را باید داخل گیومه « » بیاورند. ولی در کنکور نمی‌آورند؛ چون تضمین مشخص می‌شود. قسمت آخر شعر زیر، از مولانا است که دکتر شفیع کدکنی در شعر خود آورده است.

بیداری زمان را با من بخوان به فریاد

ور مرد خواب و خفتی،

«رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن»

رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن
مصراع اول بیت زیر نیز از سعدی است که دکتر شفیع کدکنی در شعر خود آورده است.
«سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی»
ترک من خراب شب‌گرد مبتلا کن
تو خود آفتاب خود باش و طلسم کار بشکن

گاه شاعر یا نویسنده پیش از آوردن بیت یا متن تضمینی، به نام شاعر یا نویسنده اشاره می‌کند. مانند تضمین بیت دوم از شعر حافظ، که شهریار در بیت اول به اسم حافظ (لسان الغیب) اشاره کرده است.

چَه زَنَم چو نای هَر دم، ز نوای شوق او دم
که «لسان غیب» خوش‌تر، بنوازد این نوا را
«همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایی، بنوازد آشنا را»
حافظ و سعدی نیز پیش از تضمین از شعرهای کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی و فردوسی به اسم آن‌ها اشاره کرده‌اند.
گر باورت نمی‌شود از بنده این حدیث
از گفته‌ی «کمال» دلیلی بیاورم
«گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر
آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم؟»
چنین گفت «فردوسی» پاکزاد
که رحمت بر آن تربت پاک باد-
«میازار موری که دانه‌کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است»



نوجه: تضمین در نثر نیز نمونه‌های بسیار دارد. در داستان «خسرو» در درس شانزدهم کتاب فارسی دهم، بسیار از این آرایه استفاده شده است.

با صدایی که به قول معروف، از ته چاه درمی‌آمد، با زهرخندی گفت: داد زن: «من گوش استماع ندارم، لِمَنْ تَقُول». همه می‌شناختند و می‌ستودند و تکریمش می‌کردند. ولی چه سود که «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر» وی را به می و معشوق و لهُو و لَعِب کشیدند. ... این شکست او را به منجلاب فساد کشید «فی‌الجملة نماند از معاصی مُنکری که نکرد و مُسکری که نخورد». تریاکی و شیرهای شد و کارش به ولگردی کشید.



نوجه: آوردن کلّ آیه یا حدیث «تضمین» می‌باشد و «تلمیح» نیست.
بهر این فرمود رحمان ای پسر
«کُلّ یوم هُوَ فی شَأْن» ای پسر
درویش بی‌معرفت نیارآمد تا فقرش به کفر انجامد؛ «کَادَ الْفَقْرُ أَنْ یكونَ کُفْرًا»



نوجه: آمدن یک اصطلاح یا اسم عربی مانند «عزّ و جلّ»، «اولی الالباب» یا «عَمَّ نَوَالُهُ» و ... تضمین نمی‌سازد.

۱۱۶- شاعر در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «تضمین» بهره جسته است؟

الف) ای عقل در غم او یک دم مرا چو سعدی
ب) شهریاریم و گدای در آن خواجه که گفت
ج) چنان افتاده عشقت شدم جانا که چون سعدی
د) ز بس بر تربت صائب عنان گریه سر دادم
ه) این آن غزل سعدی است صائب که همی فرمود
بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
خوش‌تر از فکر می و جام چه خواهد بودن
ز دستم بر نمی‌آید که یک دم بی تو بنشینم
رهی از چشمه چشمم خجل شد زنده رود امشب
می‌گوییم و بعد از من گویند به دوران‌ها

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک

۱۱۷- شاعر در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «تلمیح» بهره جسته است؟

- (الف) نیم پیشه بر سر دشمن گماشت
(ب) چگونه دعوی عشقت کنم به یکتایی
(ج) به نماز آمده محراب دو ابروی تو دید
(د) داد آگهی ز خاصیت آب زندگی
(ه) مقام عیش میسر نمی‌شود بی‌رنج
- (۱) پنج (۲) چهار (۳) سه (۴) دو

۱۱۸- در همه ابیات به جز بیت آرایه تلمیح به کار رفته است.

- (۱) خورشید و مه مرا نتواند ز راه بُرد
(۲) شد سحر ساحران ز عصای کلیم، محو
(۳) عشق است مصر اعظم، عقل است روستایش
(۴) مَبْنَد آزار موری نقش در دل
- هر شوخ‌دیوای نفریبد خلیل را
در راستان اثر نبود ریو و رنگ را (ریو = حيله)
زین بیش اگر نباشی در روستا چه باشد؟
که اسم اعظم خاتم همین است

۱۱۹- در همه ابیات به استثنای بیت آرایه تلمیح به کار رفته است؟

- (۱) آینه سکندر، جام می است بنگر
(۲) گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند
(۳) از مه او مه شکافت، دیدن او بر نتافت
(۴) نصیحت تو به جایی نمی‌رسد زاهد
- تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا
جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد
ماه چنان بخت یافت، او که کمینه گداست
تو و تلاوت قرآن، من و دعای قَدَح (= پیاله شراب)

۱۲۰- در چند مورد از ابیات زیر آرایه تضمین به کار رفته است؟

- (الف) ایوب با چندین بلا، کاندلر بلا شد مبتلا
(ب) این مه که چون منیژه سر چاه می‌نشست
(ج) حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی
(د) در محیط طوفان ز ماهرانه در جنگ است
- پیوسته این بودش دعا: الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ
گریان به تازیانه‌ی افراسیاب رفت
من از آن روز که در بند توأم آزادم
ناخدای استبداد با خدای آزادی
- (۱) سه (۲) چهار (۳) یک (۴) دو

۱۲۱- در کدام بیت‌ها آرایه تضمین به کار رفته است؟

- (الف) سرگشته در کشاکش طوفان روزگار
(ب) چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت
(ج) خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم
(د) در سلسله‌ی زلف سراسیمه لیلی
- گم کرده همچو آدم و حوا بهشت خویش
شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت
کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی
حال دل مجنون پراکنده ما چیست؟
- (۱) الف ، ب (۲) ج ، د (۳) ب ، ج (۴) الف ، د

لف و نشر

«لف» به معنی **بستن** و «نشر» به معنای **باز کردن** است. و آن وقتی است که شاعر یا نویسنده در یک **پاره کلام**، **دو یا چند مورد** و در **پاره دوم** **دو یا چند مورد دیگر** بیاورد که با موارد **پاره اول** در ارتباط باشند.

تهران و بغداد، پایتخت‌های **ایران** و **عراق** هستند. **پاره اول**: تهران و بغداد **پاره دوم**: ایران و عراق همان‌طور که می‌دانیم تهران با ایران و بغداد با عراق در ارتباط است.

لف و نشر دو نوع است: لِف و نشر مرتّب و لِف و نشر مشوّش (لف و نشر مرتّب هنری تر است).

۱- **لف و نشر مرتّب**: موارد **پاره دوم** به ترتیب به موارد **پاره اول** مرتبط هستند.

۲- **لف و نشر مشوّش**: موارد **پاره دوم** به ترتیب به موارد **پاره اول** مرتبط نیستند.

با آنکه **جیب** و **جام** من از **مال** و **می** تهی است
ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

حد همین است سخندانی و زیبایی را	بر حدیث من و حُسن تو نیفزاید کس
۲ ۱	۲ ۱
از پای تا به سر، همه سمع و بصر شدم	تا رفتنش بینم و گفتنش بشنوم
۱ ۲	۲ ۱
افروختن و سوختن و جامه‌دریدن	پروانه ز من شمع ز من گل ز من آموخت
۳ ۱ ۲	۳ ۲ ۱

این عیار **مهر** و **کینِ مرد** و **نامرد** است

۲ ۱ ۲ ۱

دو بیت زیر که منسوب به فردوسی است، از بهترین و هنرمندانه‌ترین نمونه‌های **لف و نشر** است.

به روز نبرد آن یل ارجمند

به شمشیر و **خنجر** به **گُرز** و **کمند**

۴ ۳ ۲ ۱

برید و **درید** و **شکست** و **ببست**

۴ ۳ ۲ ۱

یلان را **سر** و **سینه** و **پا** و **دست**

۴ ۳ ۲ ۱

با شمشیر **سر** یلان را **برید**.

با **خنجر** **سینه** یلان را **درید**.

با **گُرز** **پای** یلان را **شکست**.

با **کمند** **دست** یلان را **بست**.

در روز نبرد، آن یل ارجمند

نمونه‌های دیگر:

که را بیش بیرون شود کار نغز

اگر چند بی‌دست و پایند و زور

۲ ۱

چو فرزند و زن باشدم خون و مغز

۲ ۱ ۲ ۱

مهیا کن روزی مار و مور

۲ ۱

۱۲۲- در کدام بیت آرایه «لف و نشر» دیده می‌شود؟

می‌توان دانست برّ و بحر بی‌آرام اوست
خاصه وقتی که شود رهن هوشیاری چند
شود حُسن گُلوسوز تو چون در انجمن پیدا
کوه دردی که دل از عشق تو تنها برداشت

(۱) از سر سرگشته گرداب و رقص گرد باد
(۲) مست هوشیار ندیده‌است کسی جز چشم‌ت
(۳) کشد سر در گریبان خموشی، شمع از خجلت
(۴) سایه‌اش خونی چندین کمر کوهکن است

۱۲۳- در کدام بیت آرایه «لف و نشر» به کار نرفته است؟

بگرید به دریا و به مرغزار
تو عشق بین که مرا میر بحر و بر دارد
گلبرگ تری، ســـرو ســـهی، سنبل سیراب
عطابخش و صبارخش و سماقد و سخاگستر

(۱) همی مرغ و ماهی بر ایشان به زار
(۲) مراست خانه بیابان و دل ز خون دریا
(۳) در باغ شد از قد و رخ و زلف تو بی‌آب
(۴) عدوبند و ظفر بند و هنرجوی و هنرپیشه

۱۲۴- در کدام گزینه لف و نشر وجود ندارد؟

گر خرف را نه گهر سازد و ناکس را کس
هر چه بدانی مگوی هر چه توانی مکن
که زر و سیم ز طرّار ببايد پوشید
گردی ز دل مدعیان رُفتم و رفتم

۱- اثر تربیت و تابش خور را چه گنه
۲- گر دهدت روزگار دست و زبان زینهار
۳- چهره زرد من و روی خود از طره بپوش
۴- از کوی تو چون باد برآشفتم و رفتم

۱۲۵- در کدام ابیات لف و نشر وجود دارد؟

خود دست به خون من هم تر نکنی دانم
سماع ارغنوننی و شراب ارغوانی بود
به غیر از اشک حسرت نیست باری نخل ماتم را
کشتی و زنده ساختی ای تو خدای عاشقان

الف- گر کشتنی‌ام باری هم دست تو و تیغ
ب- ز آه و اشک می‌گویم شبی تا روز در مجلس
ج- مرا بر خشک‌مغزی‌های زاهد گریه می‌آید
د- گشت فراق و وصل تو مرگ و بقای عاشقان

د - ب (۴)

ج - الف (۳)

د - ج (۲)

الف - ب (۱)

۱۲۶- در کدام بیت لف و نشر وجود دارد؟

چو سیل از سر گذشت این را چه می‌ترسانی از باران
ور نه ما نیز بهاری و خزان‌ی داریم
ترک من باز آ که سلمان ترک هر شش می‌کند
عشق ستیزه خوی چنانم گرفته است

۱- نصیحت‌گوی را از من بگو ای خواجه دم در کش
۲- صائب اظهار غم و شادی خود بی‌ظرفی است
۳- نام و ننگ و صبر و هوش و عقل و دینم شد حجاب
۴- آتش چگونه دست و گریبان شود به خار؟

۱۲۷- در چند مورد از ابیات زیر لف و نشر وجود دارد؟

من ندانم روز و شب با یکدگر چون بسته‌اند
عقل را از چشم فتّان تو مفتون کرده‌اند
طمع مدار که سر بر سر زبان نکند
لب و دندان تو را لعل و گهر حلقه به گوش
درد کز وی رسدم مایه درمان من است

الف- زلف مشکین حلقه‌اش بر روی گلگون بسته‌اند
ب- خلق را از لعل میگون تو مستی داده‌اند
ج- چو خامه هر که حدیث دل آورد به زبان
د- ای ز جام می عشق تو خورد رفته ز هوش
ه- کشته عشق وی از زنده‌ی جاوید به است

(۴) یک

(۳) دو

(۲) سه

(۱) چهار

مراعات نظیر (تناسب)

آوردن دو یا چند واژه که با یکدیگر تناسب و رابطه‌ای غیر از تضاد داشته باشند، مراعات نظیر می‌باشد. مراعات نظیر اگر در دو واژه باشد معمولاً آن را تناسب می‌گویند، اما در کنکور تناسب و مراعات نظیر را یکسان در نظر می‌گیرند.

برآید که ما خاک باشیم و خشت
ز بهرام و کیوان همی برگذشت
این گرگی شبان شما نیز بگذرد
ای روضه مجسم گودال قتلگاه

بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت
خروش سواران و اسپان ز دشت
ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ‌طبع
یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است



توجه: مراعات نظیر و تناسب واژگان ممکن است کمی غیر محسوس باشد. توجه به آرایه تناسب، گاه منجر به کشف، آرایه ایهام تناسب می‌شود.

اشارات پنهانی چشم تو
ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟
شفا می‌دهد آشکارا به دل
از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟
در دو بیت قبل «شفا» و «اشارات» با یکدیگر ارتباط و مراعات نظیر دارند، زیرا نام دو اثر از ابن سینا می‌باشند و «پیک» نیز با «مسلم» ارتباط دارد، زیرا مسلم بن عقیل، پیک و فرستاده امام حسین (ع) به کربلا بود.



توجه: آرایه تناسب را نباید با **تناسب واژگان در مبحث دستور زبان فارسی**، اشتباه بگیریم. چرا که به طور مثال دو واژه «بدن و دست» از **نظر دستوری** با یکدیگر **تضمن** دارند و تناسب ندارند اما از **نظر آرایه‌های ادبی** آن‌ها را تناسب **(مراعات نظیر)** می‌گیریم. یا «رنگ و بنفش» از **نظر دستوری** **تضمن** دارند ولی از **نظر ادبی** آرایه تناسب دارند. در بیت زیر نیز دو واژه چشم و سر از **نظر دستوری** تناسب ندارند و **تضمن** هستند ولی از **نظر ادبی** آرایه تناسب دارند.

دید پیمبر نه به چشمی دگر بلکه بدین چشم **سر** این چشم سر



توجه: در **بیتی** که **تلمیح** وجود دارد، اکثرا تناسب هم وجود دارد، زیرا معمولا کلمات مربوط به یک داستان، با یکدیگر تناسب هم دارند.

غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت **فرهاد** خواندم **افسانه شیرین** و به خوابش کردم

۱۲۸- در کدام گزینه آرایه «مراعات نظیر» محسوس‌تر است؟

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| ۱) مرا مادرم نام مرگ تو کرد | زمانه مرا پتک تـرگ تو کرد |
| ۲) پیاده ندیدی که جنگ آورد | سر سرکشان زیر سـنگ آورد؟ |
| ۳) سزد گر بداری سـرش در کنار | زمانی برآسـایـی از کارزار |
| ۴) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ | سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟ |

۱۲۹- در کدام بیت نمی‌توان آرایه «مراعات نظیر» یافت؟

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد | چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد |
| ۲) بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت | شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است |
| ۳) از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم | مرحمت فرموده ما مس کنید |
| ۴) برداشته دل ز کار او بخت | درماند پدر به کار او سخت |

۱۳۰- کدام گزینه، بیت‌ها را به ترتیب داشتن آرایه‌های «تلمیح، تضمین و مراعات نظیر» مرتب می‌کند؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| الف) پیرهن‌چاک برون آمده بودی امروز | تا دگر چشم که را بـوی تـو بینا می‌کرد |
| ب) تیغ عریان تـو را دید و ورق برگرداند | آن که دایم ز خدا عمر تمنّا می‌کرد |
| ج) داشت تا گوهر من در دل این دریا، جان | ساحل از آب گهر جلوه دریا می‌کرد |
| د) صائب این آن غزل حافظ شیراز که گفت | دیگران هم بکنند، آنچه مسیحا می‌کرد |
- (۱) الف - د - ج (۲) د - الف - ج (۳) الف - د - ب (۴) ب - ج - الف

مَثَل (یا تمثیل یا ارسال المثل)

آوردن ضرب‌المثل یا گفتن جمله‌ای حکیمانه که بعدها به ضرب‌المثل تبدیل شده باشد. مَثَل، بر تاثیرگذاری کلام می‌افزاید و زینت‌بخش و مایه‌ی آرایش کلام است.

چنین است رسم سرای درشت	گهی پشت به زین و گهی زین به پشت
گنه کرد در بلخ آهنگری	به شوشتر زدند گردن مسگری
از طلاگشتن پشیمان گشته‌ایم	مرحمت فرموده ما مس کنید
زی تیر نگه کرد و پر خویش در او دید	گفتا ز کسه نالیم که از ماست که بر ماست



توجه: ضرب المثل‌ها هنر و شاهکار سخنورانند. در میان سخنوران فارسی، **سعدی**، بیش از دیگران در این زمینه به خلق و ابداع پرداخته است. به گونه‌ای که قریب به چهارصد جمله و مصراع و بیت از بوستان و گلستان به صورت ضرب‌المثل در آمده و زینت‌بخش کلام سخنوران دیگر شده است.

هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.

هر چه نپاید، دلبستگی را نشاید.

تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی



توجه: برای شناختن مَثَل‌ها نیازی نیست آن‌ها را حفظ کنیم، چون تعداد آن‌ها بسیار زیاد است. توجه به معنا، بهترین راه شناخت مَثَل است. شناخت مَثَل‌ها در **قربت معنایی** نیز بسیار مهم هستند.



توجه: اسلوب معادله و مَثَل نیز از این جهت که زیرساخت تشبیهی دارند، شبیه هستند ولی تفاوت آن‌ها در این است که اولاً **مَثَل‌ها بسیار معروف‌تر از اسلوب معادله‌ها هستند**. (در واقع اسلوب معادله‌ای که بسیار معروف شود به مَثَل تبدیل می‌شود). ثانیاً اسلوب معادله لزوماً در شعر می‌آید و حتماً دو مصراع است ولی «مَثَل» در نثر هم می‌آید و می‌تواند یک جمله یا یک مصراع باشد.

تخلّص

آمدن نام شاعر در بیت آخر یا یکی مانده به آخر را تخلّص می‌گویند.

حافظ به خود نپوشد، این خرقه می‌آلود	ای شیخ پاک‌دامن، معذور دار ما را
سعدی، به روزگاران، مهری نشسته بر دل	بیرون نمی توان کرد، الا به روزگاران
بعضی از تخلّص‌ها آشکار نیستند و به نام اصلی شاعر اشاره ندارند.	«خمش» در بیت زیر تلّصّ مولاناست.
راز نهان دار و خمش، ور خمش‌ی تلخ بود	آنچه جگرسوزه بُود، باز جگرسازه شود

یادآوری



یادآوری

توجه: جناس تام و ایهام، از این جهت که دو معنا دارند شبیه هستند اما در جناس تام، دو واژه یکسان در دو معنی آمده ولی در ایهام، یک واژه در دو معنی آمده است.

توجه: پیش از آن که وارد تست‌زنی شوید به این نکته توجه داشته باشید، در سوالاتی که چند آرایه در آن مطرح شده است، ابتدا سراغ آرایه‌های آسان‌تر و زودپای‌تر یا آرایه‌هایی که در آن مسلط‌تر هستید، بروید.

توجه: وجود یک آرایه، نفی‌کننده آرایه دیگر نیست! مثلاً ممکن است همان واژه‌ای که جناس دارد، ایهام هم داشته باشد. پس رد گزینه در این مبحث خیلی کاربرد ندارد، مگر اینکه کاملاً مطمئن شده باشید.

توجه: در تست‌هایی که چالش چند آرایه را به ترتیب می‌خواهند، به این نکته توجه داشته باشید که ممکن است یک بیت، دو مورد از آرایه‌های مطرح‌شده را داشته باشد! یا یک آرایه در دو بیت دیده شود، در هر بیت آرایه‌ای را لحاظ کنید که در ابیات دیگر وجود نداشته باشد.

توجه: در تست‌زنی آرایه، رد گزینه بسیار کارساز است و بیشتر از رد گزینه استفاده کنید.

توجه: واژگان مستعد استعاره و مجاز و ایهام و جناس تام و ... را بشناسیم ولی حواسمان باشد در تله نیفتیم.

توجه: آرایه‌های مزاحم را بشناسیم. یعنی در هر آرایه‌ای، آرایه مزاحم و تله‌ی آن را بشناسیم.

توجه: تست‌هایی که یک یا دو بیت دارند، حتماً سعی کنیم معنی بیت یا دو بیت را بفهمیم و درک کنیم.



فصل چهارم: سوالات جمع‌بندی آرایه‌های ادبی

۱۳۱- در کدام بیت، آرایه‌های «اغراق، تضاد و تشبیه»، «همگی» یافت می‌شود؟

- | | |
|---|---|
| (۱) ای مرد فقر هست تو را خرقه تو تاج | سلطان تویی که نیست به سلطانت احتیاج |
| (۲) وصال تو به شب کس را میسر چون شود هرگز | که تو چون روز گردانی به روی خود شبستان را |
| (۳) تو را به مثل من ای دوست میل چون باشد | که حاصلم همه چشمی تر است و جانی خشک |
| (۴) عزیز مصر اگر ما را ملامت‌گر بود شاید | تو حسن یوسفی داری و من مهر زلیخایی |

۱۳۲- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«خط عذار یار که بگرفت ماه از او خوش حلقه‌ای است لیک به در نیست راه از او»

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| (۱) تشبیه، تمثیل، اغراق، مجاز | (۲) تشبیه، کنایه، حسن تعلیل، مجاز |
| (۳) استعاره، تشبیه، ایهام، حسن تعلیل | (۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل |

۱۳۳- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- | | |
|--------------------------------------|---|
| (۱) با محتسبم عیب مگویید که او نیز | پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است (جناس، ایهام) |
| (۲) کمند عنبری از چین زلف دل‌بند است | فروغ مشتری از عکس روی دلدار است (حسن تعلیل، مجاز) |
| (۳) ابرویش بر ماه طاقی بسته بود | مردمی بر طاق او بنشسته بود (کنایه، استعاره) |
| (۴) با اهل فنا دارد هرکس سر یکرنگی | باید که به رنگ شمع از رفتن سر خندد (مجاز، تشبیه) |

۱۳۴- در کدام بیت «دو ایهام» و «یک استعاره» وجود دارد؟

- | | |
|---|----------------------------------|
| (۱) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم | زان دو لب شیرین صدشور برانگیزم |
| (۲) ساقی ار باده از این دست به جام اندازد | عارفان را همه در شرب مدام اندازد |
| (۳) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت | قطره باران ما گوهر یک دانه شد |
| (۴) گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد | گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید |

۱۳۵- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- | | |
|---|--|
| (۱) در آن دریای خون در دشت تاریک | به دنبال سر چنگیز می‌گشت (جناس، اغراق) |
| (۲) میل رفتن مکن ای دوست، دمی با ما باش | بر لب جوی، طرب جوی و به کف ساغر گیر (جناس تام، مجاز) |
| (۳) خواهم که پیش میرمت ای بی‌وفا طبیب | بیمار باز پرس که در انتظارمت (استعاره، ایهام) |
| (۴) بین لاله‌هایی که در باغ ماست | خموشدند و فریادشان تا خداست (پارادوکس، ایهام) |

۱۳۶- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«تا هست تاج عشق توام بر سر ای غزال شیرین بود به شهر غزل شهریاریم»

- (۱) استعاره، جناس، تضاد، تشبیه
(۲) استعاره، جناس، تشبیه، ایهام
(۳) تشبیه، حس آمیزی، اغراق، ایهام
(۴) جناس، حس آمیزی، کنایه، حسن تعلیل

۱۳۷- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است، به جز:

- (۱) هر سر خبر ز سر محبت کجا شود
(۲) دل کشید آخر عنان چون مرد میدان نبود
(۳) خوبان همه از مهرش مهری به جبین دارند
(۴) کنار مزرع سبز فلک یکباره تر می‌شد
الا سری که سجده آن آستانه کرد (جناس، مجاز)
صبر پی گم کرد چون همدست دستان نبود (ایهام، استعاره)
خورشید صباحت را طالع ز جبینش بین (جناس، ایهام)
اگر در گریه شبها دیده را فواره می‌کردم (اغراق، تشبیه)

۱۳۸- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«گر سرت خود در سر سودای زلفش می‌رود زان سر مویی مکن خاطر پریشان غم مخور»

- (۱) جناس، مجاز، ایهام، کنایه
(۲) استعاره، جناس، تضاد، واج آرایی
(۳) واج آرایی، مراعات نظیر، جناس، تضاد
(۴) جناس، استعاره، مراعات نظیر، حسن تعلیل

۱۳۹- در منظومه زیر به ترتیب، چند تشبیه و چند استعاره وجود دارد؟

«فوران گل حسرت از خاک/ بارش شب‌نم روی پل خواب/ پرش شادی از خندق مرگ/ گذر حادثه از پشت کلام»

- (۱) سه - پنج
(۲) سه - شش
(۳) چهار - پنج
(۴) چهار - شش

۱۴۰- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است، به جز:

- (۱) از آتش آب دهن چون گلاب شیرین است
(۲) هر جا که سیف باشد بستان اوست رویش
(۳) گو در این مصر که فرعون در او صد بیش است
(۴) سرورانی که به هر گرسنه نان می‌دادند
که هست همچو شکر مغز پسته دهنش (واج آرایی، حسن تعلیل)
«چون است حال بستان ای باد نوبهاری» (استعاره، تضمین)
نان عزیز است که شد یوسف گندم چاهی (ایهام تناسب، تشبیه)
استخوان جوی شده همچو سنگ درگاهی (مجاز، استعاره)

۱۴۱- بیت زیر، به کدام «آرایه‌ها» آراسته شده است؟

«قامت یکتای من گشته دو تا چون هلال تا تو قرین قمر زلف دوتا کرده‌ای»

- (۱) تضاد، استعاره، جناس تام، ایهام
(۲) تشبیه، مجاز، تضاد، ایهام تناسب
(۳) استعاره، واج آرایی، جناس ناقص، مجاز
(۴) تشبیه، واج آرایی، کنایه، جناس ناقص

۱۴۲- آرایه‌های «جناس، اسلوب معادله، استعاره، حسن تعلیل و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

الف) می‌خورم خون جگر تا می‌برم روزی به سر
ب) زان عمر من و زلف تو کوتاه و بلند است
ج) چون شود اخلاص کامل تر رسد سلطان عشق
د) سخن را روی گرم از قید خاموشی برون آرد
ه) آمد شبی خیالش در صدر سینه جا کرد

قسمت از خوان قضا بنگر که چونم داده‌اند
زیرا که به هر ورطه نشیب است و فراز است
آن چه بود افسار در سر بعد از این افسر شود
سپند از آتش سوزان بلند آواز می‌گردد
در مسجد خرابی بت‌خانه‌ای بنا کرد

(۱) الف - ج - ه - ب - د (۲) الف - د - ه - ج - ب (۳) ج - ب - د - الف - ه (۴) ج - د - ه - ب - الف

۱۴۳- آرایه‌های «استعاره، حسن تعلیل، پارادوکس، کنایه و تضاد» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

الف) عمر چون باد به تعجیل از آن می‌گذرد
ب) بر نمی‌آیم به تسکین دل خود کام خویش
ج) عاشق چرا امید نبندد به عشق پاک
د) حرص بر من دردهای نسیه را کرده است نقد
ه) آن زلف همچو دام که عمرش دراز باد

که تو غافل کنی از گاه جدا دانه خویش
چون فلک در بی‌قراری دیده‌ام آرام خویش
شب‌نم عزیز باغ شد از چشم پاک خویش
صبح ناگردیده می‌افتم به فکر شام خویش
هرگز نکرد یاد اسیران خاک خویش

(۱) الف، ج، د، ه ب (۲) الف، د، ب، ه ج (۳) ج، الف، ب، ه د (۴) ج، ب، د، ه الف

۱۴۴- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحرا»

(۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد
(۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس
(۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد
(۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

۱۴۵- آرایه‌های همه ابیات در مقابل آنها درست است؛ به جز:

(۱) گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی
(۲) به بزمگاه چمن دوش، مست بگذشتم
(۳) چون دل شب می‌زنم صائب بر آهنگ فغان
(۴) ببر زین خاکدان زنهار با خود سرمه بینش

زهی سودا که خواهی یافت فردا از چنین سودا (جناس تام، مجاز)
چو از دهان توام غنچه در گمان انداخت (مجاز، ایهام)
می‌کشانم بر زمین از آسمان ناهید را (اغراق، استعاره)
و گر نه کور هیاهات است در محشر شود بینا (تشبیه، واج‌آرایی)

۱۴۶- ترتیب ابیات زیر، با توجه به آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام، اغراق، مجاز و استعاره» کدام است؟

- الف) بر آنم که ابر گرینده از این پس پیش اشک من
ب) آهن سرد چه کویم که دم آتشیم
ج) در داستان نیاید اسرار عشق‌بازان
د) ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی‌آید
ه) ماه نو چون ز لب بام بدیدم گفتم
- حدیث چشم سیل‌افشان نراند گر حیا دارد
نکند هیچ اثر در دل چون آهن او
کآنجا که قاف عشق است داستان چه کار دارد
که می‌گردد دو بالا ناله در کهسار عاشق را
ای دل از چنبر این ماه کجا خواهی جست

۱) الف، ج، ب، د، هـ ۲) الف، ج، د، ب، هـ ۳) د، ب، الف، هـ، ج ۴) د، ج، الف، ب، هـ

۱۴۷- آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟

«در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم که چون در نقطه موهوم این سی پاره پنهان شد»

- ۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه ۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز
۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی ۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز

۱۴۸- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز

- ۱) تا سخنی گفته‌ام زان لب شیرین سخن خسرو ایران نمود گوش به گفتار من (حسن آمیزی، ایهام)
۲) تا در خیال حورم و اندیشه قصور جز مایه قصور نگردد نماز من (جناس، حسن تعلیل)
۳) دست نقاش فلک بهر تماشای ملک هر شب آراسته در پرده نگار عجیبی (جناس، واج‌آرایی)
۴) هر کجا جلوه بالای تو باشد به میان راستی سرو کجا قامت موزون دارد (ایهام تناسب، تشبیه)

۱۴۹- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

- «می‌کند خنده خونین به ته پوست نهان پسته از بس خجل از غنچه خندان تو شد»
- ۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره ۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل
۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب ۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

۱۵۰- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز؛

- ۱) اگر سنجی به میزان وفا کوه غم ما را تو را در پله انصاف، سنگ کم کجا ماند؟ (اغراق، جناس)
۲) بهار عمر خواه ای دل، وگرنه این چمن هر سال چو نسرين صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد (ایهام تناسب، استعاره)
۳) در آن دل از هلاک عشق‌بازان غم کجا ماند؟ گره در خاطر خورشید از شبنم کجا ماند؟ (واج‌آرایی، استعاره)
۴) مسلسل چون شود امواج، می‌باشد ز هم کشتی به حال خویش دل در زلف خم در خم کجا ماند؟ (اسلوب معادله، ایهام)

۱۵۱- در کدام گزینه ترتیبِ ابیات با در نظر گرفتن آرایه‌های: «تناقض، اغراق، مجاز، لفّ و نشر و ایهام» درست است؟

- الف) ما را ز خیال تو چه پروای شراب است
ب) پرتو روی چو ماه تو در آن زلف سیاه
ج) تا نپنداری که سلمان را نظر بر شاهد است
د) چنان کاندِر پَریشانی سرافرازی کند زلفش
هـ) سیل سرشکم را کجا مژگان تواند بست ره
- (۱) الف، ج، ب، هـ د (۲) الف، هـ ج، ب، د
(۳) د، هـ ج، الف، ب (۴) د، هـ ج، ب، الف

۱۵۲- در همهٔ ابیات، هر دو آرایهٔ تشبیه و استعاره وجود دارد؛ به جز:

- (۱) دفتر گل را به آب چشم خواهد پاک شست
(۲) هر خسی قیمت نداند ناله شب خیز را
(۳) خامشی دریا و گفت‌وگو خس و خاشاک اوست
(۴) شوکت شاهی سبک سنگ است در میزان عدل
- گر ببیند بلبل آن رخسار شبنم خیز را
خسروی باید که داند قدر این شب‌دیز را
پاک کن از خار و خس این بحر گوهر خیز را
عشق می‌گیرد به خون کوهکن پرویز را

۱۵۳- آرایه‌های بیتِ زیر کدام‌اند؟

- «روشن‌ت گردد اگر خال و خطش را بینی
(۱) تشبیه، تضاد، مجاز، استعاره
(۲) تشبیه، استعاره، ایهام، پارادوکس
(۳) استعاره، لفّ و نشر، مجاز، تضاد
(۴) تشبیه، لفّ و نشر، ایهام تناسب، پارادوکس
- که چرا روز فراق و شب هجران تار است»

۱۵۴- در کدام بیت، آرایهٔ «لفّ و نشر و ایهام» به چشم می‌خورد؟

- (۱) گرچه کامم ز لب نوش تو تلخ است اما
(۲) ز سودای رخ و زلفش غمی دارم شبانروزی
(۳) لب شیرین تو گویا به حدیث آمد باز
(۴) با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمتم
- گر کسی گوش دهد قصّه شیرین دارم
مرا صبح وصال او نمی‌گردد شبی روزی
که برآورده بسی شور ز هر شیدایی
کو نظربازی که سیر صبح و شام من کند

۱۵۵- آرایه‌های بیتِ زیر، کدام‌اند؟

- «ساز هستی غیر آهنگ عدم چیزی نداشت
(۱) استعاره، مجاز، ایهام، تضاد، حسن تعلیل
(۲) تشبیه، مجاز، پارادوکس، کنایه، حسن تعلیل
(۳) تشبیه، تضاد، ایهام، پارادوکس، حس آمیزی
(۴) استعاره، اغراق، ایهام تناسب، جناس، حس آمیزی
- هر نوایی را که وادیدم خموشی می‌سرود»

۱۵۶- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- (۱) این عالم پرشور که آرام ندارد از دامن صحرای تو یک موج سراب است (تشبیه، مجاز)
(۲) از نرگس بیمار بود تازگی حسن معموری آفاق ز دل‌های خراب است (تناقض، استعاره)
(۳) در دل فکند شور جزا گریه تلخش از آتش رخسار تو هر دل که کباب است (حسن آمیزی، ایهام تناسب)
(۴) مجنون چه کند مست نگرده، که در این دشت هر موج سرابی که بود موج شراب است (تلمیح، جناس)
- ۱۵۷- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «مجاز، تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و تلمیح» در کدام گزینه درست است؟

- الف) می‌زند حلقه زلف تو در غارت جان
ب) گر بدین شیوه کند چشم تو مردم را مست
ج) جان صوفی نشد از جام کدورت صافی
د) می به هشیار ده ای ساقی مجلس که مرا
ه) خوردم از دست تو جامی که جهان جرعه اوست
- (۱) ج، الف، د، ب، ه (۲) ج، ب، ه، الف، د
(۳) ه، الف، ب، د، ج (۴) ه، ج، الف، ب، د
- نتوان با سر زلف تو به جانی در بست
نتوان گفت که در دور تو هشیاری هست
تا نشد در تن خم خانه چو دُردی به نشست
نشئه‌ای هست هنوز از می باقی الست
هر که زین دست خورد می برود زود ز دست

۱۵۸- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «شکرت شور جهانی و جهانی مشتاق»
(۱) استعاره، ایهام، تضاد، مراعات نظیر
(۲) عالمی تشنه و عالم همه پر آب زلال
(۳) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد
(۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، اغراق

۱۵۹- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

- «بی‌برگی ما برگ نشاط است چمن را»
(۱) تشبیه، استعاره، پارادوکس، مجاز
(۲) شیرازه گلزار بود خار و خس ما
(۳) تشبیه، تضاد، کنایه، اسلوب معادله
(۴) استعاره، پارادوکس، مجاز، حسن تعلیل
(۵) استعاره، حسن تعلیل، اسلوب معادله، مجاز

۱۶۰- آرایه‌های مقابل کدام بیت، «هر دو» درست است؟

- (۱) بر آستان یارم برد آسمان غبارم
(۲) سکندروار در ظلمت بسی لب تشنه گردیدم
(۳) آن لب رنگین سخن بی‌خواست گویا می‌شود
(۴) چون به چهره بفشانی چین زلف مشکافشان
- بالا گرفت کارم در منتهای پستی (پارادوکس، مجاز)
که جام باده شد سرچشمه آب بقای من (تلمیح، استعاره)
غنچه چون افتاد بازیگوش خود وا می‌شود (حسن آمیزی، تشخیص)
کس به هیچ نستاند بار نافه چین را (جناس تام، حسن تعلیل)

۱۶۱- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های: «مجاز، حسن تعلیل، حس آمیزی، استعاره و ایهام»، کدام است؟

- الف) چو چشمه خضر از شعر من روان افزاست
ب) گل امید من آن روز رنگ می‌گیرد
ج) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب
د) سر پابوس تو دارم من و هیهات کجا
ه) فشاند سنبل و چون گل ز غنچه رخ بنمود
- ۱) ب، ج، الف، ه د ۲) ب، د، ه، ج، الف
۳) د، ج، ب، ه الف ۴) د، ه، ب، الف، ج

۱۶۲- آرایه‌های «جناس، استعاره، موازنه و اغراق» همگی در کدام بیت آمده است؟

- ۱) بگفت از سحر کم‌تر گوی با مور
۲) بهاری کز دو رخسارش همی شمس و قمر خیزد
۳) پرواز به آنجا که نشاط است و امید است
۴) آمد نفس صبح و سلامت نرسانید
- که موران را قناعت خوش‌تر از سحر
نگاری کز دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد
پرواز به آنجا که سرود است و سرور است
بوی تو نیارد و پیامت نرسانید

۱۶۳- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«مهی که راز من از پرده آشکارا کرد هنوز صورت او زیر پرده پنهان است»

- ۱) استعاره - ایهام - کنایه - تضاد
۲) کنایه - ایهام - تناسب - تکرار - متناقض نما
۳) تضاد - استعاره - کنایه - واج‌آرایی
۴) جناس هم‌سان - استعاره - پارادوکس - مجاز

۱۶۴- در کدام بیت، آرایه‌های ایهام و استعاره «هر دو» یافت می‌شود؟

- ۱) آفتابی کز شفق، رخسار، در خون شسته است
۲) زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
۳) در بزم دور یک دو قدح درکش و برو
۴) فرش طرب بگستر چون باد نوبهاری
- داغ ناخن خورده‌ای از لاله‌زار حسن اوست
کس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد
یعنی طمع مدار وصال دوام را
فراش بوستان گشت نقاش گلستان شد

۱۶۵- آرایه‌های مقابل همه ابیات درست است، به جز

- ۱) ز آشفتگی به حلقه جمعی رسیده‌ام
۲) به عشق زلف و رخت فارغم ز دیر و حرم
۳) به یاد کاکل پرتاب و زلف پُرچینش
۴) چراغ چشم من آن روی مجلس افروز است
- کز حلقه‌های زلف تو تاب می‌نداشتند (ایهام، پارادوکس)
که این معامله بیرون ز کفر و ایمان است (استعاره، لف و نشر)
دل من است که هم جمع و هم پریشان است (کنایه، پارادوکس)
طناب عمر من آن موی عنبر افشان است (جناس، تشبیه)

۱۶۶- آرایه‌های «استعاره، ایهام، تناسب و لف و نشر» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- (الف) چو ذره گر چه حقیرم بین به دولت عشق
(ب) تیر و کمان عشق را هر که ندیده، گو بین
(ج) گر چو شمعش پیش میرم بر غم خندان شود
(د) آخر چه شد ای برگ گل تازه که دیدار
- که در هوای رخت چون به مهر پیوستم
پشت خمیده مرا قد کشیده تو را
ور برنجم خاطر نازک برنجانند ز من
از بلبل بی‌برگ و نوا بازگرفتی

(۱) الف - ب - د - ج (۲) الف - ج - ب - د (۳) د - الف - ج - ب (۴) د - ج - الف - ب

۱۶۷- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«هر که دل از دست داد و عشوه دنیا خرید یوسف خود را به سیم قلب سودا کرد و رفت»

- (۱) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، ایهام
(۲) استعاره، تشبیه، ایهام، تناسب
(۳) تشبیه، کنایه، مجاز، اسلوب معادله
(۴) تشبیه، حسن تعلیل، مجاز، ایهام تناسب

۱۶۸- کدام بیت، فاقد استعاره و دارای «تشبیه و جناس» است؟

- (۱) آن زمان کان ماه رخشان خور آیین رخ نمود
(۲) چه غم ز حربه و حرب عرب چو مجنون را
(۳) تا زدی در دل من خیمه به اقبال غمت
(۴) دانی که بر عذار تو خال سیاه چیست؟
- باغ، پر گلچهر گشت و کاخ، پر اورنگ بود
مقیم بر در لیلی مقام خواهد بود
شادی از جان من غم‌زده بگریخته است
زاغی که بر کناره باغی نشسته است

۱۶۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات درست است؛ به جز:

- (۱) با باد بوده هم‌ره بوی تو در سحرگاه
(۲) یاد باد آن که ز چشم خوش و لعل لب تو
(۳) دل خراب من از عشق کی شود خالی
(۴) کوس بدنامی ما بر سر بازار زدند
- گل‌ها شنیده بویت خود را به باد داده (حسن آمیزی، تشخیص)
نقل مجلس همه بادام و شکر بود مرا (لف و نشر، تشبیه)
چرا که جایگه گنج، کنج ویران است (اسلوب معادله، جناس)
گر چه بی روی تو ما را سر بازار نبود (مجاز، کنایه)

۱۷۰- آرایه‌های بیت زیر، در کدام گزینه تماماً درست است؟

«ما به خون خود دهان تیشه شیرین می‌کنیم تلخ ننشیند عبث معشوق شیرین کار ما»

- (۱) تشخیص، مجاز، تضاد، جناس
(۲) استعاره، حسن آمیزی، ایهام، کنایه
(۳) جناس، استعاره، ایهام، تشخیص
(۴) حسن آمیزی، مجاز، پارادوکس، ایهام

۱۷۱- آرایه‌های «جناس تام، لف و نشر، تشبیه، ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) و لحظه‌ای به کوی تو ناگاه بگذرم
ب) وز روی آن که رونق خوبان ز روی توست
ج) ایمان و کفر همه رخسار و زلف توست
د) بر بوی آن که بوی تو دارد نسیم گل
- عیبم مکن که روضه رضوانم آرزوست
دائم نظاره رخ خوبانم آرزوست
در بند کفر مانده و ایمانم آرزوست
پیوسته بوی باغ و گلستانم آرزوست

(۱) ب، د، الف، ج (۲) ب، ج، الف، د (۳) د، ج، ب، الف (۴) د، ب، ج، الف

۱۷۲- تعداد جناس در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) چشمه چشم من از سرو قدت یافته آب
(۲) تا جان بود از مهر رخسار برنکنم دل
(۳) دل به دست یار و غم در دل بماند
(۴) من با غم دل ساخته و سوخته در تب
- رشته جان من از شمع رخت یافته تاب
گر میر نهد بندهم و گر پیر دهد پند
خارم اندر پای و پا در گل بماند
و او از دم دود من دلسوخته در تاب

۱۷۳- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

- «تا با کمان ابرو بنشست در کمینم»
(۱) استعاره، مجاز، تلمیح، ایهام
(۳) استعاره، اغراق، جناس، پارادوکس
- در خون خویش بنشانند از تیر دل نشینم»
(۲) تشبیه، جناس، کنایه، ایهام
(۴) جناس، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز

۱۷۴- بیت زیر، «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

- «به خون لعل فرو رفت کوه سنگین دل»
(۱) تشبیه، کنایه
(۲) مجاز، جناس
- چو در محبت شیرین هلاک شد فرهاد»
(۳) اغراق، تشخیص
(۴) تلمیح، حسن تعلیل

۱۷۵- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

- ۱- گر تو زنی تیغ هلاکم به فرق
۲- از گوشه بامت سر پرواز ندارم
۳- یعقوب چو چشمش به تو زیبا پسر افتد
۴- زان زلف و رخ شام و سحر در کفر و دین بردم به سر
- فرق من و خاک کف پای تو (جناس تام، تشبیه)
ای کاش که مرغ دلم از بال و پرافتد (تشبیه، مجاز)
اول نظرش یوسف مصر از نظر افتد (اغراق، کنایه)
ز تار بندی را نگر تسبیح خوانی را بین (لف و نشر، تضاد)

۱۷۶- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

- ۱- ای رقیب ار نگشایی در دل بند به رویم
۲- نه من انگشت نمایم به هواداری رویت
۳- گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی
۴- در اندیشه بستم قلم و هم شکستم
- این قدر بازنمایی که دعا گفت فلانت (ایهام تناسب، حسن تعلیل)
که تو انگشت نمایی و خلاق نگرانت (ایهام، کنایه)
سخن تلخ نباشد چو برآید به دهانت (اغراق، حس آمیزی)
که تو زیباتر از آنی که کنم وصف و بیانت (لف و نشر، استعاره)

۱۷۷- ترتیب آرایه‌های «جناس، تشبیه، حسن تعلیل و پارادکس» در کدام ابیات است؟

- الف) ز رشک قامت او ناله خاست از دل سرو
ب) کشتی عقل فکندیم به دریای شراب
ج) شادی امروز دل از غم رویش رسید
د) بیگانه رحمت آورد بر زحمت دل ما
- ز شرم عارض او هاله بست بر رخ ماه
تا ببینیم چه از آب برون می‌آید
دیدۀ امید من در ره فردای اوست
کی آنقدر تطاول با آشنا توان کرد

۱) ب، الف، ج، د ۲) ب، د، الف، ج ۳) د، ب، الف، ج ۴) د، ب، ج، الف

۱۷۸- ترتیب قرارگرفتن ابیات با توجه به آرایه‌های: «ایهام تناسب، حسن تعلیل، استعاره، حس آمیزی» در کدام گزینه درست است؟

- الف) بام آن کعبه مقصود بلند است ای کاش
ب) از آن از اشک خالی نیست چشمم
ج) چو سرو، میل چمن کن که صبحدم در باغ
د) هشیار سری کز می سودای تو مست است
- عشق می‌داد مرا بال و پری بهتر از این
که پندارم شراب لاله رنگ است
سماع بلبل شیرین کلام خواهد بود
آباد دلی کز غم دلدار خراب است

۱) ج، الف، ب، د ۲) ج، ب، د، الف ۳) د، الف، ب، ج ۴) د، ب، الف، ج



فصل پنجم: آزمون‌های جامع سراسری

آزمون ریاضر ۱۴۰۰

۱۷۹- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست هستند، به جز:

- | | |
|--|---|
| (۱) مخور ز چهره گلگون گل فریب جمال | که در مقام جلال است رخت شاهان سرخ (جناس، ایهام) |
| (۲) اگر دو هفته بود چهره گلستان سرخ | مدام از می‌لعلی است روی جانان سرخ (مجاز، استعاره) |
| (۳) چراغ دل ز جگر گوشه می‌شود روشن | بود ز لعل لب او رخ بدخشان سرخ (استعاره، تشبیه) |
| (۴) به گریه سائل اگر روی خود کند رنگین | از آن به است که گردد به ابر احسان سرخ (جناس، تشبیه) |

۱۸۰- در کدام بیت، دو تشبیه و بیشترین استعاره به کار رفته است؟

- | | |
|---|--|
| (۱) شیر در بادیۀ عشق تو روباه شود | آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست |
| (۲) یا رب آن شاه‌وش ماهرخ زهره‌جبین | در یکتای که و گوهر یکدانه کیست؟ |
| (۳) واله و شیدا است دایم همچو بلبل در قفس | طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست |
| (۴) خون شد دلم به یاد تو، هر که در چمن | بند قبای غنچه گل می‌گشاد باد |

۱۸۱- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«خسروی به شیرینی تلخ کرد کامم را کز لب شکرخندش نرخ شکر ارزان شد»

- | | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| (۱) تشبیه، ایهام، تضاد، جناس | (۲) تشبیه، کنایه، تضاد، اغراق |
| (۳) استعاره، کنایه، حسن تعلیل، اغراق | (۴) تشبیه، ایهام، پارادوکس، مجاز |

۱۸۲- تعداد «استعاره» در کدام بیت، بیشتر است؟

- | | |
|---|--|
| (۱) اگر ز لعل تو مستان عشق نقل خواهند | به خنده لب بگشا و شکر ز پسته بریز |
| (۲) دل شده را قوت جان از لب لعل وی است | هر که بهشتی بود آب دهد کوثرش |
| (۳) با این نسیم سحرخیز برخیز اگر جان سپردیم | در باغ می‌ماند ای دوست گل یادگار من و تو |
| (۴) شبی از مجلس مستان بر آمد ناله چنگش | رسید از غایت تیزی به گوش زهره آهنگش |

۱۸۳- آرایه‌های «ایهام، استعاره و جناس تام» تماماً در کدام بیت آمده است؟

- | | |
|---|---|
| (۱) نافه مشک ختن گر زانکه می‌خیزد ز چین | زلف را بفشان که صد چین در شکنج موی توست |
| (۲) مستم آن دم که بمیرم به سر خاک برید | تا سر از خاک برآرم به قیامت سرمست |
| (۳) مستی به چشم شاهد دل‌بند ما خوش است | زان رو سپرده‌اند به مستی زمام ما |
| (۴) دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری | جانب هیچ آشنا نگاه ندارد |

۱۸۴- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست است، به جز:

- | | |
|--|--|
| (۱) اگر بر نرگس اندازی نظر نرگس شود ناظر | وگر با سوسن آغازی سخن سوسن شود گویا (ایهام، استعاره) |
| (۲) بوسیدن از جام لبش گر نیست روزی کاشکی | چون جرعه افتادی که من خاک درش بوسیدمی (ایهام، مجاز) |
| (۳) آفتاب از عکس شمشیر تو می‌گیرد فروغ | آسمان از بار احسان تو می‌گردد دوتا (تشبیه، اغراق) |
| (۴) به مجلسی که زبان‌آوری کند قلمت | به کام درکشد آتش زبان دعوی را (مجاز، استعاره) |

۱۸۵- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«تُرک آهو چشمم ای آهو چشمت شیرگیر صید آهو توام بر صید خویش آهو مگیر»

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) استعاره، اغراق، کنایه، ایهام | (۲) استعاره، تشبیه، جناس تام، کنایه |
| (۳) جناس ناقص، تشبیه، استعاره، مجاز | (۴) تشبیه، جناس ناقص، اغراق، ایهام |

۱۸۶- بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

«پیش لب ضحاک تو بس فتنه و آشوب کز مار سر زلف تو در ملک جم افتد»

- | | | | |
|--------------------|-----------------|-----------------|------------------|
| (۱) استعاره، کنایه | (۲) جناس، تشبیه | (۳) مجاز، ایهام | (۴) تلمیح، ایهام |
|--------------------|-----------------|-----------------|------------------|

آزمون انسانر ۱۴۰۰

۱۸۷- تعداد تشبیه در همه ابیات یکسان است، به جز:

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) مریض شوق ز تیر ستم نمی‌رنجد | قتیل عشق ز تیغ جفا نمی‌ترسد |
| (۲) شد چمن در چمن حسن و لطافت لیکن | در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت |
| (۳) زلف لیلی صفتت دام دل مجنون است | عقل بر دانۀ خال سیهت مفتون است |
| (۴) چون سواد زلف شبرنگ تو را آرم به یاد | از سرم تا پای چون شمع آتش سودا گرفت |

۱۸۸- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است، به جز:

- | | |
|--|---|
| (۱) از موج حلاوت دل مرغان چمن سوخت | هرچند فشانند به خامی ثمرم را (استعاره، مجاز) |
| (۲) ز رشک شانه در تابم که با کوتاه دستی‌ها | به صد آغوش در بر می‌کشد آن عنبرین مو را (جناس، کنایه) |
| (۳) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست | کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم (استعاره، پارادوکس) |
| (۴) شعاع چشمۀ مهر از فروغ رخسار است | شراب، نوشگوار از لب شکر بار است (حسن تعلیل، ایهام) |

۱۸۹- در چند بیت «ایهام یا ایهام تناسب» یافت می‌شود؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| (الف) آهوی چشم کماندار تو نخجیرم ساخت | من که شیران جهانند کمین نخجیرم |
| (ب) هر کجا دم زدم از چشم بت کشمیرم | خون مردم همه گردید گریبانگیرم |
| (ج) تا فروغ طلعت آن ماه را دیدم فروغی | عشق فارغ کرده است از تابش مهر منیرم |
| (د) بیرون چه گونه می‌رود از کین مهوشان | مهری که همچو روح فرو رفته در تنم |
| (هـ) دو گوشت از ز خروشیدنم به تنگ آمد | چنین مزین که ز دستت چو چنگ نخروشم |

(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۱۹۰- آرایه‌های «حسن تعلیل - استعاره - کنایه - تشبیه - اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- | | |
|--|--|
| (الف) می‌کند اشک ندامت نامه دل را سفید | صبح از اخترفشانی پاک‌دامن می‌شود |
| (ب) بهشتی شد مرا نظاره آن روی گندم‌گون | اگر گندم برون انداخت از فردوس آدم را |
| (ج) نگردد جمع با رنگین‌لباسی زیر پا دیدن | که طاووس خود آرا چشم از پر بر نمی‌دارد |
| (د) تا سپند آن آتشین رخسار را در بزم دید | آنچنان جست از سر آتش که صد فریاد داشت |
| (هـ) گل ز کژی خار در آغوش یافت | نی‌شکر از راستی آن نوش یافت |

(۱) د - ه - ج - ب - الف (۲) د - الف - ب - ج - ه

(۳) ه - د - ب - الف - ج (۴) ه - ب - الف - د - ج

آزمون علوم و فنون داخل کشور ۱۴۰۰

۱۹۱- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست هستند، به جز:

- (۱) زان پیش که در زلف تو بندیدم دل خویش
 - (۲) تا زلف و رخت بردم از سایه و روشن
 - (۳) دور از لب شیرین تو چون شمع سیه روز
 - (۴) با گریه خونین من و خنده مهتاب
- ما رشته مهر از همه بگسیخته بودیم (مجاز، تضاد)
از شاخه سرو چمن آویخته بودیم (لف و نشر، مجاز)
خوش آتش و آبی به هم آمیخته بودیم (استعاره، ایهام)
آب رخی از شبنم و گل ریخته بودیم (استعاره مصرحه، استعاره مکنیه)

۱۹۲- نوع استعاره در همه ابیات با شعر زیر یکسان است، به جز:

«می تراود مهتاب، می درخشد شب تاب
نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک
غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می شکند»

- (۱) کام حرص است که از شهد نگرده شیرین
 - (۲) باغ سلام می کند سرو قیام می کند
 - (۳) از ترش رویی گردون گله بی انصافی است
 - (۴) از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار
- ور نه قانع ز نی خشک شکر می چیدن
سبزه پیاده می رود غنچه سوار می رسد
خنده برق شنیدی به خس و خار چه کرد
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

۱۹۳- در کدام بیت، همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و حس آمیزی» یافت می شود؟

- (۱) پای خوابیده به فریاد نگرده بیدار
 - (۲) از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر
 - (۳) بر لب کوه جنون خنده شیرین بهار
 - (۴) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید
- بند با عاشق بیدل چه تواند کردن
یادگاری که در این گنبد دوآر بماند
نقش زخمی است که از تیشه فرهاد شکفت
در رهگذار باد نگهبان لاله بود

۱۹۴- در ابیات زیر چند وجه شبه مشهود است؟

- (الف) روی چون خورشید بنمای از نقاب
 - (ب) بی آن لب چون شکر تنم را
 - (ج) روح ز تو خوبتر به خواب نبیند
 - (د) درفشان لاله در وی چون چراغی
- کآبم از سر همچو نیلوفر گذشت
همچون شکر اندر آب دادی
چشم فلک چون تو آفتاب نبیند
ولیک از دود او بر جاناش داغی

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک

۱۹۵- آرایه‌های روبه‌روی کدام ابیات، درست است؟

- الف) عمری است که چون جام جگر تشنه عشقم
ب) در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز
ج) عشق را در پرده ناموس دیدن مشکل است
د) شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است
- و ایام به من جرعه جامت نرسانید (مجاز، تشخیص)
وز لعل شکربار می و نقل فرو ریز (لف و نشر، موازنه)
شمع را در جامه فانوس دیدن مشکل است (موازنه، تشخیص)
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد (جناس، کنایه)

الف - د (۴)

ب - ج (۳)

ج - د (۲)

الف - ب (۱)

۱۹۶- در تمام ابیات همه ارکان تشبیه وجود دارد، به جز:

- ۱) در غمش چون دانه نار است آب چشم من
۲) مرغان چمن باز چو من عاشق و مستند
۳) خورشید را به روی تو تشبیه چون کنم
۴) پروای سرد و گرم خزان و بهار نیست
- وز لبش کام روانم ناردانی بیش نیست
کان نرگس مست و گل خندان من اینجاست
کاو همچو بندگان بدهد بوسه بر جناب
آن را که همچو سرو و صنوبر قبا یکی است

۱۹۷- آرایه‌های (کنایه - جناس - ایهام تناسب - استعاره - لف و نشر) به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) بر آن سرم که جفای تو را به جان بخرم
ب) من مات صورت تو که در کارگاه حسن
ج) مژه و ابروی او دیدم و با دل گفتم
د) کس مبادا به سیه‌روزی ما در ره عشق
ه) بی‌زلف سرکشش سر سودایی از ملال
- در این معامله گر عمر من وفا بکند
خورشید را گدا و تو را شاه می‌کشند
که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت
که فلک تیره شد از تیرگی کوکب ما
همچون بنفشه بر سر زانو نهاده‌ایم

د - الف - ب - ه - ج (۲)

ه - د - ب - الف - ج (۴)

الف - د - ج - ه - ب (۱)

د - ه - ج - الف - ب (۳)

۱۹۸ - تعداد تشبیهات کدام بیت بیشتر است؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| (۱) والہ و شیداست دائم همچو بلبل در قفس | طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست |
| (۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت | و گر نه تشنگی افزاست آب شور تمنا |
| (۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست | چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سا را |
| (۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا | که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا |

۱۹۹ - در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| (۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است | سودای کج مپز، که نباشد مجال تو |
| (۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟ | کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو |
| (۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟ | کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو |
| (۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست | همچو لاله، جگرم بی می و خم‌خانه بسوخت |

۲۰۰ - آرایه‌های مقابل ابیات در همه گزینه‌ها تماماً درست است؛ به جز:

- | | |
|--|---|
| (۱) نازنین تر می‌شوی هر روز از روز دگر | ناز چندان که می‌ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، واج آرایی) |
| (۲) باغبان همچو نسیم ز در خویش مران | کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (ایهام، کنایه) |
| (۳) در غبار خاطر مجنون حصار گشته است | دیده آهو ز شرم نرگس شهلای تو (استعاره، تشبیه) |
| (۴) پرده‌های دیده‌اش پیراهن یوسف شود | هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو (تلمیح، ایهام تناسب) |

۲۰۱ - آرایه‌های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| الف) چون شب‌نم است بستر و بالین من ز گل | در خارزار از نظر پاک‌بین خویش |
| ب) ناله نی راست صد تنگ شکر در آستین | بندبندش گر پر از شکر نباشد گو مباش |
| ج) چرا از دست می‌رفتم چرا بیمار می‌بودم؟ | اگر می‌بود بر بالین من سیب زنخدانش |
| د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی | که گردد آفتابی چهره از گلگشت مهتابش |
| (۱) ب، الف، د، ج | (۲) ب، د، ج، الف |
| (۲) ب، د، ج | (۳) ج، الف، ب، د |
| (۳) ج، الف، ب، د | (۴) ج، الف، د، ب |

آزمون ترمبر ۹۹

۲۰۲- آرایه‌های مقابل کدام دو بیت کاملاً درست است؟

- | | |
|--|--|
| (الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است | خورشید مومیایی ماه شکسته است (تشبیه، اسلوب معادله) |
| (ب) گره‌گشای دل تنگ نغمه چنگ است | سهیل سیب زنخدا شراب گل‌رنگ است (جناس، تشبیه) |
| (ج) ای صبا بی مروت برق تازی واگذار | روح بیمار زلیخا هم‌ره پیراهن است (تلمیح، ایهام) |
| (د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین تر است | روح تلخ بحر از آب گهر شیرین تر است (ایهام تناسب، حس آمیزی) |
- (۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

۲۰۳- در کدام بیت «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر | ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد |
| (۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پرولنه | که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند |
| (۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است | ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد |
| (۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه | که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد |

۲۰۴- آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟

«به روز تیره ما صبح، شگر خنده‌ها دارد نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند»

- | | |
|---|--|
| (۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص | (۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام |
| (۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی | (۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره |

۲۰۵- آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز

- | | |
|--|---|
| (۱) چه سان مژگان خونین گریه ما را نگه دارد | کجا مرجان به زور پنجه دریا را نگه دارد؟ (اسلوب معادله، ایهام) |
| (۲) پهلوی به حیات ابدی می‌زند آن زلف | این است سوادى که به اصل است مطابق (ایهام تناسب، کنایه) |
| (۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی | ندارد ورنه جنسی غیر یوسف کاروان ما (ایهام، استعاره) |
| (۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار | زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح (مجاز، تشبیه) |

آزمون هفتاد و نهم

۲۰۶ - آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حسن تعلیل و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- الف) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم
ب) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد
ج) دو اسبه پیک نظر می‌دوانم از چپ و راست
د) به غمزه گر نربودی دل همه عالم
- لباس حسن تو دیدم به قد هر یک راست
ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست
به جستجوی نگاری که نور دیده ماست
ز عشق تو دل جمله جهان چرا شیدا است
- (۱) الف، د، ب، ج (۲) الف، ج، د، ب (۳) ج، د، ب، الف (۴) ج، ب، د، الف

۲۰۷ - آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

- (۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام
(۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد
(۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل
(۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی
- ور نه من آزادم از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)
تو نیز به کشتنم میان درستی (مجاز، کنایه)
همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)
چین در خم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟ (حسن تعلیل، جناس)

۲۰۸ - آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «ز مهر روی او عمری است تا دم می‌زنی «سلمان»
(۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه
(۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
(۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی
(۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص

۲۰۹ - در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟

- «می‌ساختم چو بربط و می‌سوختم چو عود
زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»
- (۱) دو - دو (۲) سه - سه (۳) یک - دو (۴) دو - سه

آزمون علوم و فنون داخل کشور ۹۹

۲۱۰ - کدام بیت فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام» است؟

- (۱) خواهم ز پس پرده تقوا به درافتم
 - (۲) چون بلبل دل‌سوخته را بال شکستند
 - (۳) نه طره‌ات غم شب‌های تار من دارد
 - (۴) من آن نیام که کند یار اجتناب از من
- چندی به زبان همه‌کس چون خبر افتم
برطرف چمن باز به پرواز نیاید
نه چشم مست تو فکر خمار من دارد
همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

۲۱۱ - آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

- «ز باغ حسن خود بر خور که من در سایه سروت
جهانی را ز باغ عشق برخوردار می‌بینم»
- (۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه
 - (۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام
 - (۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز
 - (۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی

۲۱۲ - آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

- «تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم
تویی آن کسی که در عالم به جفت ابروان طاقی»
- (۱) تشبیه، تضاد، ایهام، جناس تام
 - (۲) تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، تضاد
 - (۳) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق
 - (۴) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس

۲۱۳ - کدام بیت فاقد مجاز است؟

- (۱) گر بر سر خاک من بنشینی و برخیزی
 - (۲) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم
 - (۳) سر اگر در سر کار تو کنم دوری نیست
 - (۴) سهل است به خون من اگر دست بر آری
- تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
کان که در دست تو افتاد ز سر ننديشد
جان دادن در پای تو دشوار نباشد

۲۱۴ - در همه ابیات آرایه‌های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به جز:

- (۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ
 - (۲) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را
 - (۳) ای تُرک آتش رخ بیار آن آب آتش‌فام را
 - (۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار
- تا عنان دل شیدا بشد از چنگ مرا
در آگون ساغر فکن آن آب آتش رنگ را
وین جامه نیلی ز من بستان و در ده جام را
تا ز آینه خاطر ببرد زنگ مرا

۲۱۵ - آرایه مقابل همه ابیات کاملاً درست است؛ به جز:

- (۱) مشو در هم رخت گر شد کبود از سیلی اخوان
(۲) حرص در هنگام پیری از غلاف آید برون
(۳) حرف حق گفتن به خون خویش فتوی دادن است
(۴) تا روی کند عیش و طرب پشت به خُم ده
- که بی این نیل از چشم خریداران خطرداری (مجاز، تلمیح)
بال و پر پیدا کند چون مور ماند بیش تر (استعاره، اسلوب معادله)
پنبه چون حلاج از مستی ز مینا برمدار (ایهام، استعاره)
تا پشت کند محنت و غم روی به می کن (تضاد، حسن تعلیل)

۲۱۶ - آرایه‌های «اغراق، تشبیه، حس آمیزی، حسن تعلیل، کنایه» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- الف) تو کز سنگین رکابی لنگری، سامان کشتی کن
ب) کامت شکرین باد که هر رخنه‌ای از دل
ج) ریحان که رخ گلشن ازو تازه و تر بود
د) شد شوق من به الفت لیلی یکی هزار
هـ) بوی خوش آهوی تو بر دشت گذر کرد
- که بر خار و خس ما هر کفی ساحل تواند شد
شیرین ز شکرخند تو چون کنج دهن شد
از تازگی خط تو تقویم کهن شد
هر وحشی که با من دیوانه رام شد
داغ جگر لاله ستان ناف ختن شد

- (۱) ج، د، الف، ب، هـ (۲) د، هـ ب، الف، ج (۳) د، ج، ب، هـ الف (۴) هـ ب، د، ج، الف

آزمون ریاضی ۹۸

۲۱۷- در کدام تشبیه وجه شبه ذکر نشده است؟

هر گه که یاد طرّه پیچان کند تو را
چون دم من شده است طبع زمان
که یک نی دید از شگرسستانی؟
شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

(۱) چون مار زخم‌خورده دل افتد به پیچ و تاب
(۲) چون رخ من شده است رنگ زمین
(۳) جهان چون نی هزاران ناله دارد
(۴) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع

۲۱۸- آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

که آب شیرین چو بخندی برود از شکر

«جای خنده است سخن گفتن شیرین پیش

(۲) تشبیه، ایهام، مجاز، حسن تعلیل

(۱) استعاره، مجاز، کنایه، تلمیح

(۴) تشبیه، ایهام، استعاره، ایهام تناسب

(۳) استعاره، ایهام تناسب، تلمیح، تناقض

۲۱۹- بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

جوش می در جگر خم ز سر بسته بود»

«شود از مهر خموشی دل خامش گویا

(۳) تشبیه، مراعات نظیر (۴) مجاز، اسلوب معادله

(۱) ایهام، حس آمیزی (۲) استعاره، تناقض

۲۲۰- ترتیب آرایه‌های «استعاره، تشبیه، پارادوکس و حسن تعلیل» در ابیات زیر کدام است؟

ولی کبوتر جان را نبود قوت بال
همان چو سرو به آزادی گرفتاریم
که پراکنده و شوریده و سرگردانی
ور به چوگانم زند هیچش مگوی
(۴) د، ب، الف، ج (۳) ج، د، ب، الف

الف) دلم به پیش تو می‌خواست جان فرستادن
ب) ز میوه گر چه در این بوستان سبکباریم
ج) مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده‌ای
د) خواهم اندر پایش افتادن چو گوی
(۲) الف، د، ب، ج (۱) الف، ب، د، ج

۲۲۱- تعداد تشبیهات کدام بیت، بیشتر است؟

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| ۱) ای بهشتی رخ طوبی قد خورشید لقا | بشنو این بیست خوش از خسرو جاویدلقا |
| ۲) از طاق ابروانت وز تار گیسوانت | هم خستۀ کمانیم هم بستۀ کمندیم |
| ۳) تو مهر درخشنده و من ذرۀ محتاج | تو خانه‌فروزنده و من خانه به دوشم |
| ۴) گاهی از جلوۀ شیرین روشی مجنونم | گاهی از خندۀ شیرین‌منشی فرهادم |

۲۲۲- آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«چو غنچه بر سرم از کوی او گذشت نسیمی که پرده بر دل خونین به بوی او بدریدم»

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) تشبیه، مجاز، تلمیح، تضاد | ۲) ایهام، تشبیه، جناس، کنایه |
| ۳) کنایه، تشبیه، حس‌آمیزی، مجاز | ۴) مجاز، ایهام، مراعات نظیر، حس‌آمیزی |

۲۲۳- آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

- | | | |
|---|---------------------------------------|--------------------------|
| ۱) لاله، دل در دم جان بخش سحر می‌بندد | غنچه جان پیشکش باد صبا می‌آرد | (استعاره، اسلوب معادله) |
| ۲) از آن دلبستگی دارد دل ما با سر زلفش | که هر تاری زگیس‌ویش رگی با جان مادارد | (حسن تعلیل، مراعات نظیر) |
| ۳) به روز حشر چو بوی تو بشنود خواجه | ز خاک مست برون افتد و کفن بدرد | (حس‌آمیزی، مجاز) |
| ۴) چنان کاندر پریشانی سرافرازی کند زلفش | توانایی چشم ساحرش در ناتوانی بود | (تناقض، استعاره) |

۲۲۴- ترتیب آرایه‌های «جناس، تشخیص، مجاز، تضاد» در کدام ابیات است؟

- | | |
|---|---|
| الف) پیش رفتار تو پا برنگرفت از خجلت | سرو سرکش که به ناز از قد و قامت برخاست |
| ب) ای نسیم کوی معشوق این چه باد خرم است | تا کجا بودی که جانم تازه می‌گردد به بوی |
| ج) پی دیدن خرامش سر کوچه‌ها ستادم | پی جلوۀ جمالش در خانه‌ها نشستم |
| د) چگونۀ از خط حکم تو سر بگردانم | که من مطیع و حکم تو پیش بنده مطاع |
- ۱) الف، ب، د، ج ۲) ب، الف، ج، د ۳) ب، الف، د، ج ۴) د، ب، ج، الف

آزمون هفتاد و هشت

۲۲۵- در کدام بیت، هر دو تشبیه گسترده و فشرده وجود دارد؟

- (۱) هر که از مهر تو چون ذره شود سرگردان
- (۲) من که با زلف چو چوگان تو گویی زنم
- (۳) چند چون مرغ کنی سوی گلستان پرواز
- (۴) تو که یک ذره نداری خبر از آتش مهر

۲۲۶- آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «آب آتش می‌برد خورشید شب پوش شما»
(۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد
(۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح
(۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس
(۴) مجاز، جناس تام، تشخیص، پارادوکس

۲۲۷- هر دو آرایه مقابل کدام بیت، درست است؟

- (۱) پیمانۀ حیاتم پر شد فغان که نتوان
 - (۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز
 - (۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری
 - (۴) اسباب پریشانی جمع است برای من
- پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن (حسن تعلیل جناس)
وانگه بین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح - ایهام)
که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس - حس آمیزی)
جمعیت اگر خواهی زان طره پریشان باش (پارادوکس - مجاز)

۲۲۸- آرایه‌های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست
ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد
ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار
د) از تهی‌مغزی است امید گشاد از ماه عید
- هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است
دارد اگر وجود، شراب شبانه است
دود خشک شمع ریحان تر پروانه است
ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است
- (۱) ج، ب، الف، د (۲) ج، ب، د، الف (۳) د، ب، الف، ج (۴) د، ج، ب، الف

گزنفون علوم و فنون داخل کشور ۹۸

۲۲۹ - همهٔ واژه‌ها در بیت زیر آرایهٔ ایهام یا ایهام تناسب دارند؛ به جز:

«خسرو آن است که چون ملک وصال دریافت
لعل شیرین تو را دید و شکر گرد آورد»
(۱) خسرو (۲) شیرین (۳) شکر (۴) وصال

۲۳۰ - آرایه‌های بیت زیر، کدام است؟

«زنده به بوی توأم بوی ز من وا مگیر
تشنهٔ روی توأم باز مدار از من آب»
(۱) کنایه، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز (۲) استعاره، تشبیه، کنایه، جناس همسان (۳) کنایه، تشبیه، ایهام، جناس ناهمسان (۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، جناس همسان

۲۳۱ - در همهٔ ابیات، آرایهٔ «تشبیه و استعاره» یافت می‌شود؛ به جز:

(۱) پرده بردار ای قمر پنهان مکن تنگ شکر
(۲) مشک و عنبر گر ز مشک زلف یارم بو کند
(۳) تنگ شکر شود همه کام و دهان من
(۴) چنگ را در عشق او از بهر آن آموختم
تا بر سیمین تو احوال ما زرین کند
بوی خود را واهلد در حال و زلفش بو کند
چون دل خیال آن بت شیرین‌دهان کند
کس نداند حالت من نالهٔ من او کند

۲۳۲ - کدام بیت، فاقد «ایهام» است؟

(۱) چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل
(۲) در تابم از دو سنبیل هندوت کز چه روی
(۳) دلی کز خرمن شادی نشد یک دانه‌اش حاصل
(۴) در پرده از ناراستی راه مخالف می‌زنی
که هیچ فایده نبود اگر هزار بگویند
سر بر کنار نسترن و ارغوان نهاد
چنین در دام غم تا کی به بوی دانه بنشیند
بنواز باری نوبتی چون می‌زنی عشاق را

۲۳۳ - در کدام بیت تشبیه، استعاره و مجاز «همگی» وجود دارد؟

(۱) گر بدین پستهٔ خندان به چمن بنشینی
(۲) تو در حسن، لیلای خرگه نشینی
(۳) گر بوسه‌ای توان زد یا قوت آن دو لب را
(۴) خاک سر راهت شدم ای لعبت چالاک
غنچه از شاخ به صد آه و فغان برخیزد
من از عشق، مجنون صحرا نشینم
یک عمر از این تمنا خون در جگر توان زد
برخیز پی جلوه که برداریم از خاک

۲۳۴ - آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز گزینه‌ی ...

(۱) گر چه در مصر فراموشی مقید مانده‌ایم
(۲) حسرت برم از خسرو و فرهاد که در عشق
(۳) نظر لطف ز مهر و مه کم کاسه مجوی
(۴) معنی رنگین به نازکدل رساند خویش را
می‌رسد چون جامهٔ یوسف به کنعان بوی ما (تلمیح، ایهام)
نه زر به ترازویم و نه زور به بازو (لف و نشر، واج‌آرایی)
خواب آسودگی از چشم نگهبان مطلب (ایهام تناسب، اسلوب معادله)
بادۀ گلگون ندارد به‌تر از مینا نقاب (تشبیه، حس‌آمیزی)

۲۳۵- آرایه‌های «مجاز، ایهام، حسن تعلیل و استعاره» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

- | | |
|--|---|
| الف) به خون از نعمت الوان قناعت کن که مشک تر | ب) به خون خوردن شد از ناف غزالان ختن پیدا |
| ب) زمین قابل اگر بهر فکر می‌طلبی | ز پیش مصرع ما بیشتر شود پیدا |
| ج) غنچه دلگیر ما را برگ شکر خند نیست | ای نسیم عافیت، شبگیر کن از کوی ما |
| د) تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم | ترجیع‌بند ناله بود بندگان ما |
| (۱) ب، الف، ج، د | (۲) ب، د، الف، ج |
| | (۳) ج، الف، د، ب |
| | (۴) ج، د، ب، الف |

۲۳۶- ترتیب آرایه‌های «استعاره، حس آمیزی، حسن تعلیل، ایهام و لف و نشر» در کدام ابیات است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| الف) کاش در پرده شب و روز بپوشی رویت | ب) تا نازد فلک سفله به خورشید و مه‌ش |
| ب) ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت | آستین بر رخ نه‌د با دامن تر آفتاب |
| ج) مگر ز چشم تو دم زد به گلستان نرگس | که از خمار سحر حالتی دژم دارد |
| د) همه فدای تو کردند جان شیرین را | چه شاهی تو که بهتر ز جان شیرینی |
| هـ) تنگ شکر تلخ‌کام از خنده شیرین او | گلبن تر سرخ‌روی از گریه رنگین من |
| (۱) ب، د، هـ، ج، الف | (۲) ب، هـ، الف، د، ج |
| | (۳) ج، د، الف، ب، هـ |
| | (۴) ج، هـ، ب، د، الف |



فصل ششم: آزمون‌های جامع تالیفی

آزمون آرایه شماره یک

۲۳۷- آرایه‌های مقابل همه ابیات کاملاً درست هستند، به جز

- (۱) یا رب شود چو دست سبو خشک زیر سر
- (۲) در شکست دل من چرخ چرا می‌کوشد
- (۳) خوشم به وعده‌ی خشکی ز شیشه خانه گردون
- (۴) هر نوایی که شنیدیم ز مرغان چمن
- دستی که در شکستن من سنگ برداشت (تشبیه- استعاره)
- سنگ بر شیشه پیمانه گساری نردم (تشخیص- کنایه)
- امید گوهر سیراب از این سراب ندارم (حسن آمیزی- تشبیه)
- چون رسیدیم به مضمون، نشنیدن به بود (مجاز- ایهام تناسب)

۲۳۸- در کدام بیت بیشترین تشبیه وجود دارد؟

- (۱) چو چشم خفته بگشودی ببستی خواب بیداران
- (۲) چه مرغی بلبل آوازی چه بلبل باز پروازی
- (۳) بتابی بر همه چون ماه و از من روی برتابی
- (۴) زهی اشکم ز شوق لعل می‌گون تو عتابی
- چو تاب طره بنمودی ببردی آب طراران
- که این عنقای زرین‌بال پیشش چون مگس بودی
- به هر کس شکر و شیری و با من آتش و آبی
- مرا دریاب و آب چشم خون‌افشان که در یابی

۲۳۹- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

- «سلیمانی ولی دیوان به دیوان تو در کارند
بگو تا بشکند آصف، صف دیوان دیوانی»

- (۱) تشبیه - جناس تام - استعاره - تلمیح
- (۲) تلمیح - تشبیه - مجاز - ایهام
- (۳) تشبیه - کنایه - مجاز - جناس ناقص
- (۴) جناس ناقص - کنایه - استعاره - ایهام

۲۴۰- آرایه‌های «ایهام تناسب- مجاز - اسلوب معادله - تلمیح» به ترتیب در کدام ابیات وجود دارند؟

- (الف) دگر به روی کسم دیده بر نمی‌باشد
- (ب) حال من با تو کسی نیست که تقریر کند
- (ج) فریاد که آن ماه مغنی دل خواجو
- (د) عذرا که نانوشته بخواند حدیث عشق
- خلیل من همه بت‌های آزاری بشکست
- پیش سلطان که دهد عرض تمنای گدای
- از چنگ برون برد به آواز ربابی
- داند که آب دیده وامق رسالت است

- (۱) الف، ج، ب، د
- (۲) ج، الف، ب، د
- (۳) الف، ج، د، ب
- (۴) ج، الف، د، ب

آزمون آرایه شماره ۲



۲۴۱- آرایه‌های «ایهام- جناس- استعاره» در کدام بیت وجود دارد؟

- | | |
|---|---|
| ۱) همان بهتر که بازآیی از این پرواز بی حاصل | که کبک خسته نتواند که با بازان کند بازی |
| ۲) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد | بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد |
| ۳) منه عود ای بت خوش نغمه از چنگ | که ساغر بانگ می‌دارد که غلغل |
| ۴) دور از آن روی بوستان افروز | لاله را دل ز بوستان بگرفت |

۲۴۲- در همه ابیات ایهام تناسب به کار رفته است به جز بیت

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) هر که او مشتریات گشت زهی طالع سعد | وان که در مهر تو چون ماه بیفزود بکاست |
| ۲) ای که از تنگ شکر شور برآورد لب | هر زمان پسته تنگت شکر آویز ترست |
| ۳) ای خط سبز تو همچون برگ نیلوفر در آب | قند مصر از شور یاقوت تو چون شکر در آب |
| ۴) خبر برید به خسرو که در ره شیرین | غبار هستی فرهاد کوه‌کن بنشست |

۲۴۳- هر دو آرایه مقابل کدام بیت درست است؟

- | | |
|--|---|
| الف) ای دل نگفتمت که ز ترکان بتاب روی | زان رو که ترک ترک خطایی بود صواب (حسن تعلیل- استعاره) |
| ب) دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی | عجب است اگر نگردهد که بگردد آسیابی (اسلوب معادله- تضاد) |
| ج) جام جم ار طلبی مجلس ما را دریاب | کز گدایی در میکده سلطان شده‌ایم (پارادوکس- تشبیه) |
| د) دلم امروز چو کاه از نفسی می‌لرزد | یاد آن روز که چون کاه جگر بود مرا (مجاز- اغراق) |

الف، ب (۱) ج، د (۲) الف، ج (۳) ب، د (۴)

۲۴۴- آرایه‌های بیت زیر کدامند؟

«به بوی لعل می‌گوش به ظلماتی در افتادم که گر میرم ز استسقا نجویم آب حیوان را»

- | | |
|------------------------------------|---|
| ۱) تشبیه- تلمیح- مجاز- ایهام تناسب | ۲) استعاره- ایهام- تشبیه- تلمیح |
| ۳) استعاره- ایهام- مجاز- حسن تعلیل | ۴) ایهام تناسب- اغراق- استعاره- حسن تعلیل |

۲۴۵- تعداد آرایه «تشبیه» در کدام بیت با بقیه یکسان نیست؟

- | | |
|--|--|
| (۱) سینه ام مجمر و عشق آتش و دل چون عود است | (۲) منم ابر و تویی گلبن که می‌خندی چو می‌گیریم |
| (۳) چشمه چشم من از سرو قدت یابد، آب | (۴) گلنار چو مریخ و گل زرد چو ماه |
| (۵) این نفس نیست که بر می‌کشم از دل، دود است | |
| (۶) تویی مهر و منم اختر که می‌میرم چو می‌آیی | |
| (۷) رشته جان من از، شمع رخت دارد، تاب | |
| (۸) شمشاد چو زنگار و می لعل چو زنگ | |

۲۴۶- آرایه‌های کدام گزینه تماماً در ابیات زیر وجود دارد؟

- | | |
|----------------------------|---------------------------------------|
| (الف) دیده بخت مقبلان نشود | (ب) لب دوخت هر کرا که بدو راز گفت دهر |
| (ج) جز بدان خاک آستان روشن | (د) تا باز نشنود ز کس این راز گفته را |

- (۱) تناقض، جناس ناهمسان، استعاره، کنایه. (۲) تشخیص، کنایه، حسن تعلیل، واج آرایی.
(۳) تضاد، ایهام، حسن تعلیل، تشخیص. (۴) حس آمیزی، کنایه، واج آرایی، تضاد.

۲۴۷- ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «مجاز — استعاره — تشبیه — ایهام تناسب» در کدام گزینه

درست آمده است؟

- | | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| (الف) پیش ماه دو هفته‌ی رخ تو | (ب) ذره‌ای عشق آفتاب رخس |
| (ج) نرگس اوست ای عجب بیمار | (د) به دهانش خوش آمد است محال |
| (۱) د - ج - ب - الف | (۲) د - ب - ج - الف |
| (۳) ب - ج - الف - د | (۴) ب - الف - ج - د |

۲۴۸- یکی از آرایه‌های روبه‌رو در کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

- | | |
|---|---|
| (۱) سیف فرغانی بی روی تو تا کی گوید | (۲) صائب از رنگین کلامان ترک دعوی خوش نماست |
| (۳) دور از تو مرا عشق تو کرده است به حالی | (۴) نازنین تر می‌شوی هر روز از روز دگر |
| (۵) ای صبا قصه عشاق بر یار بگو (جناس، تشخیص) | (۶) غنچه را مهر خموشی بر دهان زبیده است (حس آمیزی، استعاره) |
| (۷) کز مویه چو مویی شدم از ناله چو نالی (ایهام، جناس) | (۸) ناز چندان که می‌ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، تضاد) |

کرمونگ آرایه شماره ۴

۲۴۹- ترتیب قرار گرفتن آرایه‌های «اسلوب معادله، جناس تام، ایهام تناسب، جناس ناقص» در کدام گزینه درست آمده است؟

- (الف) از جدایی، قطع پیوند خدایی مشکل است
(ب) بنده آن زلف سر بر دوش کرد از دوش باز
(ج) به طرف بوستان هرکس به یاد چشم می‌گوش
(د) چو کحل بینش ما خاک آستان شماسست
- (۱) الف، د، ج، ب (۲) الف، ب، ج، د (۳) الف، د، ب، ج (۴) د، ب، الف، ج

۲۵۰- تعداد «تشبیه» در همه ابیات یکسان است به جز:

- (۱) گر تو شیرین شکرلب به شکرخنده درآیی
(۲) ز اوحدی گل رخسار خود نهفته چه داری؟
(۳) آتش مهر تو را حافظ عجب در سر گرفت
(۴) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
- به شکرخنده شیرین دل خلقی بریایی
بیا، که مهره دل را به خار هجر تو سقّم
آتش دل کی به آب دیده بنشانم چو شمع
ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

۲۵۱- شاعر در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «تناقض» بهره جسته است؟

- (الف) حلقه دام نجات است خم طره دوست
(ب) حافظ آن ساعت که این نظم پریشان می‌نوشت
(ج) بنال سعدی اگر چاره وصال نیست
(د) گرفتم سهل سوز عشق را اول، ندانستم
- وای بر حالت مرغی که در این دام نبود
طایر فکرش به دام اشتیاق افتاده بود
که نیست چاره بیچارگان به جز زاری
که صد دریای آتش از شراری می‌شود پیدا
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۵۲- در کدام بیت آرایه‌های «ایهام، تشبیه، اسلوب معادله، جناس» تماماً وجود دارد؟

- (۱) گر یاد کند ز اوحدی آن ماه عجب نیست
(۲) مهر رخت ز آب و گل ما شد آشکار
(۳) باد صبا به بوی تو در باغ، رفته است
(۴) چشمم از پرتو خورشید رخت، گیرد آب
- خورشید بسی سایه به ویرانه برانداخت
پنهان به گل چگونه کنند آفتاب را؟
بس خردها که بر گل احمر، گرفته است
رویت از آتش اندیشه دل یابد تاب

کانون آرایه شماره ۵

۲۵۳- ترتیب قرارگرفتن ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «ایهام، استعاره، تناقض، حس آمیزی، تشبیه» در کدام گزینه درست آمده است؟

- | | |
|---|---------------------------------------|
| الف) رخم چو لاله ز خوناب دیده رنگین است | ب) مبین به چشم حقارت به خون دیده ما |
| ج) نداد بوسه و این با که می‌توان گفتن؟ | د) به روشنان چه بری شکوه از سیاهی بخت |
| ه) رهی ز لاله و گل نشکفد بهار مرا | ۱) ه، ج، د، ب، الف |
| ۲) ه، د، ج، ب، الف | ۳) الف، ب، ج، د، ه |
| ۴) الف، ب، ج، ه | |
- نشان قافله سالار عاشقان این است
که آبروی صراحی به اشک خونین است
که تلخکامی ما ز آن دهان شیرین است
که اختر فلکی نیز چون تو مسکین است
بهار من گل روی امیر و گلچین است

۲۵۴- آرایه‌های کدام گزینه تماماً به درستی ذکر شده است؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| ۱) پاک خواهد کرد از اشک ندامت راه خویش | ۲) برنیاید شعله را از سر هوای سرکشی |
| ۳) فربهی از خوان مردم رنج باریک آورد | ۴) ترک دعوی می‌نماید پایه معنی بلند |
- لبر از بی آبرویی گر بپوشد ماه را (مجاز، جناس)
نفس چون از دل برآرد ریشه حب جاه را؟ (اسلوب معادله، حس آمیزی)
کرد نور عاریت آخر هلالی ماه را (ایهام تناسب، اسلوب معادله)
جامه کوتاه، رعنا می‌کند کوتاه را (تناقض، اسلوب معادله)

۲۵۵- شاعر در بیت زیر از آرایه‌های کدام گزینه تماماً بهره جسته است؟

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| « دور از تو در جهان فراخم مجال نیست | عالم به چشم تنگ دلان چشم سوزن است» |
| ۱) ایهام تناسب، کنایه، تشبیه، مجاز. | ۲) ایهام، تشبیه، استعاره، طباق. |
| ۳) مجاز، کنایه، استعاره، ایهام تناسب، | ۴) حسن تعلیل، تشخیص، جناس، ایهام. |

۲۵۶- واژه «مدام» در همه بیت‌ها به جز ایهام تناسب دارد؟

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱) مدام بهر جگر خوارگان دردی کش | ۲) خواجه مدام جرعه مستان عشق نوش |
| ۳) به طرف بوستان هر کس به یاد چشم می‌گوش | ۴) خوشا به مجلس شوریدگان درد آشام |
- دل پر آتش خونین کباب باید کرد
وز اعتراض مردم هشیار غم مخور
مدام ار می‌نمی‌نوشد قدح بر کف چرا دارد؟
به یاد لعل لبش نوش کرده جام مدام

کنز معنی آرایه شماره ۶

۲۵۷- تعداد استعاره های بیت زیر با استعاره های کدام گزینه برابر است؟

- «لاله زاری شد به چشم من جهان از نور عشق
- ۱) ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی
- ۲) ای بسا شب که من خشک لب از حسرت تو
- ۳) ژاله از نرگس فرو بارید و گل را آب داد
- ۴) ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود
- کیمیای شعله خس را آتشین سیما کند»
- باده ی صاف دایمت در قدح و پیاله باد
- بر زمین ریختم از دیده ی تر مروارید
- وز تگرگ روح پرور مالش عذاب داد
- خورشید رفته است سر شب سراغ ماه

۲۵۸- در کدام گزینه هر دو آرایه ی مطرح شده نادرست است؟

- ۱) آزاد بنده ای که بود در رکاب تو خرم ولایتی که تو آنجا سفر کنی (متناقض نما-تشخیص)
- ۲) پرده ی معنی روشن نشود صائب، لفظ عالم آشوبی از آن زلف معنبر پیداست (مجاز- تشبیه)
- ۳) هر آن کسم که نصیحت همی کند به صبوری به هرزه باد همی می دمد به آهن سردم (کنایه- استعاره)
- ۴) آه گرمی که گره در دل پر خون من است هم چو داغ از جگر لاله ی احمر پیداست (حس آمیزی-ایهام)

۲۵۹- آرایه های بیت زیر کدام اند؟

«اشک غماز من ار سرخ برآمد چه عجب خجل از کرده ی خود پرده دری نیست که نیست»

- ۱) حسن تعلیل- کنایه - استعاره- حس آمیزی-ایهام تناسب
- ۲) کنایه-ایهام- تشخیص- حناس- مراعات نظیر
- ۳) حسن تعلیل- استعاره- کنایه- حناس- اغراق
- ۴) تشبیه- تشخیص- اسلوب معادله- حس آمیزی- متناقض نما

۲۶۰- ترتیب قرار گرفتن بیت ها با توجه به داشتن آرایه های «تضمین- حسن تعلیل- ایهام- متناقض نما و

تضاد» در کدام گزینه درست آمده است؟

- الف - بیداری زمان را با من بخوان به فریاد
- ب - خاک بغداد به مرگ خلفا می گرید
- ج - سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
- د - به بوی ناه ای کاخر صبا زان طره بگشاید
- هـ - اول دلم را صفا داد آینه ام را جلا داد
- ور مرد خواب و خفتی «رو سر بنه به بالین»
- ورنه این شط روان چیست که در بغداد است؟
- چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
- به تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل ها
- آخر به باد فنا داد عشق تو خاکستر من

- ۱) الف-ب-ج-د-هـ ۲) الف-ب-د-ج-هـ ۳) ب-الف-د-هـ-ج ۴) ب-د-هـ-ج-الف

۲۶۱- شاعر در چند بیت از ابیات زیر از آرایه «مجاز» استفاده نموده است؟

- | | |
|--|----------------------------------|
| الف) به خاک حافظ اگر یار بگذرد چون باد | ز شوق در دل آن تنگنا کفن بدرم |
| ب) وگر رفت و آثار خیرش نماند | نشاید پس مرگش الحمد خود |
| ج) در آفتاب قیامت چه کار خواهی کرد | اگر به سایه گریزی ز آفتاب این جا |
| د) موافقان ترا دل ز مژدگانی فتح | شکفته باد چو گل در هوای فروردین |
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۶۲- تعداد آرایه «تشبیه» در همه ابیات یکسان است به جز:

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱) اگر یک سو کنی زان رخ سر زلف چو سنبل را | ز روی لاله رنگ خود خجالت‌ها دهی گل را |
| ۲) رشته صبرم به مقراض غمت ببریده شد | همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع |
| ۳) گر چه چون عنقا به قاف عشق کردیم آشیان | مرغ دل را هر نفس در آشیانی یافتیم |
| ۴) عشق دردانه‌ست و من غواص و دریا میکده | سر فرو بردم در آن جا تا کجا سر برکنم. |

۲۶۳- آرایه های مقابل کدام گزینه تماما درست است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) دام عقل است آن که چشمش می پرد بهر شکار | چشم دام عشق از سیمرغ و از عنقا پر است (حسن تعلیل-استعاره) |
| ۲) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست | از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت (حسن آمیزی-مجاز) |
| ۳) دل من نه مرد آن است که با غمش برآید | مگسی کجا تواند که برافکند عقابی (اسلوب معادله- تشبیه) |
| ۴) ارزد اندر شب ز بهر شاهدهی شمعی ز جان | یوسفی شاید زلیخا را به صد گوهر بها (تلمیح- ایهام) |

۲۶۴- در همه ی گزینه ها به جز گزینه ی..... آرایه ی حسن تعلیل و استعاره به کار رفته است.

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش | از تشنگی ات فرات در جوش و خروش |
| ۲) چون جامه ها به وقت مصیبت سیه کنند | من موی از مصیبت پیری کنم سیه |
| ۳) عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت | که چندین گل اندام در خاک خفت |
| ۴) از حیای لب شیرین تو ای چشمه ی نوش | غرق آب و عرق اکنون شکری نیست که نیست |

۲۶۵- در کدام گزینه‌ها «تشبیه و استعاره» هر دو وجود دارد؟

- الف) چو بت پرست به صورت چنان شدی مشغول که دیگرت خبر از لذت معانی نیست

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
که اساسش همه بی موقع و بی‌بنیاد است
از بهر سرزمین دگر سبز کرده‌اند
(۳) الف - د (۴) ب - د

ب) غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ج) خیمه‌ی انس مزین بر در این کهنه رباط
د) دل در جهان مبنده که این نونهال را
(۲) الف - ج (۱) ب - ج

۲۶۶ - آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

«دولت عشق بین که چون از سر فقر و افتخار
گوشه‌ی تاج سلطنت می‌شکند گدای تو»
(۱) تشبیه - ایهام - حسن تعلیل - تشخیص
(۲) کنایه - پارادوکس - حس آمیزی - اغراق
(۳) تشبیه - پارادوکس - کنایه - تناسب
(۴) تشخیص - ایهام - اغراق - تشبیه

۲۶۷ - آرایه‌های «کنایه، حسن تعلیل، تشبیه و استعاره و جناس» در کدام بیت دیده می‌شود؟

(۱) که گذشته است از این بادیه دیگر کامروز
نیض ره می‌تپد و سینه‌ی صحرای گرم است
(۲) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد
اکسیر عشق بر مسمم افتاد و زر شدم
(۳) در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند
آن چه استاد ازل گفت بگو می‌گویم
(۴) تا درد و ورم فرو نشینند
کافور بر آن ضماد کردند

آزمون آرایه شماره ۸

۲۶۸ - در کدام گزینه همه‌ی آرایه‌های «کنایه - حسن تعلیل - تشبیه - مراعات نظیر» وجود دارد؟

- (۱) بر طرب حمل مکن سرخی رویم که چو جام
(۲) نخواستیم که بگویم حدیث عشق و چه حاجت
(۳) نقش من عاشقی و در خط و خال رخ توست
(۴) چه حاجت است به اظهار عشق پیش تو ما را
- خون دل عکس برون می‌دهد از رخسارم
که آب دیده‌ی سرخس بگفت و چهره‌ی زردم
همه چون زلف تو آشفتن و شیدا گشتن
که اشک گوید و رخسار زرد و رنگ پریده

۲۶۹- در ابیات زیر چند «ایهام تناسب و تشبیه» به ترتیب وجود دارد؟

- (الف) شبی در باغ از زلف تو تاری بر زمین افتاد
(ب) دو هفته می‌گذرد کان مه دو هفته ندیدم
- چمن در جستجوی صد چراغ لاله روشن کرد
به جان رسیدم از آن تا به خدمتش نرسیدم
- (۱) دو - دو (۲) سه - یک (۳) سه - دو (۴) دو - یک

۲۷۰- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه تماماً درست آمده است؟

- «محرورم اگر شدم ز سر کوی او چه شد
از گلشن زمانه کوه بوی وفا شنید»
- (۱) تشبیه، حس آمیزی، تناسب، مجاز
(۲) تناسب، استعاره، ایهام، حسن تعلیل
(۳) اغراق، حس آمیزی، استعاره، حسن تعلیل
(۴) مجاز، اغراق، ایهام، تشبیه

۲۷۱- در کدام گزینه هر دو آرایه ی مطرح شده نادرست است؟

- (۱) آزاد بنده ای که بود در رکاب تو
(۲) پرده ی معنی روشن نشود صائب، لفظ
(۳) هر آن کسم که نصیحت همی کند به صبوری
(۴) آه گرمی که گره در دل پر خون من است
- خرم ولایتی که تو آنجا سفر کنی (متناقض نما- ایهام)
عالم آشوبی از آن زلف معنبر پیداست (مجاز- تشبیه)
به هرزه باد همی می دمد به آهن سردم (کنایه- استعاره)
همچو داغ از جگر لاله ی احمر پیداست (حس آمیزی- ایهام)

۲۷۲- در همه ی گزینه ها آرایه های مطرح شده درست است به جز گزینه ی.....

- (۱) بر گرفتاری دل خنده زنان می گذرم
(۲) گفتم آتش در زخم آفاق را
(۳) ترش بنشین و تیزی کن که ما را تلخ نماید
(۴) مرغ جان من در این خاکی قفس محبوس توست
- هم چو دیوانه که از پیش دبستان گذرد (اسلوب معادله- تشبیه)
گفت سعدی در نگیرد با منت (ایهام- کنایه)
چه می گویی چنین شیرین که شوری در من افکندی (حس آمیزی- ایهام تناسب)
هم تو بالاش برگشا و هم تو بندش در (استعاره- تضاد)

۲۷۳- تعداد آرایه «تشبیه» در کدام بیت با بقیه یکسان نیست؟

- (۱) ماهی نتافت همچو تو از برج نیکویی
(۲) چشمه چشم من از سرو قدت یابد، آب
(۳) لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است
(۴) سینه‌ام مجمر و عشق آتش و دل چون عود است
- سروى نخاست چون قدت از جویبار حسن
رشته جان من از، شمع رخت دارد، تاب
قد تو سرو و میان موی و بر به هیئت عاج
این نفس نیست که بر می‌کشم از دل، دود است.

۲۷۴- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- «عنان باد نخواهم ز دست داد کنون گسسته باد که در دست نیست جز بادم»
- (۱) جناس تام - استعاره - کنایه - واج‌آرایی
(۲) جناس ناقص - واج‌آرایی - تشبیه - تکرار
(۳) کنایه - واج‌آرایی - مجاز - تشبیه
(۴) جناس ناقص - تشبیه - کنایه - مجاز

۲۷۵- در کدام گزینه هر دو آرایه ی مقابل بیت نادرست است؟

- (۱) به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق
(۲) گر مر او را این نظر بودی مدام
(۳) وجه خدا اگر شودت منظر نظر
(۴) زین دایره ی مینا خونین جگرم می ده
- مژه بر هم نزند، گر بزنی تیر و سنانش (کنایه-اغراق)
چون ندیدی زیر مشتی خاک، دام (ایهام تناسب-تشبیه)
زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی (جناس- اشتقاق)
تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی (استعاره- ایهام)

۲۷۶- آرایه های «حسن تعلیل- تضاد - حس آمیزی- مجاز- استعاره» به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

- الف - رخ شاه کاووس، پر شرم دید
ب - در شب هجران مرا پروانه ی وصلی فرست
ج - بوی خوش آهوی تو بر دشت گذر کرد
د - تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار
ه - دام عقل است آن که چشمش می پرد بهر شکار
- سخن گفتنش با پسر نرم دید
ور نه از دردت جهانی را بسوزانم چو شمع
داغ جگر لاله‌ستان ناف ختن شد
که توسنی چو فلک رام تازیانه ی توسست
چشم دام عشق از سیمرغ و از عنقا پر است

- (۱) د - ه - ب - ج - الف (۲) ه - ج - الف - ب - د (۳) ج - ه - د - ب - الف (۴) ج - د - الف - ب - ه

۲۷۷- کدام گزینه آرایه های استعاره و تشبیه دارد و فاقد کنایه و مجاز است؟

- (۱) در چراغ دو چشم او زد تیغ
(۲) آب و آتش به هم آمیخته‌ای از می لعل
(۳) ماه خورشید نمایش ز پس پرده ی زلف
(۴) از سر کشته ی خود می گذرد همچون باد
- نامدش کشتن چراغ دریغ
چشم بد دور که بس شعبده باز آمده ای
آفتابی است که در پیش سحابی دارد
چه توان کرد که عمر است و شتابی دارد

۲۷۸- در کدام گزینه همه ی آرایه های «ایهام - اسلوب معادله- تلمیح- کنایه و استعاره» دیده می شود؟

- (۱) آفت هوش اسیران، برق دیدار است و بس
(۲) کار هر موری نباشد با سلیمان گفت و گو
(۳) ارزد اندر شب ز بهر شاهدهی شمعی ز جان
(۴) در حقیقت تنگ‌دستی مایه دیوانگی است
- می زند رنگ گل آتش در بنای عندلیب
یار هر سگبان نباشد رازدار پادشاه
یوسفی شاید زلیخا را به صد گوهر بها
در چمن بید از غم بی‌حاصلی مجنون شود

۲۷۹- آرایه های «مجاز - تلمیح- حسن تعلیل- حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب در کدام گزینه به کار رفته است؟

زانرو که مرا با لب شیرین تو کار است
که تا بزاد و بشد جام می ز کف ننهاد
زمانه بر گلوی هر خری بسته درایی
که عندلیب تو از هر طرف هزارانند
کاهنگ خون من چه دلاویز می کنی

الف - از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر
ب - مگر که لاله بدانست بی وفایی دهر
ج - زند به نغمه ی داوود طعنه صوت و صدایش
د - نه من بر آن گل عارض غزل سرایم و بس
ه - حیران دست و دشنه ی زیبات گشته ام

۲) ه - ج - ب - الف - د

۴) ب - الف - ج - د - ه

۱) ه - الف - ب - د - ج

۳) ب - الف - ه - ج - د

۲۸۰ - در کدام بیت آرایه ی ایهام تناسب به کار رفته است؟

نیست چون آینه‌ام روی ز آهن چه کنم
تو بفرما که من سوخته خرمن چه کنم
چاره تیره شب وادی ایمن چه کنم
کارفرمای قدر می‌کند این من چه کنم

۱) آه کز طعنه بدخواه ندیدم رویت
۲) برق غیرت چو چنین می‌جهد از مکمن غیب
۳) مددی گر به چراغی نکند آتش طور
۴) رو ای ناصح و بر دردکشان خرده مگیر

۲۸۱ - کدام گزینه فاقد آرایه ی جناس و دارای دو آرایه ی اسلوب معادله و تشخیص است؟

کسی ز سایه ی این در به آفتاب رود؟
پشت کمان خمیده ز فکر دو خانه است
عرق از بار گران قسمت حمال شود
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

۱) گدایی در جانان به سلطنت مفروش
۲) گشتیم پیر از غم دنیا و آخرت
۳) بهره ی خواجه ز اسباب به جز محنت نیست
۴) محرم این هوش جز بیهوش نیست

۲۸۲ - آرایه های بیت «دل خراب من از عشق کی شود خالی / چراکه جایگه گنج، کنج ویران استدر کدام

گزینه آمده است؟

۱) اسلوب معادله - واج آرایی - تشبیه - تناسب

۲) حسن تعلیل - جناس - ایهام - لف و نشر

۳) اسلوب معادله - استعاره - لف و نشر - متناقض نما

۴) متناقض نما - حسن تعلیل - نغمه ی حروف - تضاد

پاسخنامه

۱	۱	۲۶	۳	۵۱	۴	۷۶	۲	۱۰۱	۳	۱۲۶	۲	۱۵۱	۴	۱۷۶	۱	۲۰۱	۴	۲۲۶	۱	۲۵۱	۴	۲۷۶	۴
۲	۱	۲۷	۱	۵۲	۲	۷۷	۱	۱۰۲	۴	۱۲۷	۳	۱۵۲	۲	۱۷۷	۳	۲۰۲	۱	۲۲۷	۴	۲۵۲	۲	۲۷۷	۳
۳	۳	۲۸	۱	۵۳	۳	۷۸	۳	۱۰۳	۴	۱۲۸	۴	۱۵۳	۴	۱۷۸	۴	۲۰۳	۳	۲۲۸	۳	۲۵۳	۳	۲۷۸	۴
۴	۱	۲۹	۲	۵۴	۴	۷۹	۴	۱۰۴	۲	۱۲۹	۴	۱۵۴	۲	۱۷۹	۱	۲۰۴	۴	۲۲۹	۴	۲۵۴	۳	۲۷۹	۲
۵	۱	۳۰	۴	۵۵	۱	۸۰	۴	۱۰۵	۲	۱۳۰	۱	۱۵۵	۳	۱۸۰	۳	۲۰۵	۱	۲۳۰	۴	۲۵۵	۲	۲۸۰	۱
۶	۴	۳۱	۳	۵۶	۱	۸۱	۳	۱۰۶	۲	۱۳۱	۲	۱۵۶	۱	۱۸۱	۴	۲۰۶	۳	۲۳۱	۴	۲۵۶	۴	۲۸۱	۲
۷	۳	۳۲	۳	۵۷	۳	۸۲	۲	۱۰۷	۴	۱۳۲	۳	۱۵۷	۴	۱۸۲	۱	۲۰۷	۴	۲۳۲	۲	۲۵۷	۴	۲۸۲	۱
۸	۱	۳۳	۱	۵۸	۳	۸۳	۲	۱۰۸	۱	۱۳۳	۲	۱۵۸	۴	۱۸۳	۱	۲۰۸	۲	۲۳۳	۱	۲۵۸	۲		
۹	۴	۳۴	۲	۵۹	۲	۸۴	۳	۱۰۹	۲	۱۳۴	۲	۱۵۹	۱	۱۸۴	۱	۲۰۹	۴	۲۳۴	۱	۲۵۹	۳		
۱۰	۱	۳۵	۳	۶۰	۳	۸۵	۴	۱۱۰	۴	۱۳۵	۴	۱۶۰	۳	۱۸۵	۲	۲۱۰	۲	۲۳۵	۲	۲۶۰	۲		
۱۱	۳	۳۶	۳	۶۱	۴	۸۶	۴	۱۱۱	۲	۱۳۶	۲	۱۶۱	۳	۱۸۶	۱	۲۱۱	۳	۲۳۶	۴	۲۶۱	۴		
۱۲	۳	۳۷	۲	۶۲	۴	۸۷	۴	۱۱۲	۳	۱۳۷	۳	۱۶۲	۲	۱۸۷	۱	۲۱۲	۱	۲۳۷	۴	۲۶۲	۲		
۱۳	۲	۳۸	۴	۶۳	۲	۸۸	۲	۱۱۳	۴	۱۳۸	۱	۱۶۳	۳	۱۸۸	۴	۲۱۳	۲	۲۳۸	۲	۲۶۳	۳	۲۸۸	
۱۴	۳	۳۹	۴	۶۴	۴	۸۹	۴	۱۱۴	۳	۱۳۹	۱	۱۶۴	۲	۱۸۹	۳	۲۱۴	۱	۲۳۹	۱	۲۶۴	۲	۲۸۹	
۱۵	۲	۴۰	۲	۶۵	۲	۹۰	۴	۱۱۵	۲	۱۴۰	۴	۱۶۵	۱	۱۹۰	۱	۲۱۵	۴	۲۴۰	۲	۲۶۵	۱	۲۹۰	
۱۶	۱	۴۱	۴	۶۶	۴	۹۱	۲	۱۱۶	۴	۱۴۱	۱	۱۶۶	۴	۱۹۱	۴	۲۱۶	۳	۲۴۱	۱	۲۶۶	۳	۲۹۱	
۱۷	۲	۴۲	۳	۶۷	۱	۹۲	۲	۱۱۷	۱	۱۴۲	۴	۱۶۷	۲	۱۹۲	۴	۲۱۷	۲	۲۴۲	۴	۲۶۷	۲	۲۹۲	
۱۸	۱	۴۳	۲	۶۸	۴	۹۳	۳	۱۱۸	۳	۱۴۳	۳	۱۶۸	۴	۱۹۳	۳	۲۱۸	۴	۲۴۳	۲	۲۶۸	۱	۲۹۳	
۱۹	۱	۴۴	۴	۶۹	۴	۹۴	۲	۱۱۹	۴	۱۴۴	۱	۱۶۹	۳	۱۹۴	۳	۲۱۹	۱	۲۴۴	۲	۲۶۹	۲	۲۹۴	
۲۰	۴	۴۵	۱	۷۰	۲	۹۵	۴	۱۲۰	۴	۱۴۵	۲	۱۷۰	۲	۱۹۵	۴	۲۲۰	۱	۲۴۵	۴	۲۷۰	۱	۲۹۵	
۲۱	۱	۴۶	۳	۷۱	۲	۹۶	۱	۱۲۱	۳	۱۴۶	۴	۱۷۱	۲	۱۹۶	۱	۲۲۱	۴	۲۴۶	۱	۲۷۱	۲	۲۹۶	
۲۲	۱	۴۷	۳	۷۲	۲	۹۷	۳	۱۲۲	۱	۱۴۷	۳	۱۷۲	۴	۱۹۷	۲	۲۲۲	۲	۲۴۷	۱	۲۷۲	۳	۲۹۷	
۲۳	۴	۴۸	۲	۷۳	۳	۹۸	۲	۱۲۳	۴	۱۴۸	۲	۱۷۳	۲	۱۹۸	۴	۲۲۳	۱	۲۴۸	۴	۲۷۳	۳	۲۹۸	
۲۴	۲	۴۹	۴	۷۴	۴	۹۹	۲	۱۲۴	۴	۱۴۹	۲	۱۷۴	۲	۱۹۹	۳	۲۲۴	۳	۲۴۹	۳	۲۷۴	۱	۲۹۹	
۲۵	۴	۵۰	۳	۷۵	۱	۱۰۰	۳	۱۲۵	۴	۱۵۰	۴	۱۷۵	۱	۲۰۰	۱	۲۲۵	۲	۲۵۰	۲	۲۷۵	۲	۳۰۰	